

فهرست مقالات



- ۱- الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر پایه بیانات امام خامنه‌ای (حفظه ...) زهرا احتشام، جواد پور کریمی، فاطمه نارنجی‌ثانی و میثم لطیفی..... ۱
- ۲- شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای در تقویت تعامل بین دانشگاه و صنعت: یک مطالعه اکتشافی سیدجعفر ایرانی‌کلور، ماهرخ لطف‌الهی‌حق، مجتبی حیدری و رضا رستم‌زاده..... ۲۵
- ۳- تحلیل تطبیقی اصول مدیریت مذاکره در داستان قرآنی موسی و فرعون: بینش‌های کاربردی برای تدوین استراتژی‌های مذاکره معاصر فاطمه حق‌نژاد، رسول عسگرپور، احمدرضا شکرچی‌زاده و رضا ابراهیم‌زاده‌دستجردی..... ۴۸
- ۴- تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی هدی زینالی..... ۶۲
- ۵- بررسی عوامل تاثیر گذار بر افزایش کیفیت خدمات الکترونیک سازمان‌های خدمت رسان عمومی از بعد کمی و کیفی با رویکرد مدیریت جهادی (مورد مطالعه سازمان تأمین اجتماعی) سید احمد موسوی، ناصر میرسپاسی، حیدر تورانی و مجتبی کیانی..... ۷۷
- ۶- ارائه الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی افشین لشگری، محمدرضا مردانی، بهزاد شهربابی، الهه معصومی و سامره شجاعی..... ۱۰۱
- ۷- تأثیر تورم بر شاخص‌های حکمرانی در ایران با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد NARDL) مژگان کریم‌زاده‌خویی، منیره دیزجی و محمدرضا ناهیدی‌امیرخیز..... ۱۲۱



الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر پایه بیانات امام خامنه‌ای (حفظه...)

زهرا احتشام^۱

جواد پورکریمی^۲

فاطمه نارنجی‌ثانی^۳

میثم لطیفی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

چکیده

انقلاب اسلامی ایران و پس از آن، دفاع مقدس توانست ادبیات جهادی را وارد عرصه مدیریت و سازمان نماید. داشتن نیت صحیح، روح این مفهوم است که شاید در ادبیات علمی کم‌تر روی آن تأکید شده باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی و طراحی الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی است. پژوهش از نوع چندروشی کیفی است و از روش‌های تحلیل اسنادی و تحلیل محتوا استفاده شده است. بر اساس یافته‌های تحلیل اسنادی، رویکرد فضیلت‌گرایی در بین مکاتب اخلاقی غربی بیشترین قرابت را با رویکرد فلسفه اخلاق توحیدی (اسلامی) از حیث نگاه به نیت دارد. همچنین نیت می‌تواند در سه سطح عملکرد فردی افراد، عملکرد سازمانی افراد و عملکرد سازمان تأثیرگذار باشد. تأثیرگذاری نیت در سطح عملکرد فردی افراد می‌تواند در سه بعد خود رفتار، نتایج رفتار و فاعل رفتار صورت پذیرد. همچنین مفهوم نیت استراتژیک می‌تواند ردپایی از نیت‌محوری در ادبیات مدیریت و سازمان غربی باشد. در بخش تحلیل محتوا، بیانات مقام معظم رهبری در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحلیل محتوا الگوی مفهومی عملکرد جهادی را با دو مقوله اصلی نیت عملکرد (روح سازمان) و قالب عملکرد (کالبد سازمان) و با محوریت نیت سازمانی ترسیم نموده است. روح سازمان شامل پنج مؤلفه داشتن جهت و نیت مقدس، کار کردن برای خدا، ناراحت کردن و مبارزه با دشمن، انگیزه اعتلای جامعه و کشور و چشم‌پوشی از اهداف مادی و کالبد سازمان شامل پنج مؤلفه خستگی‌ناپذیری و دور زدن موانع، تلاش بی‌وقفه و خطرپذیری، تولیدکنندگی و عدم وابستگی به بیگانه، سرگرم نشدن به حواشی و زرق و برق‌ها و رعایت قانون و منطق است.

کلمات کلیدی:

نیت، نیت‌سازمانی، نیت استراتژیک، عملکرد جهادی، امام خامنه‌ای

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. z.ehtesham@ut.ac.ir

۲- دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) jpkarimi@ut.ac.ir

۳- دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. fnarenji@ut.ac.ir

۴- دانشیار، گروه مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Latifi@isu.ac.ir

مقدمه

نظام ارزشی حاکم بر هر سازمان با توجه به ایدئولوژی تشکیل‌دهنده و فلسفه حاکم بر آن به صورت ناخواسته بر خلق‌و‌خو و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ درواقع بدون توجه به فلسفه، تحلیل نظریه‌های مدیریت و سازمان کاری ناشدنی است. در نظریه‌های جدید مدیریت نقش فلسفه عمل‌گرا نقشی انکارناپذیر است. عمل‌گرایی را می‌توان اساس بسیاری از نظریه‌های متداول در دانش مدیریت غربی دانست. بزرگان این فلسفه که بعد مادی‌شان بر بعد معنوی‌شان می‌چربد، به‌گونه‌ای مادر رفتارگرایی معاصر بوده و نظراتشان غیرمستقیم در نظریه‌های سیستمی و اقتضایی نیز مؤثر بوده است (فرهنگی، ۱۳۷۶). این فلسفه منجر به نگرش اصالت عمل گردیده و به نتایج و پیامدهای عملی اهمیت داده شد از همین روست که سبک سازمان‌های تمدن غربی خواه‌ناخواه به سمت رفتارهای مادی‌گرایانه سوق پیدا می‌کند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵). در میانه هیاهو مادی‌گرایانه تمدن غرب، انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار کبیرش با نهادهای زاینده خود همانند جهاد سازندگی، رویکرد فراموش شده حضرات معصومین (ع) را تحت عنوان کار جهادی به جامعه معرفی نمودند. جهاد اغلب به مبارزه معنوی درونی برای زندگی به‌عنوان یک مسلمان وارسته و مبارزات بیرونی برای ایجاد یک جامعه عادلانه اشاره می‌کند (روپسینگه و همکاران، ۲۰۲۱). باتوجه به روایات معصومین جهاد هر گونه فعالیت، تلاش و مبارزه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی و با هر وسیله‌ای اعم از جان، مال، زبان، فکر و قلم است که با هدف تقرب الی الله انجام می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰).

مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر گفتمان‌ساز ادبیات جهادی در جامعه هستند تا جایی که اندیشمندان غربی همچون اریک سندر لاپ (۲۰۲۰: ۳۱۲) پس از بررسی عمیق و میدانی جهاد سازندگی در ج.ا. ایران به آن اذعان کرده‌اند. می‌توان گفت ایشان به‌طور خلاصه دو نکته را در کار جهادی پررنگ می‌دانند: تلاش زیاد برای رضای خدای متعال و مبارزه با دشمن (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵). می‌توان ادعا کرد نیت درست و کسب رضایت الهی مهم‌ترین بعد کار جهادی است، اما متأسفانه اغلب در ادبیات مربوط به مدیریت و کار جهادی یا به این بعد اهمیت چندانی داده نمی‌شود و به ابعاد رفتاری همچون تلاش زیاد، خستگی‌ناپذیری، خدمت به محرومین و موارد مشابه اشاره می‌شود (مانند احمدی و روستا، ۱۴۰۰) و یا ابعاد نیت‌محوری همچون کسب رضایت الهی و ولایت‌مداری در ردیف سایر ابعاد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بااهمیت ذکر می‌شود (مانند تولایی و شکوهیار، ۱۳۹۳ و بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۶). این مسئله باعث شده است که برخی پژوهشگران ادبیات جهادی را مشابه

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

ادبیات سازمان‌های مردم‌نهاد و سمن‌ها دانسته و یا نهایتاً مشابه ادبیات معنویت سازمانی، نیت الهی را صرفاً یکی از ابعاد کار جهادی در کنار سایر ابعاد قلمداد می‌کنند. این در حالی است که در فلسفه توحیدی، نیت روح عمل محسوب شده و هر عملی بدون در نظر گرفتن نیت همچون جسدی بی‌جان و یا میوه‌ای بدون بذر است (ساری و مسعودی، ۱۳۹۷).

تعاریف متعددی برای مفهوم نیت ارائه شده است که برخی از آن‌ها در جدول ۱ قابل ملاحظه است. نگاهی به مجموع تعاریف نشان می‌دهد که چند ویژگی مهم در بطن مفهوم نیت نهفته است: الف) آگاهانه بودن؛ به این معنا که فاعل از روی عادت و یا به‌صورت غریزی کاری انجام نمی‌دهد؛ ب) التفات به غایت و کمال نهایی کار؛ این ویژگی مخصوصاً در تعریف علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری (ره) پررنگ است؛ ج) اختیاری بودن عمل مقارن با نیت: فرد از روی اجبار کار را انجام نمی‌دهد؛ این ویژگی مخصوصاً در تعاریف امام خمینی (ره)، مصباح (۱۳۹۱) و علمی راد (۱۴۰۱) مورد اشاره است.

جدول ۱- تعاریف نیت از منظر اندیشمندان

مؤلفان/صاحب نظران	تعریف نیت
خواجہ نصیر طوسی (ره)	نیت عملی ذهنی است که واسطه میان علم و عمل واقع می‌شود و زمینه تحقق عمل را فراهم می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱۴۰۳ ق).
علامه محمدباقر مجلسی (ره)	نیت در معانی مختلفی استعمال می‌شود: نیت و قصدی که مقارن با عمل است؛ عزمی که بر عمل تقدم دارد، اعم از این که انجام آن عمل میسر باشد یا خیر؛ تمنای عمل، هر چند شخص می‌داند انجام آن کار برای وی امکان‌پذیر نیست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱۴۰۳ ق).
علامه طباطبایی (ره)	کمال نهایی که فاعل در فعل خود به‌سوی آن سوق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۲۱)؛ و صورت علمی فکر یا تخیل که به سمت فعلی برای دست‌یابی به غایتش دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۵۶).
امام خمینی (ره)	عزم به اتیان کار پس از تصور و تصدی به فایده آن و حکم به لزوم اتیان آن؛ حالتی نفسانی که در جمیع افعال اختیاری پس از این امور پیدا می‌شود که از آن تعبیر به همت، تصمیم، عزم، اراده و قصد می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۳: ۱۵۶).
شهید مطهری (ره)	نیت همواره با هدف سروکار دارد و حقیقت آن چیزی جز هدف‌گیری در فعل نیست (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۴۴).
علامه مصباح (ره)	انگیزه‌ای است که آگاهانه در فعل تأثیر داده شده، در صورت وجود انگیزه‌های مزاحم بر آن‌ها ترجیح داده شود (۱۳۹۱).
رهنما (۱۳۹۱)	در نظر گرفتن و لحاظ غایت و غرض فعل هنگام انجام آن. فعل فاقد نیت فعلی است ناآگاهانه و از روی عادت، چرا که در این دو گونه فعل، فاعل غرض و غایتی را در نظر نمی‌گیرد.
علمی راد (۱۴۰۱)	داعی و انگیزه برآمده از میل و گرایش مبتنی بر بینش و آگاهی که سبب گزینش فعل خاص از میان افعال مشابه و انجام آن می‌شود.
مایکل اسلوت	فرایندی آگاهانه که میل فاعل مختار به آن تعلق گرفته است. از این‌رو نیت در نظر اسلوت مرکب از فرایندهای ذهنی فاعل اعم از میل و علم است (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۷).
سرل ^۱ (۱۹۸۳)	نیت، یک مفهوم روان‌شناختی است که توسط یک شخص آگاه می‌تواند حالت‌های عمدی و حالت‌های ذهنی مرتبط با واقعیت خارجی را شکل دهد.

۱. نسبت نیت با عملکرد در مکاتب اخلاقی گوناگون

اگر پژوهشگران به دنبال بررسی اهمیت و اصالت نیت و جایگاه آن در ارزشمندی رفتار و عملکرد فردی باشند، ناگزیر می‌بایست ردّ آن را در مکاتب فلسفی به‌خصوص فلسفه اخلاق پیگیری نمایند. به‌طور کلی می‌توان گفت چهار مکتب نتیجه‌گرایی^۲، اخلاق وظیفه‌گرا^۳، اخلاق فضیلت^۴ و اخلاق اسلامی نظرات قابل توجهی در این حوزه دارند.

دیدگاه نتیجه‌گرایی: مکاتب نتیجه‌گرا تنها نتیجه عمل را مهم می‌دانند و انگیزه و قصد از فعل و انجام آن چندان مورد توجه آنان نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴). فایده‌گرایی^۵ یکی از مهم‌ترین انواع نتیجه‌گرایی است. بر این مبنا، عملی اخلاقاً درست است که بیشترین نفع ممکن را برای بیشترین افراد ممکن فراهم سازد. بنا به این رویکرد، در حوزه اخلاق سازمانی، مدیران باید تلاش کنند بیشترین میزان نفع را برای بیشترین افراد ممکن با کمترین هزینه تأمین کنند. رویکرد فایده‌گرا بر فضای تصمیم‌سازی کسب و کار مدرن سلطه دارد؛ زیرا با اهدافی همچون کارآمدی، بهره‌وری و نفع مناسبت بیشتری دارد (سیمز، ۱۹۹۴؛ به نقل از عابدی رنانی، ۱۳۹۵).

دیدگاه وظیفه‌گرایی: این دیدگاه که با نظریات کانت شناخته می‌شود، معتقد است ارزش یک عمل به نتیجه و آثار آن بستگی نداشته و وابسته به میزان انطباقش با اصول و قوانین اخلاقی است (صادقی، ۱۳۸۸). از دیدگاه کانت، فعل اختیاری با دو شرط ارزش اخلاقی دارد؛ اول آن که مطابق وظیفه اخلاقی باشد و دوم آنکه به نیت عمل به وظیفه اخلاقی انجام شود (علمی‌راد، ۱۴۰۱). از مزیت‌های این رویکرد آن است که از قربانی شدن افراد و اقلیت‌ها در برابر مصالح اکثریت جلوگیری می‌کند (سیمز، ۱۹۹۴؛ به نقل از عابدی رنانی، ۱۳۹۵).

وظیفه‌گرایی کانت برخلاف نتیجه‌گرایان نیت فاعل را در ارزشمندی رفتار اخلاقی دخیل می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴)؛ اما مسئله این است که هیچ توجهی به انگیزه درونی فاعل نداشته و صرفاً نیت عمل به قانون اخلاقی را مهم می‌شمارد (کاپلستون، ۱۳۸۷؛ به نقل از سپهری، ۱۴۰۲). نیتی که کانت ملاک ارزش قرار می‌دهد علتش اطاعت حکم عقل و احترام به قانون است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶؛ ۱۱۲)؛

در قرن اخیر دو دیدگاه نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی از سوی متفکرین با انتقادات جدّی از جمله خودمختاری، عقل‌گرایی و جزء‌گرایی افراطی (مک اینتایر^۶، ۲۰۰۷)، غافل بودن از ساحت معنوی اخلاق (صادقی، ۱۳۸۸)، ماشین‌پنداشتن انسان (آنسکوم^۷، ۱۹۵۸)، بی‌انگیزگی (صادقی، ۱۳۸۸)، عدم

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

تشخیص اعمال واقعاً اخلاقی از اعمال تصادفی (اسلات، ۲۰۲۳)، تنگ و محدود شدن دایره رفتارهای اخلاقی (اسلامی، ۱۳۸۷)، خودخواهی اخلاقی (فرناندو^۸، ۲۰۰۹؛ به نقل از عبدی رنانی، ۱۳۹۵) و عدم فرصت برای حساسگری عقلانی در بسیاری صحنه‌ها (زیگون^۹، ۲۰۰۸؛ به نقل از عبدی رنانی، ۱۳۹۵) مواجه گشته‌اند.

بسیاری صاحب‌نظران به‌خاطر چنین اشکالاتی بر آن شدند تا با احیای نظریات اخلاقی ارسطو در پی زنده کردن فضایل شخصیتی باشند. به قول اسلات^{۱۰} (۲۰۲۳) هر نظریه اخلاقی که باعث شود هر انسانی در شرایط مختلف به راحتی تشخیص دهد که کار درست چیست، تا حدی ناقص یا حتی بی‌فایده به نظر می‌رسد، زیرا با احساس هوشیارتر ما از پیچیدگی طاقت‌فرسا پدیده‌های اخلاقی همخوانی ندارد. به عقیده این صاحب‌نظران در شرایط پیچیده است که فضایل شخصیتی به عنوان راهنمای انسان عمل می‌کنند.

دیدگاه اخلاق فضیلت: اخلاق فضیلت که ریشه در مسیحیت کهن دارد، تنها از قرن هجدهم به بعد به حاشیه رانده شد تا جا برای نظریه‌های وظیفه‌گرا و فایده‌گرا باز شود. طی این مدت مدار توجه نه بر فضیلت بلکه بر تکلیف، حق یا منفعت چرخیده است؛ اما با پیدایش روزافزون برخی معضلات مجدداً توجه برخی دانشمندان به‌سوی این دیدگاه چرخانده شده است (اسلامی، ۱۳۸۷). در این دیدگاه نیت جایگاهی بنیادین دارد و برخلاف دو رویکرد رقیبش بر ویژگی‌های درونی فاعل اعم از نیت یا انگیزه تأکید دارد (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۷). اخلاق فضیلت به کنشگر اخلاقی بیش از کنش اخلاقی توجه می‌کند. عملی اخلاقی است که از یک انسان فضیلت‌مند سر زده باشد (علمی راد، ۱۴۰۱). طبق این دیدگاه افعال تا آن حد درست هستند که نیت یا انگیزه عشق عمومی را نشان دهند؛ فارغ از این که تا چه حد به طور واقعی اهداف مترتب بر این عشق را به دست بیاورند. در مقابل یک فعل اشتباه خواهد بود، اگر نیتش بی‌تفاوتی یا بدخواهی نسبت به بشریت باشد، حتی اگر تصادفاً پیامدهای مطلوب را ایجاد کند (اسلوت، ۲۰۱۰، ص ۶۰؛ به نقل از خزاعی و همکاران، ۱۳۹۷). باوجود نقاط قوتی که دیدگاه اخلاق فضیلت نسبت به دو دیدگاه قبلی داشته و عنایت ویژه‌ای که نسبت به انگیزه درونی فاعل دارد، با این وجود، باز هم نقدهای جدی از قبیل مشکل معرفت‌شناختی (صادقی، ۱۳۸۸، رشد فضائل صرفاً از طریق عادت‌پذیری (عابدی رنانی، ۱۳۹۵ و سردرگمی در تشخیص و نبود راهنما (صادقی، ۱۳۸۸) از سوی صاحب‌نظران به آن وارد است. این نقدها مخاطب را متوجه ضرورت پرداختن به دیدگاه توحیدی (اسلامی) در باب فلسفه اخلاق و جایگاه نیت در ارتباط با عملکرد افراد می‌نماید.

دیدگاه اخلاق اسلامی (اخلاق توحیدی): در نظام اخلاق اسلامی، قصد و انگیزه فاعل از انجام فعل جایگاه ویژه‌ای دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)؛ اما عملی کاملاً اخلاقی است که هم دارای حسن فعلی و هم حسن فاعلی باشد. منظور از حسن و مطلوبیت فعل، شعاع اثرگذاری مفید عمل در خارج و اجتماع بشری است و منظور از حسن فاعلی، کیفیت صدور فعل از فاعل و شعاع انتساب عمل به فاعل و انگیزه‌های نفسانی و روحی است که موجب عمل شده است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۰۱). از یک طرف نمی‌شود کار ناپسند را قربه الی الله انجام داد. بنابراین باید کار، شایستگی نزدیک ساختن انسان به خدا را داشته باشد، یعنی حسن فعلی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۴۵؛ به نقل از علمی راد، ۱۴۰۱)؛ و از طرف دیگر اگر عملی دارای حسن فعلی باشد، اما از حسن فاعلی برخوردار نباشد، انسان را به کمال نمی‌رساند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۵۲؛ به نقل از سپهری، ۱۴۰۲). اخلاق اسلامی جهت نیت ارزشمند را نیز مشخص نموده است. تعبیراتی مانند اراده آخرت، اراده وجه الله، ابتغاء وجه الله و ابتغاء مرضات الله در قرآن کریم، جهت نیت یا همان قصد و انگیزه فاعل را مشخص می‌کند (علمی راد، ۱۴۰۱). درواقع در قرآن کریم گاهی به جای نیت به عنوان یک فرایند قلبی، مصداق خاص و خالص آن (وجه الله، مرضاء الله، رضوان الله) به کار رفته است (رهنما، ۱۳۹۱). بعد از بررسی چهار دیدگاه اساسی در حوزه فلسفه اخلاق پیرامون جایگاه نیت در عملکرد افراد، می‌توان نتایج را در قالب شکل ۱ خلاصه نمود:

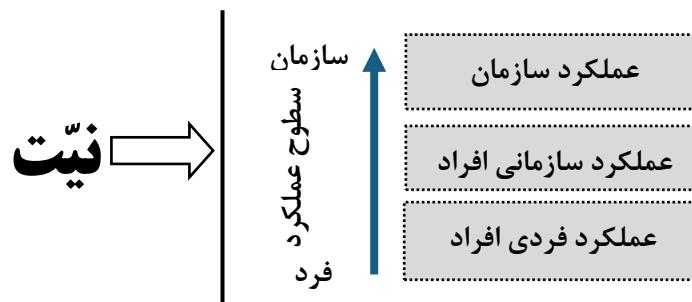


شکل ۱- ترتیب دیدگاه‌های مختلف فلسفه اخلاق بر اساس رشد جایگاه نیت در ارزشمندی عملکرد (یافته پژوهش)

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

۲. نحوه تأثیر نیت بر سطوح مختلف عملکرد

بعد از بررسی مبانی فلسفی جایگاه نیت، نوبت آن است که نحوه تأثیر نیت در عملکرد و چگونگی بروز و ظهور آن مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور پس از مطالعه ادبیات علمی، به نظر می‌رسد در سه سطح می‌توان درباره جایگاه نیت در عملکرد صحبت کرد. (مطابق شکل ۲).



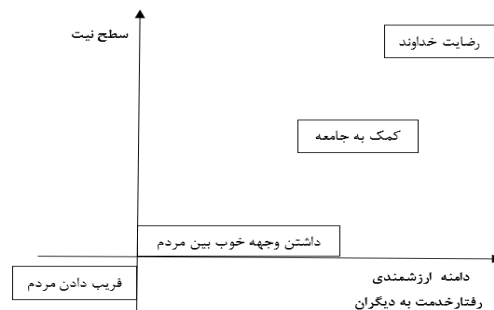
شکل ۲- تأثیر نیت بر سطوح مختلف عملکرد (یافته پژوهشگر)

۲-۱- تأثیر نیت بر عملکرد فردی افراد

نیت افراد می‌تواند در ابعاد گوناگونی بر عملکرد فردیشان تأثیرگذار باشد. در ادامه مبتنی بر مبانی علمی موجود، برخی از مهم‌ترین آن‌ها تبیین خواهد شد.

۲-۱-۱- نیت، تعیین‌کننده جهت و برد رفتار: هرچه نیت قوی‌تر باشد برد رفتار بیشتر و امکان دستیابی به اهداف دوردست‌تر در جهتی خاص افزون‌تر خواهد بود. (مصباح، ۱۳۹۱).

اهداف میانی در میان تمامی مردم مشترک است؛ چیزی که به عمل فرد ارزش می‌دهد، اهداف متوسط و میانی نیست؛ بلکه هدف نهایی است (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۷). به طور مثال از منظر فضیلت‌گرایان هدف عالی و نهایی فعل اخلاقی خیرخواهی عمومی است، اما از منظر دیدگاه اسلامی، حدّ نهایی نیت اخلاقی، اخلاص و رسیدن به قرب الهی است؛ بر این اساس می‌توان گفت برد فعل از منظر فضیلت‌گرایان ذیل و زیرمجموعه فعل از منظر دیدگاه اسلامی قرار می‌گیرد. شکل ۳ نمایشی از تأثیرگذاری نیت در برد عملکرد افراد را نشان می‌دهد. یک عملکرد واحد همچون خدمت به دیگران می‌تواند دامنه ارزشمندی رفتاری گسترده‌ای داشته باشد. به طور مثال بی‌تردید ارزش رفتار کسی که با نیت سوء استفاده تبلیغاتی و جلب مشتریان بیشتر برای شرکت خود به محرومین کمک می‌کند، نسبت به کسی که صرفاً به‌خاطر خدا یا التیام درد محرومین به آن‌ها خدمت می‌کند، یکسان نخواهد بود.



شکل ۳- تأثیر سطوح مختلف نیت در ارزشمندی رفتار خدمت به دیگران (یافته پژوهش)

۲-۱-۲- نیت، به منزله روح عمل: بزرگان فلسفه اخلاق اسلامی از قبیل ملاصدرا^(ه)، امام خمینی^(ه)، علامه طباطبایی^(ه)، علامه مصباح^(ه)، آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری^(ه) همگی بر این نکته اذعان دارند که نیت به مثابه روح عمل است. به این معناست که نیت صرفاً یک عاملی بیرون از فعل نیست که بتواند موجب ارزشمندی یا انحطاط عمل شود، بلکه خودش دقیقاً روح زنده رفتارها و اعمال است (ساری و مسعودی، ۱۳۹۷)؛ و شهید مطهری (ره) اذعان دارد که نیت در خود فعل تأثیر می‌کند (نه صرفاً درنتایج آن) و باعث حسن و قبح و ثواب و عقاب آن می‌گردد. (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۵۴).

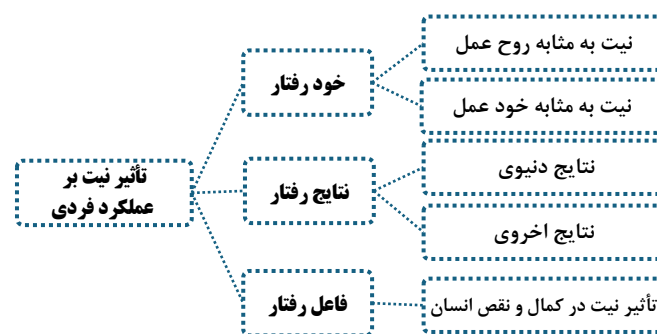
۲-۱-۳- نیت، به منزله فعل و عمل: گرچه ممکن است رفتار را تنها به فعل بیرونی و جوارحی اطلاق کنیم، می‌توانیم فعل را به معنایی عام‌تر در نظر بگیریم که شامل افعال درونی و جوانحی نیز بشود، و در این صورت، نیت نه امری در برابر فعل، بلکه نوعی فعل اختیاری است و در واقع، تنها فعلی که مستقیماً و تماماً در اختیار فاعل است، نیت است (مصباح، ۱۳۹۱).

۲-۱-۴- نیت، تأثیرگذار در کمال و نقص انسان: مصباح یزدی (۱۳۹۱) پس از بررسی دیدگاه‌های بزرگان فلسفه اخلاق اسلامی به این نتیجه رسیده است که نیت فراتر از خود رفتار و نتایج آن به صورت مستقیم و تکوینی موجب تغییر وجودی (رشد یا انحطاط) فاعل آن می‌باشد. بدین ترتیب، نیت عمل، در کمال و نقص وجود فاعل اخلاقی تأثیری مستقیم و تکوینی دارد.

۲-۱-۵- نیت، تأثیرگذار در نتایج عمل: بخش مهمی از آیات و روایات معصومین (ع) به بیان تأثیر نیت در نتایج و اعمال رفتار انسان می‌پردازد؛ برخی از این نتایج دنیوی بوده و برخی مربوط به سرای آخرت هستند. به طور مثال آثار دنیوی همچون توسعه و فراوانی رزق، سلامت قلب، یاری و کمک خداوند و بدن قوی و نیرومند از دل روایات به دست می‌آید (علمی راد، ۱۴۰۱). احمدی و

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

همکاران (۱۳۹۸) نیز با بررسی روایات نتایج اخروی را در پنج دسته تقسیم نموده‌اند. توجه به این آثار می‌تواند بسیاری برنامه‌ریزی‌های فردی و سازمانی را متحول کند. به طور مثال فرد یا سازمانی که به دنبال وسعت سود مادی خود است، صرفاً بر قالب و فرایندهای ظاهری کارها متمرکز نشده و سعی می‌نماید هم‌زمان با اصلاح نیت خود و خالص‌سازی آن به دنبال وسعت روزی خود باشد. بر ایت اساس ابعاد تأثیرگذاری نیت بر عملکرد فردی را می‌توان در قالب شکل شماره ۴ خلاصه نمود.



شکل ۴- ابعاد تأثیرگذاری نیت بر عملکرد فردی (یافته پژوهش)

۲-۲- تأثیر نیت بر عملکرد سازمانی افراد: درست است که سازمان‌ها برنامه‌ریزی‌ها و مأموریت‌های مختص خود را داشته و انتظارات واضحی از کارکنان خود دارند، با این‌وجود کارمندان می‌توانند در قبال وظایف مشخص خود در سازمان نیت‌های متفاوتی اعمال کرده و آثار متفاوتی نیز تولید نمایند. به قول مسعودی‌پور و مصلح (۱۳۹۶) کارمندان یک سازمان می‌توانند با نیت الهی، عملکرد سازمانی خود را نه تنها به‌عنوان ابزاری برای تأمین معاش، بلکه به‌عنوان عبادت و بندگی خداوند قرار دهند. با وارد شدن نیت درست در محاسبات مدیریت عملکرد کارکنان سازمان، گرایش‌های نفع‌طلبانه آنان کنترل و مسئولیت اخلاقی‌شان رشد پیدا خواهد کرد چرا که به قول عابدی‌رنانی (۱۳۹۵) با تأکید بر نیت توحیدی، کارکنان نه تنها اخلاق را قید و بندی بر فعالیت خود نمی‌پندارد؛ بلکه آن را موجب شکوفایی و رونق خود در بلندمدت خواهند دانست. علاوه بر این در مواقعی که سازمان انتظارات خلاف اخلاق و قوانین الهی را از کارکنان خود دارد، نیت درست الهی موجب تقویت شجاعت کارکنان شده، سکوت سازمانی را شکسته و موجب مقاومت آنان در برابر انجام فعل اشتباه خواهد شد.

فراتر از همه این موارد از آنجاکه نیت، روح عمل است و طبق مبانی فلسفی توحیدی که قبلاً تبیین

شد، حسن فاعلی (نیت)، روح عملکرد و حسن فعلی صرفاً جسد بی‌جان عملکرد است، گسترش نیت الهی موجب تقویت روح اصلی عملکرد و ایجاد جنبه واقعی ملکوتی اعمال سازمانی خواهد شد. در همین راستا رانجی گولاتی^{۱۱} (۲۰۱۹) نیز نیت سازمانی را یکی از ابعاد مهم روح سازمانی عنوان می‌کند و معتقد است اگر همه کارکنان نیت مشترکی داشته باشند که آن نیت را دلیل وجودی^{۱۲} خود دانسته، به واسطه آن نیت، خود را بخشی از چیزی بزرگ‌تر بدانند، به‌وسیله آن نیت بتوانند تاریخ‌سازی کنند و یا در روش زندگی مردم اصلاح یا تغییری ایجاد نمایند، باعث خواهد شد روح یک کسب‌وکار یا سازمان ایجاد شود.

۳-۲- تأثیر نیت بر عملکرد سازمان: ممکن است تک‌تک کارکنان سازمان به وظایف اخلاقی خود عمل کنند، ولی این عملکرد اخلاقی انفرادی همیشه به معنای عملکرد اخلاقی سازمان به‌عنوان یک کل نیست، بلکه آنچه تضمین می‌کند عملکرد اخلاقی افراد به عملکرد اخلاقی سازمان منجر شود هماهنگی بین افراد در جهت مأموریت اخلاقی سازمان است. در همین زمینه لیست و پتیت^{۱۳} (۲۰۱۱) عاملیت گروهی را در کنار عاملیت فردی مطرح می‌نمایند. در ادبیات علمی سازمان و مدیریت، شاید بتوان رده پای نیت و جایگاهش در عملکرد سازمان را در کلیدواژه نیت استراتژیک^{۱۴} جست‌وجو نمود. البته به اذعان مانتر و سیلینس^{۱۵} (۲۰۰۷) گفتمان دانشگاهی باکیفیت در این زمینه که توسط محققان فرایند استراتژی انجام شده باشد محدود است. درواقع زمان زیادی نیست که برخی علاقه‌مندی‌ها به این ساختار از شاخه عملی و جدیدتر استراتژی در حوزه مدیریت استراتژیک که در دهه ۲۰۰۰ تأسیس شده، به وجود آمده است. با مطالعه ادبیات این مفهوم، شاید بتوان ادعا کرد علم مدیریت بر پایه تجاربی که کسب کرده، ناخودآگاه به‌سوی نوعی نیت‌گرایی در سازمان سوق داده شده است.

شاید برداشت اولیه از نیت استراتژیک آن باشد که مقوله‌ای شبیه برنامه‌ریزی استراتژیک، چشم‌انداز یا مأموریت سازمان است و چندان ارتباطی با مفهوم نیت به آن صورت که در مبانی فلسفی اخلاق، مخصوصاً فلسفه اسلامی بحث می‌شود، ندارد. اما از دو طریق می‌توان این ادعا را رد کرد. اول، اذعان صاحب‌نظران مبنی بر تفاوت نیت استراتژیک با مفاهیم مشابهی همچون برنامه‌ریزی استراتژیک؛ و دوم، مفاهیمی که در بطن تعاریف نیت استراتژیک وجود دارد و نشان می‌دهد تقارب زیادی با مفهوم نیت مذکور دارد.

هامل و پراهلاد^{۱۶} (۲۰۰۵) معتقدند نیت استراتژیک فراتر از علاقه صرف توسعه یک برنامه استراتژیک، کار بر روی مأموریت، چشم‌انداز و یا هدف سازمانی است. تجسم و رؤیاپردازی یک موقعیت مطلوب رهبری و تعیین معیاری است که سازمان برای ترسیم پیشرفت خود از آن استفاده می‌کند. از

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

نظر آن‌ها نیت استراتژیک با برنامه‌ریزی استراتژیک از این جهت متفاوت است که برنامه استراتژیک بر ابزارها تا رسیدن به هدف تمرکز می‌کند در حالی که نیت استراتژیک با تعیین هدف، فضایی را برای فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک برای تمرکز بر ابزار باقی می‌گذارد. مانتر و سیلینس^{۱۷} (۲۰۰۷) درباره تفاوت نیت استراتژیک توضیح می‌دهند اهداف به این سؤال پاسخ می‌دهند که "چه چیزی باید به دست آید" و "چه زمانی"، چشم‌انداز با مجموعه‌ای از اهداف موردنظر تعریف می‌شود، اما نیت استراتژیک توسط مواردی همچون منابع موردنیاز، قابلیت تحقق اهداف موردنظر و موارد مشابه، محدود نمی‌شود و همین مسئله نیت استراتژیک را با اهداف و چشم‌انداز متفاوت می‌کند. به قول اودیتا و بلو^{۱۸} (۲۰۲۳) نیت استراتژیک به نیت گسترده، فراگیر و آینده‌نگر اشاره دارد. درواقع آرزوها را برای آینده تشریح می‌کند، بدون اینکه ابزاری را که برای دستیابی به آن اهداف موردنظر استفاده می‌شود، مشخص کند. در طول زمان پایدار است و اهدافی را تعیین می‌کند که سزاوار تلاش و تعهد شخصی هستند. از نظر آن‌ها نیت استراتژیک قلب تمام استراتژی است.

همان‌گونه که قبلاً مطرح شد علاوه بر اذعان خود صاحب‌نظران مبنی بر تفاوت نیت استراتژیک با مفاهیمی همچون، اهداف، چشم‌انداز و برنامه‌ریزی استراتژیک، مفاهیمی در بطن تعاریف نیت استراتژیک وجود دارد که نشان از تمایز نیت استراتژیک با مفاهیم مشابه مذکور و تقارب آن با مفهوم نیت فلسفه اخلاق دارد. برخی از این مفاهیم در جدول ۳ قابل ملاحظه‌اند. شاید خود نویسندگان و صاحب‌نظران به عمق تأثیرگذاری این مفاهیم در ادبیات نیت استراتژیک اشاره پررنگی نکرده باشند، اما بی تردید چیدمان آن‌ها در کنار یکدیگر هر مخاطبی را نسبت به تقارب جنس نیت استراتژیک به نیت موردنظر فلسفه اخلاق مجاب خواهد کرد.

جدول ۲- برخی ویژگی‌های نیت استراتژیک (یافته‌های پژوهش)

مفاهیم	شواهد
نمادین بودن	نیت استراتژیک به کارکنان در تمام سطوح سازمان راهنمایی نمادین ^{۱۹} می‌کند تا در طول زمان در شرایط عدم قطعیت با همکار کنند (جارجابکوفسکی و کاپلان ^{۲۰} ، ۲۰۱۵)
داشتن ایدئولوژی مشترک	نویسندگان حوزه استراتژی بر داشتن ایدئولوژی، نیت‌ها و باورهای مشترک بین اعضای سازمان تأکید دارند (اوشاناسی ^{۲۱} ، ۲۰۱۶).
مرتبط با مدیریت شهودی ^{۲۲} شرقی و متفاوت با مدیریت منطقی غربی	هامل و پراهلاد (۱۹۸۹) نیت استراتژیک را با شیوه‌های مدیریت شرقی و جنبه‌های "نرم"، مولد و شهودی توسعه استراتژی مرتبط می‌دانند؛ برخلاف رویکردهای سنتی و مبتنی بر برنامه‌ریزی منطقی و موقعیت‌یابی غربی (اوشاناسی، ۲۰۱۶)
مرتبط با دلیل وجودی افراد	نیت استراتژیک هدف وجودی و دلیل بودن کارکنان محسوب می‌شود (گولاتی، ۲۰۱۹).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

مفاهیم	شواهد
جاه‌طلبی ^{۲۳} نامتناسب با منابع و ظرفیت‌ها	شرکت‌هایی که به سطح جهانی ارتقا یافته‌اند، رهبری‌شان همیشه با جاه‌طلبی‌هایی شروع شده که بسیار نامتناسب با منابع و قابلیت‌هایشان بوده است (هامل و پراهلاد، ۱۹۸۹).
یک رؤیا و هیجان	نیت استراتژیک یک رؤیا، یک هیجان و عصاره استراتژی است (هامل و پراهلاد، ۱۹۹۴).
علاقه‌مندی غیرعقلانی و وسواس‌گونه ^{۲۴}	شرکت‌های موفق فکری وسواس‌گونه و غیرعقلانی را برای پیروزی در تمام سطوح سازمان ایجاد کرده‌اند (هامل و پراهلاد، ۱۹۸۹).
غیرقابل برنامه‌ریزی	نیت استراتژیک مقصودی است که نمی‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد (پراهلاد و دوز ^{۲۵} ، ۱۹۸۷؛ به نقل از امورو و توو ^{۲۶} ، ۲۰۱۵).

مجموع ویژگی‌های مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که گویا در حوزه نیت استراتژیک، انسان و سازمان محصور در دو دوتا چهارتای عقل مادی نمانده و ناخودآگاه به سوی مفاهیم فرامادی آرمان‌گرایی، ایدئولوژی مشترک، داشتن دلیل وجودی، علاقه غیرعقلانی و مدیریت نرم و شهودی شرقی رفته است. گویی ادبیات سازمان و مدیریت نیز در تلاش است روح یک سازمان را به نیت‌ها گره بزند، برخلاف آن چه که سال‌ها بر مبنای مکاتب نتیجه‌گرایی و فایده‌گرایی صرفاً بر پیامدها و سود مادی تأکید می‌شده است. جالب است که در ادبیات نیت استراتژیک واژه "obsession" زیاد به کار رفته است. مفهومی که فرهنگ انگلیسی آکسفورد آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «حالتی که در آن ذهن شخص کاملاً بر از افکار یک چیز یا شخص خاص است به نحوی که معقول یا عادی نیست». شاید همین یک واژه برای اثبات مدعای قبلی کافی باشد. حتی واقع‌گرایان افراطی نیز نمی‌توانند این واقعیت را انکار کنند که برای پیشبرد برنامه‌های خود از ارزشی‌ترین مفاهیم نظیر منافع ملی، امنیت ملی و... استفاده می‌کنند، زیرا بحث از چگونگی که در بطن استراتژی نهفته است، منطقاً نمی‌تواند از باید و نباید جدا باشد (خلیلی، ۱۳۸۵). این تا جایی است که امروزه حتی نقش ایدئولوژی را در استراتژی برندسازی شرکت‌ها نیز بررسی می‌نمایند (ماسا و تستا^{۲۷}، ۲۰۱۲).

پیشینه پژوهش

به‌طور کلی پژوهش‌های مرتبط با موضوع حاضر را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود. دسته اول، پژوهش‌هایی که در حوزه عملکرد جهادی انجام شده‌اند. غالب پژوهش‌های حوزه جهادی، تحت عنوان مدیریت جهادی انجام شده و کمتر پژوهشی یافت می‌شود که به‌صورت خاص بعدعملکردی را موردنظر قرار داده باشند. باین‌وجود در جدول شماره ۳ به پژوهش‌هایی از قبیل احمدی و روستا (۱۴۰۰) و جلیلی (۱۳۹۴) اشاره شده است. دسته دوم، پژوهش‌هایی که پیرامون نیت سازمانی و یا الگوهای عملکرد سازمانی بر مبنای اسلامی (که نیت نیز در آن‌ها لحاظ شده) انجام شده‌اند (مندرج در جدول شماره ۳).

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

جدول ۳- برخی پژوهش‌های حوزه عملکرد جهادی و نیت سازمانی

نویسنده	عنوان	روش	یافته‌ها
رجبی و توکلی (۱۴۰۲)	الگوی ارزیابی عملکرد از منظر قرآن کریم	جستجوی کتابخانه‌ای و روش تفسیری شهید صدر	این پژوهش الگوی ارزیابی عملکرد قرآنی را عناصر فطرت، منافع معنوی و مادی انسان‌ها در سازمان‌های رحمانی ترسیم نموده است. درست است که به طور مستقیم به مفهوم نیت و تأثیر آن در رفتار عملکرد و ارزیابی آن اشاره نشده؛ اما چون غایت و نقطه اوج الگوی پژوهش تقرب الی الله است، به طور تلویحی می‌توان اهمیت نیت را از آن برداشت نمود.
احمدی و روستا (۱۴۰۰)	تبیین عملکرد جهادی مدیران با تأکید بر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و بیانات عالمانه آیت العظمی امام خامنه‌ای	توصیفی - همبستگی	مدل مفهومی عملکرد جهادی مدیران دارای پنج بعد مسئولیت و پاسخ‌گویی مدیران، شایسته‌سالاری، التزام به تعهدات، روابط خوب و قوی و نظارت مبتنی بر نیاز است.
احمدی و همکاران (۱۳۹۸)	تبیین نظری رابطه نیت با عملکرد سازمانی از منظر اسلام	تحلیل اسنادی و حدیث پژوهی	تأثیرگذاری نیت بر عملکرد سازمانی محصول تأثیرگذاری نیت در دو محور نفس عمل و نتیجه عمل است؛ عملکرد مطلوب سازمانی عملکردی است که علاوه بر حسن فعلی، دارای حسن فاعلی و نیت صحیح نیز باشد.
جوادی و گنجعلی (۱۳۹۷)	نقش و کارکردهای نیت در مدیریت اسلامی	فهم حدیث	یافته‌های پژوهش نقش نیت را دو قسم اهمیت و ریشه‌ها و کاربرد آن را در سه قسم الزامات، آثار تکوینی (مثل قوت جسم، اثر در رزق و...) و ارزیابی عملکرد (دو حوزه ارزیابی عندالخلق و ارزیابی عندالله) توضیح داده است.
صادقی پور و مصلح (۱۳۹۶)	بازشناسی مفهوم عملکرد در اندیشه قرآنی: با تأکید بر رویکرد سازمانی	روش پژوهش موضوعی در قرآن کریم	در این پژوهش مدل مفهومی عملکرد صالحانه دارای دو بعد حسن فعلی و حسن فاعلی طراحی شده که با تأکید بر حسن فاعلی (نیت) معتقد است تبعات قابل توجهی را در حوزه مدیریت عملکرد خواهد داشت.
سید نقوی و فرهادی (۱۳۹۵)	ارزیابی عملکرد سازمانی از منظر نهج‌البلاغه	تحلیل محتوای کیفی و نگاشت شناختی	در این پژوهش ویژگی‌های ارزیابی عملکرد در اندیشه امام علی (ع) در قالب دو بعد ویژگی‌های اجرایی و اهداف و رویکردها به‌دست آمده است. علی‌رغم آن که به طور مستقیم اشاره‌ای به اهمیت و نقش نیت در ارزیابی عملکرد نشده است، اما چون یکی از مؤلفه‌های بعد اهداف و رویکردها، نتیجه‌گرایی عنوان شده است، دیگر نمی‌توان از نقش نیت در ارزیابی عملکرد چشم‌پوشی نمود.
جلیلی (۱۳۹۴)	مؤلفه‌های مدیریت جهادی در ابعاد عملکرد سازمانی	توصیفی و تحلیلی	مؤلفه‌های مدیریت جهادی در ابعاد عملکرد سازمانی در نه بعد ترسیم شده اند.
اودیتا و بلو ^{۲۸} (۲۰۲۳)	هدف استراتژیک و عملکرد سازمانی (مطالعه بانک‌ها در آسایا، ایالت دلتا نیجریه)	پیمایشی مقطعی	نیت استراتژی و ابعاد آن (مأموریت، چشم‌انداز و اهداف) رابطه مثبت و معناداری با عملکرد سازمانی داشته و بعد اهداف توانسته است بیشترین قابلیت پیش‌بینی (۵۸٪) را نسبت به عملکرد سازمانی داشته باشد.
اوشاناسی ^{۲۹} (۲۰۱۶)	نیت استراتژیک: ادبیات، سازه و نقش آن در پیش‌بینی عملکرد سازمان	توصیفی - تحلیلی	پژوهشگر پس از تعریف مفهوم نیت استراتژیک به توضیح سه بعد آن شامل چشم‌انداز مشترک، تمرکز منابع و آینده‌نگری پرداخته و در نهایت معتقد است روابط تعدیل‌شده‌ای بین نیت استراتژیک، عدم اطمینان محیطی و تصدی مدیرعامل وجود دارد.

مجموع پژوهش‌ها گواه بر آن است که تاکنون در ادبیات مدیریت و کار جهادی، نسبت به پررنگ سازی بعد نیت کم‌لطفی شده، بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با پررنگ کردن گفتمان نیت‌گرایی به طراحی الگوی عملکرد جهادی بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع چندروشی کیفی بوده و با دو روش تحلیل اسنادی و تحلیل محتوا انجام شده است. در بخش اول پژوهش، به‌منظور بررسی ادبیات نیت‌سازمانی چهار سؤال مدنظر پژوهشگر بوده است: - مکاتب فلسفی مطرح (فلسفه اخلاق) چه دیدگاهی درباره نیت، اصالت نیت و جایگاه نیت در رابطه با فعل دارند؟ - ابعاد تأثیر نیت بر عملکرد فردی افراد چیست؟ - تأثیر نیت بر عملکرد سازمانی افراد چگونه است؟ - تأثیر نیت بر عملکرد سازمان چگونه است؟ پژوهشگران برای پاسخ به این سؤالات، به کمک روش تحلیل اسنادی، پس از مطالعه مقالات و اسناد مرتبط، خود به تحلیل ادبیات موجود پرداخته و دسته‌بندی‌ها و الگوهایی را ترسیم نموده است. در بخش دوم به‌منظور طراحی الگوی عملکرد جهادی از منظر مقام معظم رهبری، به کمک روش تحلیل محتوا، مجموع سخنرانی‌ها، مستندات و مکتوبات متعلق به مقام معظم رهبری، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۳، حاوی کلیدواژه‌های جهاد، کار جهادی و عمل جهادی، گردآوری و مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای^{۳۰} و جستجوی در گوگل استفاده شد. به‌منظور تکمیل داده‌های کیفی، ادبیات موضوع بررسی و مقالات و آثار مرتبط با موضوع جمع‌آوری و مطالعه گردید. در مرحله بعد با استخراج واحدهای معنایی و تشکیل مفاهیم و مؤلفه‌ها با تحلیل محتوای بیانات، مقوله‌های کلی به دست آمدند. درنهایت اعتبار یافته‌های کیفی پژوهش با مصاحبه با دو صاحب‌نظر این حوزه به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

پس از طی فرایند کدگذاری کیفی (استخراج واحدهای معنایی از دل بیانات مقام معظم رهبری، استخراج مفاهیم، سپس دسته‌بندی مفاهیم و به‌دست‌آمدن مؤلفه‌ها و مقوله‌ها) درنهایت دو مقوله اصلی حسن فاعلی (نیت کار جهادی) و حسن فعلی (قالب کار جهادی)، ۱۰ مؤلفه و ۲۹ مفهوم به‌دست‌آمده است. ابعاد عملکرد جهادی از منظر مقام معظم رهبری در جدول ۴ قابل ملاحظه است.

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

جدول ۴- ابعاد عملکرد جهادی از منظر مقام معظم رهبری (یافته‌های پژوهش)

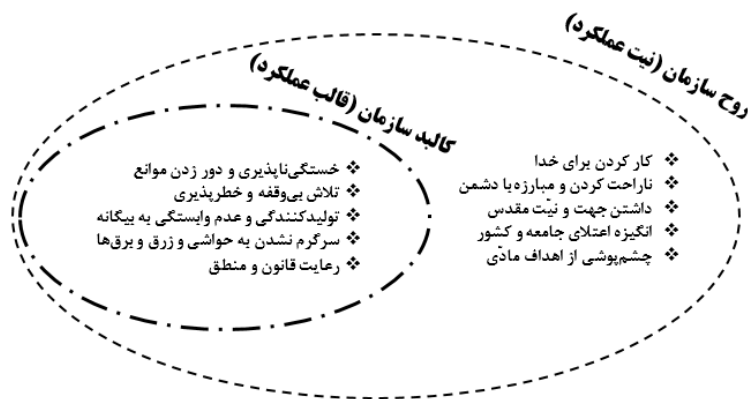
مقوله	مؤلفه‌ها	مفاهیم	واحد معنایی	منبع
حسن فاعلی (نیت کار جهادی)	ناراحت کردن و مبارزه با دشمن	مبارزه با دشمن	جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد.	بیانات ۱۳۹۳/۴/۱۱
			هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از آنجاکه در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود.	بیانات ۱۳۷۵/۳/۲
			جهاد یعنی مبارزه. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد.	بیانات ۱۳۸۳/۸/۲
			جهاد یعنی مبارزه؛ در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است.	بیانات ۱۳۸۶/۴/۲۵
	عدم تبعیت از دشمن	حساسیت نسبت به دشمن	دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد.	بیانات ۱۳۹۵/۳/۱۴
		عدم تبعیت از دشمن	طبعاً وقتی حساسیت نسبت به دشمن بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است.	بیانات ۱۳۹۵/۳/۱۴
	مواجهه با مانع	مواجهه با مانع	ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواجه با موانعی باشد.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		ناراحت کردن دشمن	نگاه کنید ببینید برای کشور و انقلاب شما کدام دشمن عنود در کمین نشسته و شما باید با آن مبارزه کنید؟ کارتان در آن صراط که شد، می‌شود جهاد. بنابراین، اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمی‌کند، خرسند هم می‌کند، این جهاد نیست.	بیانات ۱۳۸۶/۴/۲۵
	جهت و نیت مقدس داشتن	جهت‌دار بودن	ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار باشد.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		داشتن هدف والا و مقدس	جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
به‌خاطر خدا کارکردن	هدف انسانی و خدایی داشتن	داشتن هدف الهی	وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه‌ی تقدس هم پیدا می‌کند.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		هدف انسانی و خدایی داشتن	کار جهادی یعنی خستگی‌ناپذیری، بی‌مزد و بی‌منت کارکردن، هدف را انجام وظیفه‌ی انسانی و خدایی قرار دادن، و پیش رفتن.	بیانات ۱۴۰۳/۵/۷
		معنوی و ارزشی بودن	جهاد که یک امر ارزشی معنوی است.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		داشتن هدف و ایمان به خدا	قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد؛ لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه».	بیانات ۱۳۸۹/۴/۲
	انگیزه اعتلای جامعه و کشور	آرمان‌گرایی و دنبال قلّه بودن	آرمان‌گرایی در علم، یعنی در زمینه‌ی مسائل علمی باید دنبال قلّه بود؛ امروز درس خواندن، علم‌آموزی، پژوهش و جدیت در کار اصلی دانشجویی، یک جهاد است.	بیانات ۱۳۹۱/۵/۱۶
		داشتن مرجعیت علمی در جهان	جهاد مستمر علمی باهدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان.	سیاست‌های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۳/۶/۲۹
	چشم‌پوشی از	انگیزه خدمت به مصالح کشور	این مسئولیت‌ها اگر به‌طور جدی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هر چیزی جز انگیزه‌ی خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است.	بیانات ۱۳۹۳/۳/۴
		صرف‌نظر کردن از رفاه مادی	جهاد با نفس این است که از تفریحاتان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار	بیانات ۱۳۸۹/۴/۲

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

مقوله	مؤلفه‌ها	مفاهیم	واحد معنایی	منبع
	اهداف مادی	و خدمت به جامعه	پروپول و پردرآمد بزئید تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید و مثل دسته گل به جامعه‌تان تقدیم کنید.	
		صرف نظر کردن از مقام و شهرت و کار در راه خدا	فرق می‌کند اینکه کسی برای پول، برای مقام، برای شهرت یا فقط برای خود علم کار کند؛ یا نه به عنوان جهاد فی سبیل الله کار کند، در راه خدا تلاش کند.	بیانات ۱۳۹۱/۱/۱
		بی‌مزد و بی‌منت کار کردن	کار جهادی یعنی خستگی‌ناپذیری، بی‌مزد و بی‌منت کار کردن، هدف را انجام وظیفه انسانی و خدایی قرار دادن و پیش رفتن.	بیانات ۱۴۰۳/۵/۷
حسن فعلی (قالب کار جهادی)	تلاش بی‌وقفه و خطرپذیری	مجاهدت و تلاش	دربوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		جهد و کوشش	جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد.	بیانات ۱۳۸۶/۴/۲۵
		تلاش بی‌وقفه و همراه با خطرپذیری	جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده.	بیانات ۱۳۸۷/۷/۳
		مجاهدت و تلاش	قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد؛ لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله».	بیانات ۱۳۸۹/۴/۲
	خستگی‌ناپذیری و دورزدن موانع	تلاش شبانه‌روزی و جدی	حرکت جهادی یعنی جدی، شبانه‌روزی، پرتلاش و پُرانگیزه.	بیانات ۱۴۰۰/۴/۷
		خسته نشدن و دورزدن موانع	جهاد یعنی خسته نشدن، یعنی با فکر درست و منطقی درست راهی را انتخاب کردن و ایمان به آن راه پیدا کردن و آن را با همه سختی‌هایش، با همه موانعش دنبال کردن و پیش رفتن.	بیانات ۱۳۹۵/۱۰/۱۳
		خستگی‌ناپذیری	کار جهادی یعنی خستگی‌ناپذیری، بی‌مزد و بی‌منت کار کردن، هدف را انجام وظیفه انسانی و خدایی قرار دادن و پیش رفتن.	بیانات ۱۴۰۳/۵/۷
	تولیدکنندگی و عدم وابستگی به بیگانه	گدایی نکردن علم	دربوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است.	بیانات ۱۳۸۳/۴/۱
		تولیدکننده بودن	جاهد فی سبیل الله تولیدکننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم.	بیانات ۱۳۸۵/۱/۱
	رعایت قانون و منطق	انتخاب راه با فکر و منطق درست	جهاد یعنی خسته نشدن، یعنی با فکر درست و منطقی درست راهی را انتخاب کردن و ایمان به آن راه پیدا کردن و آن را با همه سختی‌هایش، با همه موانعش دنبال کردن و پیش رفتن.	بیانات ۱۳۹۵/۱۰/۱۳
		رعایت قانون	البته چهارچوب‌های قانونی و اداری وجود دارد، باید رعایت بشود، اما کار جهادی، کیفیت است، نوع کار است. صد درصد کار قانونی می‌شود انجام داد، به صورت جهادی و به غیر صورت جهادی.	بیانات ۱۴۰۳/۵/۷
		سرگرم نشدن به حواشی و زرق و برق‌ها	ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. انقلابی یعنی اینکه خودمان را سرگرم کارهای حاشیه‌ای و تشریفاتی و زرق و برقی و مانند اینها نکنیم.	بیانات ۱۳۹۶/۲/۱۰

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

بر پایه یافته‌های به دست آمده، شکل ۴ الگوی عملکرد جهادی را مبتنی بر نیت سازمانی نشان می‌دهد.



شکل ۴- الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی (یافته پژوهش)

درست است که ارزش اخلاقی عملکرد چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی، هم به نیت و هم به شکل و قالب فعل وابسته است، اما نسبت فعل با نیت، نسبت جسد به روح است؛ یعنی نیت عنصر اساسی در خلق ارزش اخلاقی به شمار می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۴)؛ و در مقایسه با فعل این نیت است که دارای اصالت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۴۱). بر همین اساس است که مقام معظم رهبری نیز در این باره معتقدند: اگر در همه کارها روحیه‌ی جهادی باشد، کار، پیشرفت مضاعف می‌کند اما کار بدون روحیه‌ی جهادی، روح لازم را ندارد (بیانات رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۴/۲۱).

با این نگاه، اگر فرد یا سازمانی با وجود تلاش بی‌وقفه، دور زدن موانع، خطرپذیری، رعایت قانون و تولیدکنندگی بتواند به پیشرفت‌های مدنظر خود برسد، اما نیت مقدس و الهی نداشته باشد، صرفاً کالبد و جسد عملکرد خود را به سرانجام رسانده، از کمال اصیل فعل و فاعل خود بازمانده و نمی‌توان گفت عملکرد جهادی اتفاق افتاده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با ظهور انقلاب اسلامی و سپس دفاع مقدس، فرهنگ کار جهادی توانست در حل بسیاری معضلات نقش‌آفرینی کرده و توجه بسیاری پژوهشگران داخلی و خارجی را به سمت خود جلب نماید. در سه دهه اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی تمام همت خود را صرف زنده نگه‌داشتن، بازتعریف و بسط پدیده مدیریت و کار جهادی نموده و بیانات ارزشمند متعددی را در این باره ارائه نموده‌اند. در پژوهش حاضر

ضمن بازخوانی فرمایشات معظم‌له پیرامون کار جهادی و کدگذاری کیفی آن‌ها، سعی شد با نگاهی متفاوت به ابعاد کار جهادی پرداخته شود. با وجود آن که در فلسفه توحیدی نقش و اعتبار زیادی برای نیت رفتارها قائل شده، تا جایی که نیت به مثابه روح عمل مطرح می‌شود، اما متأسفانه در ادبیات جهادی، کمتر بر نقش محوری نیت تأکید شده، تا جایی که گاهی برخی پژوهشگران تفاوت چندانی بین مدل رفتار جهادی و سازمان‌های مردم‌نهاد و سمن‌ها نمی‌بینند. پژوهش حاضر سعی نمود با محور قراردادن نیت سازمانی، ابعاد مختلف کار جهادی را ترسیم نماید. براین اساس مؤلفه‌های ده‌گانه کار جهادی در دو مقوله نیت کار (روح سازمان) و قالب کار (کالبد سازمان) تقسیم‌بندی شدند؛ دقیقاً مطابق با مفاهیم حسن فاعلی و حسن فعلی که به کرات در فلسفه اسلامی و روایات اهل بیت مشاهده می‌شوند. قبلاً مسعودی‌پور و مصلح (۱۳۹۶) نیز در قالب مدل مفهومی عملکرد صالحانه و احمدی و همکاران (۱۳۹۸) تحت عنوان رابطه نیت با عملکرد سازمانی از منظر اسلام، به ترکیب حسن فاعلی و حسن فعلی در سازمان اشاره کرده بودند. با گسترش رویکرد اخلاق فضیلت در فلسفه اخلاق غربی و ظهور مفاهیمی همچون نیت استراتژیک در ادبیات مدیریت و سازمان، کار برای تأکید بر نیت محوری در حوزه عملکرد سازمانی راحت‌تر شده است. با وارد آمدن اشکالات و انتقادات متعدد بر مکاتب نتیجه‌گرا، فایده‌گرا و وظیفه‌گرا (مکاتبی که اهتمام چندانی به انگیزه درونی فاعل ندارند)، بعد از تقریباً دو دهه، راه برای بازگشت به مکتب توحیدی که در کنار قالب رفتار و پیامدهای مادی آن، به نیت انجام رفتار نیز توجه دارد، باز شده است.

مطالعه ادبیات نشان داد که نیت می‌تواند در سه سطح عملکرد فردی، عملکرد سازمانی افراد و عملکرد سازمان بر رفتار و عملکرد تأثیر گذاشته و موجب تغییراتی در سه بعد خود رفتار، نتایج رفتار و فاعل رفتار گردد. با در نظر گرفتن این تأثیرگذاری می‌توان به راحتی دریافت که کار جهادی نه فقط به خاطر مؤلفه‌های رفتاری همچون تلاش خستگی‌ناپذیر، خطرپذیری، پرهیز از حواشی، رعایت قوانین و... بلکه به خاطر نیت‌های مقدس و متعالی همچون خداباوری، کسب رضایت الهی، مبارزه با دشمنان، پرهیز از مادیات و قصد کمک به جامعه می‌تواند موجب پیشرفت مضاعف و رفع موانع بزرگ و اساسی گردد؛ چنانچه رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند: «ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴). با این تفاسیر، اگر نیت محوری در سازمان را پذیرفته و اصالت در مقابل فعل به نیت داده شود، دو شبهه اساسی پیش روی فعالان سازمانی و عرصه مدیریت خواهد بود: اول، از آنجاکه نیت قابل اندازه‌گیری نیست، چطور می‌توان نیت افراد را در سازمان سنجیده و در ارزیابی‌ها دخیل نمود؟ و

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

دوم، از آنجاکه نیت امری غیر ملموس، درونی و تقریباً غیرقابل برنامه‌ریزی است، چگونه می‌توان برای تقویت یا اصلاح آن در عرصه سازمانی راهکار ارائه داد؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند پیشنهادهاتی برای پژوهش‌های آتی داشته باشد.

اول، همان طور که در مبانی پژوهش مطرح شد، موضوعات جدیدی همچون نیت استراتژیک که در ادبیات امروز مدیریت وارد شده‌اند، دقیقاً با ویژگی‌هایی همچون غیرقابل برنامه‌ریزی، غیرمنطقی، نامنطبق با ظرفیت‌ها و منابع، شهودی بودن و موارد مشابه توصیف می‌شوند؛ دوم، رویکرد اندازه‌گیری و سنجش دقیق پدیده‌های سازمانی متعلق به دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه است که می‌توان گفت تقریباً در عصر حاضر حتی در ادبیات علمی غربی نیز منسوخ شده تلقی می‌شود؛ سوم، در پدیده‌های نمادین و شهودی، مدیران عالی و رهبران سازمان نقشی اساسی دارند، تا جایی که برگلمن^{۳۱} (۱۹۹۴) و لوواس و گوشال^{۳۲} (۲۰۰۰) در تعریف نیت استراتژیک سازمان مولفه مدیران عالی را قید کرده و معتقدند نیت‌ها به واسطه رهبران و مدیران سطح بالا در سازمان گسترش یافته و تقویت می‌شوند (امبورو و توو، ۲۰۱۵).

باتوجه به این توضیحات پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به جای دغدغه ذهنی درباره اندازه‌گیری نیت‌ها بر نمادهای گسترش نیات صحیح در سازمان تمرکز کرده و برای استفاده مدیران مطرح نمایند. همچنین نقش مدیران سطح عالی در نیت سازمانی را بررسی کرده و ابعاد آن را روشن نمایند. پژوهش‌های علمی با روش مطالعه موردی بر روی نهادها و گروه‌هایی که به‌صورت ملموس توانسته‌اند عملکرد جهادی را به نمایش گذاشته و با نیت درست و الهی‌شان تحولی در عرصه مدیریت و رفع محدودیت‌ها ایجاد نمایند، انجام شود؛ نهادهایی همچون جهاد سازندگی، داستان تأسیس پژوهشگاه رویان، کانون‌های جهادی پربازده مانند کانون دانش‌پژوهان نخبه و بسیاری موارد مشابه دیگر؛ روایت علمی فرایندها و عملکرد آن‌ها فتح بایی برای شفاف‌سازی و گسترش محوریت نیت صحیح جهادی در سازمان‌ها خواهد بود.

منابع

- (۱) احمدی، مجید؛ روستا، علیرضا. (۱۴۰۰). تبیین عملکرد جهادی مدیران با تأکید بر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و بیانات عالمانه آیت العظمی امام خامنه‌ای. فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، (۳)، ۸۰-۱۰۰.
- (۲) احمدی، مهدی. (۱۳۹۰). تبیین سیستمی رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جهاد اقتصادی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۵ (۵۵): ۳۹-۷۲.
- (۳) اسلامی، سیدحسن. (۱۳۸۷). اخلاق فضیلت‌مدار و نسبت آن با اخلاق اسلامی. پژوهشنامه اخلاق، ۱ (۱).
- (۴) بیگدلی، محمد مهدی؛ عصاره نژاد دزفولی، سینا؛ حمزه‌پور، مهدی و پهلوانی زاده، محمد. (۱۳۹۶). شناسایی و سطح‌بندی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی جهادی در سازمان‌های مردم‌نهاد. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، (۷۶): ۹۳-۱۲۳.
- (۵) تولایی، روح‌الله؛ شکوهیار، سجاد. (۱۳۹۳). ارزیابی مؤلفه‌های مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی موازن. نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی، (۱۹): ۱۵-۳۷.
- (۶) جلیلی، حبیب‌الله. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های مدیریت جهادی در ابعاد عملکرد سازمانی. شیراز: کنفرانس ملی آینده‌پژوهشی علوم انسانی و توسعه.
- (۷) خزاعی، زهرا؛ لاریجانی، مریم؛ نبوی میبیدی، مریم السادات. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه نیت در نظام اخلاقی علامه طباطبایی و مایکل اسلوت. پژوهش‌های اخلاقی، ۸ (۴): ۷۹-۹۶.
- (۸) خلیلی، رضا. (۱۳۸۵). ایدئولوژی و استراتژی؛ نسبت‌سنجی مفهومی نگرش ایدئولوژیک و تفکر استراتژیک. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹ (۴): ۷۵۹-۷۸۸.
- (۹) رهنما، علی. (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی. پژوهش‌های قرآنی، ۱۷ (۴): ۴-۱۹.
- (۱۰) ساری عارفی، معصومه سادات؛ مسعودی، جهانگیر. (۱۳۹۷). تبیین نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۲۰ (۴): ۹۱-۱۱۰.
- (۱۱) سپهری، خدیجه. (۱۴۰۲). جایگاه حسن فعلی و حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی افعال از منظر آیت‌الله مصباح یزدی. معرفت اخلاقی، ۱۴ (۱): ۱۰۹-۱۲۷.
- (۱۲) صادقی، مرضیه. (۱۳۸۰). بررسی سه دیدگاه اخلاق مبتنی بر فضیلت، اخلاق مبتنی بر عمل و اخلاق مکمل. مجله نامه مفید، (۲۸).
- (۱۳) طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۵). نهضت الحکمه، قم: بوستان کتاب. چ ششم. ج دوم.
- (۱۴) طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۹). بدایه الحکمه. قم: بوستان کتاب. چ دوازدهم. ج دوم.

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

- ۱۵) عابدی رنای، علی. (۱۳۹۵). اخلاق فضیلت سازمانی: کاربرد اخلاق فضیلت در سازمان. معرفت، ۲۶ (۲۳۹): ۶۱-۷۲.
- ۱۶) علمی‌راد، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش نیت در عمل اخلاقی از منظر روایات اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی، ۵ (۳)، ۳۳-۵۴.
- ۱۷) فرهنگ، علی‌اکبر. (۱۳۷۶). تجربه‌گرایی و رفتار انسانی. دانش مدیریت، ۱۰ (۳۷ و ۳۸)، ۴۳-۷۱.
- ۱۸) کلانتری، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه‌ها در مفهوم‌شناسی حدیث «نیت المؤمن خیر من عمله». فصلنامه علمی علوم حدیث، ۲۶ (۳)، ۷۲-۹۴.
- ۱۹) لطیفی، میثم؛ هاشمی گلپایگانی، سید محمدحسین؛ یخچالی، مصطفی (۱۳۹۵). شناسایی و توصیف مؤلفه‌های سازمان‌های جهادی. نشریه مدیریت اسلامی، (۹۵): ۱۳۵-۱۶۵.
- ۲۰) مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: موسسه وفا. ج شصت و هفتم.
- ۲۱) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی^(ره).
- ۲۲) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: موسسه امام خمینی^(ره).
- ۲۳) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).
- ۲۴) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).
- ۲۵) مصباح، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش اخلاقی. فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی. ۱ (۲): ۸۱-۱۰۴.
- ۲۶) مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۷) موسوی خمینی، سیدروح‌اله^(ره). (۱۳۷۳). آداب‌نماز. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- 28) Anscombe, G. E. M. (۱۹۵۸). Modern moral philosophy. Philosophy, ۳۳(۱۲۴), ۱-۱۹. <https://philpapers.org/rec/GEMMMP>.
- 29) Gulati, R. (۲۰۱۹). The soul of a start-up: companies can sustain their entrepreneurial energy even as they grow. Harvard Business Review, ۹۷(۴), ۸۴-۹۲. <https://www.hbs.edu/faculty/Pages/item.aspx?num=۵۶۳۰۴>
- 30) Hamel G., and Prahalad C.K., (۱۹۹۴) Competing for the future. Boston MA: Harvard University Press. <https://hbr.org/۱۹۹۴/۰۷/competing-for-the-future>
- 31) Hamel, G. Prahalad, C.K. (۲۰۰۵). Strategic Intent. Harvard Business Review press. <https://hbr.org/۲۰۰۵/۰۷/strategic-intent>

- 32) Hamel, G., & Prahalad, C. K. (۱۹۸۹). Strategic intent. *Harvard Business Review*, ۶۷, ۶۳-۷۸.
- 33) Jarzabkowski, P., & Kaplan, S. (۲۰۱۵). Strategy tools-in-use: A framework for understanding “technologies of rationality” in practice. *Strategic management journal*, ۳۶(۴), ۵۳۷-۵۵۸. <https://doi.org/10.1002/smj.2270>
- 34) List, C., & Pettit, P. (۲۰۱۱). *Group agency: The possibility, design, and status of corporate agents*. Oxford University Press.
- 35) Lob, E. (۲۰۲۰). *Iran's Reconstruction Jihad: Rural Development and Regime Consolidation After ۱۹۷۹*. Cambridge University Press.
- 36) MacIntyre, A. (۲۰۱۳). *After virtue*. A&C Black.
- 37) Mantere, S., & Sillince, J. A. (۲۰۰۷). Strategic intent as a rhetorical device. *Scandinavian Journal of Management*, ۲۳(۴), ۴۰۶-۴۲۳. <https://doi.org/10.1016/j.scaman.2007.03.002>
- 38) Massa, S., & Testa, S. (۲۰۱۲). The role of ideology in brand strategy: the case of a food retail company in Italy. *International Journal of Retail & Distribution Management*, ۴۰(۲), ۱۰۹-۱۲۷. <https://doi.org/10.1108/0959-0551211201865>
- 39) Mburu, S. N., & Thuo, J. K. (۲۰۱۵). Understanding the concept of strategic intent. *International Refereed Journal of Engineering and Science (IRJES)*, ۳(۶), ۱۱۴-۱۱۹. <http://dx.doi.org/10.31686/ijer.vol3.iss6.384>
- 40) O'Shannassy, T. F. (۲۰۱۶). Strategic intent: The literature, the construct and its role in predicting organization performance. *Journal of Management & Organization*, ۲۲(۵), ۵۳۸-۵۹۸. <https://doi.org/10.1017/JMO.2015.46>
- 41) Odita, A. O., & Bello, A. (۲۰۱۵). Strategic intent and organizational performance a study of banks in Asaba, Delta state Nigeria. In *Information and Knowledge Management*, ۵(۴), ۶۰-۷۱.
- 42) Oxford Learner's Dictionaries (۲۰۲۴), Accessible at : <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/>
- 43) Rupesinghe, N., Naghizadeh, M. H., & Cohen, C. (۲۰۲۱). Reviewing jihadist governance in the Sahel. NUPI Working Paper. <http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.14304.61449>
- 44) Searle, John R. (۱۹۸۳). *Intentionality: An Essay in the Philosophy of Mind*. New York: Cambridge University Press.
- 45) Slote, M. (۲۰۲۳). Agent-based virtue ethics. In *Philosophical Essays East and West: Agent-Based Virtue Ethics and other topics at the intersection of Chinese*

الگوی عملکرد جهادی مبتنی بر نیت سازمانی بر .../احتشام، پورکریمی، نارنجی ثانی و لطیفی

thought and Western analytic philosophy (pp. ۸۳-۹۵). Cham: Springer Nature Switzerland.

یادداشت‌ها:

-
- 1 Searle
 - 2 Consequentialism
 - 3 deontological ethics
 - 4 Virtue ethics
 - 5 utilitarianism
 - 6 MacIntyre
 - 7 Anscombe
 - 8 Fernando
 - 9 Zigon
 - 10 Slote
 - 11 Ranjay Gulati
 - 12 Existential significance
 - 13 List & Pettit
 - 14 Strategic intent
 - 15 Mantere & Sillince
 - 16 Hamel & Prahalad
 - 17 Mantere & Sillince
 - 18 Odit & Bello
 - 19 symbolic guidance
 - 20 Jarzabkowski & Kaplan
 - 21 O'Shannassy
 - 22 intuitive
 - 23 ambitions
 - 24 obsession
 - 25 Parahalad & Doz
 - 26 Mburu & Thuo
 - 27 Massa & Testa
 - 28 Odit & Bello
 - 29 O'Shannassy
 - 30 <https://farsi.khamenei.ir/>
 - 31 Burgelman
 - 32 Lovas and Ghoshal

Jihadi Performance Model Based on Organizational Intention Based on the Statements of Imam Khamenei

Zahra Ehtesham¹

Javad Pourkarimi²

Fatemeh Narenji Thani³

Meysam Latifi⁴

Receipt: 30/01/2025

Acceptance: 21/07/2025

Abstract

The Islamic Revolution of Iran was able to introduce jihadi literature into the field of management and organization. Having the right intentions is the spirit of this concept that is perhaps less emphasized in the scientific literature. The purpose of the present study is to examine and design a jihadi performance model based on organizational intention. The research is of a qualitative multi-method type and uses document and content analysis methods. Based on the findings the virtue approach among Western ethical schools is most similar to the monotheistic ethical philosophy approach in looking at intention. Intention can also be effective at three levels: individual performance, organizational performance, and organizational performance. The impact of intention on the level of individual performance can be in three dimensions: behavior itself, behavior results, and the agent of behavior. Also, the concept of strategic intention can be a trace of intention-centeredness in Western management and organization literature. In the content analysis section, the statements of the Supreme Leader between ۱۳۷۵ and ۱۴۰۳ have been examined. The findings of the content analysis have outlined a conceptual model of jihadi performance with ten components and two main categories: performance intention (organizational spirit) and performance format (organizational body), centered on organizational intention. The spirit of the organization includes five components: having a holy direction and intention, working for God, disturbing and fighting the enemy, the motivation to elevate society and the country, and renouncing material goals. The body of the organization includes five components: tirelessness and overcoming obstacles, relentless effort and risk-taking, productivity and independence from outsiders, not being distracted by sideshows and glamour, and observing law and logic.

Keywords:

Intention, Organizational intention, Strategic intention, Jihadist performance, Imam Khamenei.

1-PhD Student, Department of Higher Education Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran z.ehtesham@ut.ac.ir

2-Associate Professor, Department of Management and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) jpkarimi@ut.ac.ir

3-Associate Professor, Department of Management and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. fnarenji@ut.ac.ir

4-Associate Professor, Department of Human Resource Management and Organizational Behavior, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. Latifi@isu.ac.ir



شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای در تقویت تعامل بین دانشگاه و صنعت:

یک مطالعه اکتشافی

سیدجعفر ایرانی کلور^۱

ماهرخ لطف‌الهی حق^۲

مجتبی حیدری^۳

رضا رستم‌زاده^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

چکیده

ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و نوآوری در سطح ملی شناخته شده است. با این حال، در ایران، این تعامل با چالش‌های متعددی روبرو است که مانع از تحقق پتانسیل کامل آن می‌شود. این پژوهش باهدف شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های همکاری دانشگاه و صنعت در ایران، در چارچوب حکمرانی شبکه‌ای و ارائه مدلی برای بهبود این تعاملات انجام شده است. این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و تحلیل محتوا، داده‌های موردنیاز را از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی، مدیران صنعتی و سیاست‌گذاران و همچنین تحلیل محتوای ۱۵ متن برگزیده جمع‌آوری کرده است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی و با کمک نرم‌افزار MAXQDA24 انجام شد که منجر به شناسایی ۶ مؤلفه اصلی، ۲۰ بعد و ۶۶ شاخص کلیدی گردید. یافته‌های کلیدی این پژوهش نشان می‌دهد که برای تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، سیاست‌های حمایتی، ازجمله ایجاد نهادهای واسطه‌ای کارآمد و اصلاح قوانین و مقررات موجود، امری ضروری است. همچنین، توسعه فرهنگ اعتماد متقابل و مدیریت مؤثر دانش از عوامل کاهنده موانع و تسهیل‌کننده همکاری‌ها محسوب می‌شوند. مؤلفه‌های اثرگذار بر رابطه دانشگاه و صنعت بر اساس حکمرانی شبکه‌ای عبارتند از: فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و توسعه تجهیزات، توسعه شبکه ارتباطی، تدوین الگوهای مشترک همکاری، ارائه سیاست‌های حمایتی و تشویقی و مهارت آفرینی و توانمندسازی نیروی انسانی. مدل مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش، چارچوبی جامع برای درک و بهبود تعاملات دانشگاه و صنعت با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آتی و عملیاتی‌سازی همکاری‌های مؤثرتر در این حوزه باشد.

کلمات کلیدی:

ارتباط دانشگاه و صنعت، حکمرانی شبکه‌ای، تحلیل مضمون، تحلیل محتوا

۱- گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. seyedjafar.iranikolur@iau.ir

۲- گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول) M.lotfollahi@iau.ac.ir

۳- گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. Mojtaba.heydari@iau.ac.ir

۴- گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. reza.rostamzadeh@iau.ac.ir

مقدمه

در دنیای معاصر که با تحولات سریع فناوری، اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه مشخص می‌شود، حکمرانی و مدیریت امور بیش‌ازپیش نیازمند رویکردهای نوین و انعطاف‌پذیر است (جلالی خان‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین، با تأکید بر همکاری و تعامل میان بازیگران مختلف دولتی، خصوصی و جامعه مدنی در قالب شبکه‌های غیررسمی و انعطاف‌پذیر، پاسخی مناسب به پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های مسائل امروز است. این رویکرد، برخلاف مدل‌های سنتی حکمرانی سلسله‌مراتبی که ساختارهای ثابت و مشخصی دارند و در مواجهه با چالش‌های پویای قرن بیست‌ویکم ناکارآمد به نظر می‌رسند، بر ایجاد فضایی برای مشارکت فعال همه ذی‌نفعان، تصمیم‌گیری گروهی و هماهنگی بهتر تمرکز دارد.

ازجمله حوزه‌هایی که حکمرانی شبکه‌ای می‌تواند نقش بسزایی در بهبود آن ایفا کند، رابطه بین دانشگاه و صنعت است. این رابطه، به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه دانش، نوآوری و پیشرفت اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بااین‌حال، در ایران، این رابطه همچنان با موانعی مواجه است که مانع از تحقق پتانسیل کامل آن شده است (فرحی و همکاران، ۲۰۲۰). دانشگاه‌ها از بدو تأسیس، به‌عنوان مراکز تولید دانش و پرورش نیروی انسانی متخصص، نقش محوری در پیشرفت جوامع ایفا کرده‌اند. بااین‌وجود، در ایران، نظام پژوهشی دانشگاه‌ها به دلیل فقدان برنامه‌های منسجم و انگیزه‌بخش، نتوانسته است به‌طور مؤثر در خدمت نیازهای صنعت و جامعه قرار گیرد. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فاقد تجربه عملی در صنعت هستند و اساتیدی که به پژوهش می‌پردازند، اغلب از نیازهای واقعی صنعت اطلاعات محدودی دارند (قره‌چه و همکاران، ۱۳۹۹). این شکاف بین دانشگاه و صنعت، نه‌تنها به کاهش نوآوری در بخش صنعتی منجر شده، بلکه وابستگی به فناوری‌های خارجی را نیز تداوم بخشیده است. از سوی دیگر، صنعت کشور نیز با چالش‌هایی نظیر بی‌اعتمادی به پژوهش‌های دانشگاهی و عدم تمایل به همکاری با دانشگاه‌ها مواجه است. مدیران ارشد صنعت اغلب دیدگاهی بدبینانه نسبت به توانایی دانشگاه‌ها در حل مسائل واقعی صنعت دارند، درحالی‌که دانشگاه‌ها از عدم حمایت صنعت در پروژه‌های پژوهشی گلایه‌مند هستند. این وضعیت به فقدان یک مدل ارتباطی مؤثر و پایدار بین این دو نهاد دامن زده است (قره‌چه و همکاران، ۱۳۹۹). نتیجه این شکاف، ناکارآمدی در چرخه تولید ملی و کاهش توان رقابتی کشور در عرصه جهانی است.

برای غلبه بر این چالش‌ها، تلاش‌های متعددی در راستای تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت صورت گرفته است. بااین‌حال، این تلاش‌ها به دلیل فقدان یک چارچوب یکپارچه و هماهنگ، نتوانسته‌اند به

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی.../ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

نتایج مطلوب منجر شوند. به نظر می‌رسد که رویکرد حکمرانی شبکه‌ای با تسهیل همکاری و تعامل میان بازیگران مختلف، ازجمله دولت، دانشگاه و صنعت، می‌تواند به بهبود این رابطه کمک کند و بستری برای تبادل دانش، نوآوری و توسعه پایدار ایجاد نماید (کلین و کوپینجان، ۲۰۱۶).

ویژگی‌های دنیای امروز، ازجمله پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، تنوع بالای مسائل و نیاز به خلاقیت و نوآوری، ضرورت گذار از پارادایم‌های سنتی مدیریت به سمت پارادایم‌های مبتنی بر ارزش عمومی را برجسته کرده است (لئونگ و همکاران، ۲۰۰۹). حکمرانی شبکه‌ای، با مفاهیمی نظیر دولت همکارگونه، مشارکت‌های بین‌بخشی و تصمیم‌گیری مشارکتی، چارچوبی مناسب برای پاسخگویی به این نیازها شناخته می‌شود. این چارچوب با تأکید بر تعاملات پویا و نفوذ متقابل کنشگران، امکان تأثیرگذاری بر فرآیندها و نتایج سیاست‌گذاری را فراهم می‌کند.

مدیریت دولتی در ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که نیاز به تغییر رویکردهای سنتی را نشان می‌دهد. پیچیدگی مسائل اجتماعی و اقتصادی، افزایش مطالبات برای شفافیت و پاسخگویی و نیاز به تقویت زیرساخت‌های قانونی و حقوقی، ازجمله دلایلی هستند که ضرورت حرکت به سمت حکمرانی شبکه‌ای را برجسته می‌کنند (جلالی خان‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹).

ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، هنوز نتوانسته نقش مؤثری در توسعه اقتصادی و فناوری ایفا کند. در دنیای امروز، هم‌افزایی دانش و عمل، کلید نوآوری و رقابت‌پذیری است، حال آنکه موانع ساختاری، فرهنگی و قانونی، ازجمله عدم اعتماد متقابل، عدم تطابق آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای صنعت و ضعف در تجاری‌سازی تحقیقات، مانع از شکل‌گیری یک اکوسیستم پویا و کارآمد شده است. مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که هر دودسته به اهمیت این ارتباط و مفهوم حکمرانی شبکه‌ای پرداخته‌اند؛ پژوهش‌های داخلی بیشتر بر راهکارها و مدل‌های ارتباطی متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که مطالعات خارجی به جنبه‌های نظری و ابزارهای مدیریتی حکمرانی شبکه‌ای توجه کرده‌اند. با این وجود، خلأ قابل‌توجهی در ادبیات پژوهشی وجود دارد و آن، عدم شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای در تقویت تعامل بین این دو نهاد است.

با توجه به ناکارآمدی مدل‌های سنتی در برقراری ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت، این پژوهش به دنبال ارائه الگویی نوین مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای است. این الگو با شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های رابطه دانشگاه و صنعت تلاش دارد تا چارچوبی یکپارچه برای تقویت این رابطه پیشنهاد دهد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به مرور ادبیات حکمرانی شبکه‌ای یا بررسی کلی رابطه دانشگاه و صنعت پرداخته‌اند، این مطالعه با رویکردی اکتشافی، برای اولین بار الگویی جامع مبتنی بر

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

حکمرانی شبکه‌ای ارائه می‌دهد؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی و ارائه راهکاری عملی برای بهبود رابطه دانشگاه و صنعت، گامی در جهت تقویت همکاری‌های بین‌بخشی و توسعه پایدار کشور برمی‌دارد. با توجه به اهمیت این رابطه در انتقال دانش، آموزش نیروی کار ماهر، ایجاد فرصت‌های شغلی و حمایت از کارآفرینی، انتظار می‌رود که نتایج این مطالعه بتواند به سیاست‌گذاران و مدیران در طراحی استراتژی‌های مؤثر برای تقویت تعاملات دانشگاه و صنعت کمک کند.

مبانی نظری

مفهوم حکمرانی شبکه‌ای

حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان یک پارادایم نوظهور در مدیریت عمومی، رویکردی متفاوت از مدل‌های سنتی سلسله‌مراتبی ارائه می‌دهد که در آن دولت به‌عنوان تنظیم‌کننده اصلی عمل می‌کند. این مفهوم بر همکاری و تعامل میان بازیگران متعدد، از جمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، در قالب شبکه‌های غیررسمی و انعطاف‌پذیر تأکید دارد (کلین و کوپن‌جان^۱، ۲۰۱۵). برخلاف حکمرانی سنتی که بر کنترل متمرکز و ساختارهای ثابت متکی است، حکمرانی شبکه‌ای به دنبال ایجاد فضایی برای تصمیم‌گیری مشارکتی است که در آن کنشگران با استراتژی‌های آگاهانه بر فرآیندها و نتایج سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند. این رویکرد با کاهش عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های موجود در مسائل مدرن، امکان هماهنگی بهتر بین ذی‌نفعان را فراهم می‌کند (اوجو و ملولی^۲، ۱۳۹۷).

شبکه‌ها در این چارچوب به‌عنوان سیستم‌هایی پویا از روابط موقتی و پیچیده تعریف می‌شوند که بازیگران انسانی و غیرانسانی را برای دستیابی به اهداف مشترک به هم متصل می‌کنند (پرووان و کنیس^۳، ۱۳۸۷). ویژگی‌های کلیدی حکمرانی شبکه‌ای شامل شفافیت، پاسخگویی، انعطاف‌پذیری و توانایی مدیریت مسائل چندوجهی است که نیاز به خلاقیت و نوآوری دارند. این ویژگی‌ها به‌ویژه در زمینه‌هایی که با تغییرات سریع فناوری، اقتصاد و جامعه مواجه هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند (وانگ و ران^۴، ۱۴۰۲). در ایران، مطالعات نشان داده‌اند که حکمرانی شبکه‌ای می‌تواند با ایجاد بستری برای تعاملات پویا، به بهبود کارایی و اثربخشی مدیریت عمومی کمک کند. به‌عنوان مثال، استفاده از این رویکرد در نظام سلامت ایران نشان داده است که تعاملات بین‌بخشی می‌توانند به بهبود عملکرد سیستم منجر شوند (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲).

حکمرانی شبکه‌ای همچنین با مفاهیمی نظیر دولت همکارگونه، مشارکت‌های بین‌بخشی و

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی.../ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

متاگاورننس (مدیریت شبکه‌ها) شناخته می‌شود. این مفاهیم به شبکه‌ها امکان می‌دهند تا با ایجاد هم‌افزایی بین بازیگران، به حل مسائل پیچیده و غیرخطی بپردازند (ادینک^۵، ۱۳۹۸). در این راستا، حکمرانی شبکه‌ای نه تنها به عنوان ابزاری برای مدیریت، بلکه به عنوان چارچوبی برای بازطراحی روابط بین بازیگران مختلف در نظر گرفته می‌شود. این چارچوب با تأکید بر یادگیری سازمانی و مشورت در مورد قضاوت‌های ارزشی، می‌تواند به پایداری مداخلات و سیاست‌ها کمک کند. در ایران، ضرورت گذار به این مدل به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی و ناتوانی مدل‌های سنتی در پاسخگویی به این چالش‌ها، بیش‌ازپیش احساس می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲).

رابطه دانشگاه و صنعت

رابطه دانشگاه و صنعت یکی از بسترهای کلیدی برای توسعه دانش، فناوری و اقتصاد ملی است که نقش مهمی در پیشرفت جوامع مدرن ایفا می‌کند. دانشگاه‌ها با تولید دانش علمی و تربیت نیروی انسانی متخصص، نیازهای صنعت را تأمین می‌کنند، در حالی که صنعت با ارائه تجربه عملی، منابع مالی و بازخوردهای کاربردی، به تکمیل چرخه نوآوری کمک می‌کند (نسانزوموهیره و گروت^۶، ۱۴۰۱). این رابطه زمانی به حداکثر کارایی می‌رسد که پژوهش‌های دانشگاهی به تولید محصولات یا خدماتی منجر شود که مستقیماً پاسخگوی نیازهای واقعی صنعت و جامعه باشند. با این حال، تحقق این هدف نیازمند هماهنگی و همکاری نزدیک بین این دو نهاد است (انکراه و الطباع^۷، ۱۳۹۴).

در ایران، رابطه دانشگاه و صنعت با موانع متعددی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم تناسب برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعت، فقدان اعتماد متقابل بین دانشگاهیان و صنعتگران و ضعف قوانین و مقررات اشاره کرد (محمودیان و همکاران، ۱۴۰۱). وارداتی بودن نظام آموزشی و صنعتی، همراه با نبود هماهنگی ساختاری بین این دو نهاد، شکاف عمیقی را ایجاد کرده است که به کاهش نوآوری و وابستگی به فناوری‌های خارجی منجر شده است (کهریزی و همکاران، ۱۴۰۲). به عنوان مثال، بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی، از جمله پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، به دلیل عدم ارتباط با نیازهای واقعی صنعت، تأثیر محدودی بر توسعه صنعتی داشته‌اند. این وضعیت نیازمند بازطراحی مدل‌های همکاری بین این دو نهاد است.

حکمرانی شبکه‌ای می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش این شکاف عمل کند. این رویکرد با ایجاد بستری برای همکاری و هماهنگی میان بازیگران مختلف، امکان تبادل دانش، منابع و تجربیات را فراهم می‌کند. به عنوان مثال، شبکه‌های همکاری بین دانشگاه‌ها، صنایع و دولت می‌توانند با تعریف پروژه‌های مشترک و ایجاد سازوکارهای مشارکتی، به تقویت نوآوری و توسعه پایدار کمک کنند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

(بریمان و همکاران، ۱۳۹۹). این شبکه‌ها با تسهیل ارتباطات غیررسمی و ایجاد اعتماد متقابل، می‌توانند موانع ساختاری و فرهنگی موجود در رابطه دانشگاه و صنعت را کاهش دهند. مطالعات نشان داده‌اند که چنین مدل‌هایی در کشورهای توسعه‌یافته با موفقیت پیاده‌سازی شده و می‌توانند به‌عنوان الگویی برای ایران مورد استفاده قرار گیرند (شفیعی، ۱۳۹۸).

کاربرد حکمرانی شبکه‌ای در رابطه دانشگاه و صنعت

حکمرانی شبکه‌ای در رابطه دانشگاه و صنعت، با تأکید بر مشارکت فعال همه ذی‌نفعان، از جمله دانشگاه‌ها، صنایع، دولت و جامعه مدنی، چارچوبی جامع برای مدیریت تعاملات پیچیده ارائه می‌دهد. این چارچوب با ویژگی‌هایی نظیر انعطاف‌پذیری، شفافیت و پاسخگویی، امکان تبادل دانش و منابع را تسهیل می‌کند و به ایجاد هم‌افزایی بین بخش‌های مختلف کمک می‌کند (پروان و کنیس^۸، ۱۳۸۷). در این مدل، بازیگران به‌صورت شبکه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند و از طریق تعاملات پویا، به حل مسائل چندوجهی و غیرخطی می‌پردازند. (اوجو و ملولی^۹، ۱۳۹۷).

در ایران، پیچیدگی‌های موجود در رابطه دانشگاه و صنعت، از جمله ناهماهنگی بین نیازهای صنعت و توانمندی‌های دانشگاه، ضرورت استفاده از مدل‌های شبکه‌ای را برجسته کرده است. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فقدان سازوکارهای مشخص برای هدایت بلندمدت این رابطه، به شکاف‌های ارتباطی منجر شده است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، حکمرانی شبکه‌ای با نهادینه‌سازی یادگیری سازمانی و مشورت در مورد قضاوت‌های ارزشی، می‌تواند به پایداری مداخلات کمک کند. این مدل با ایجاد بستری برای تعریف پروژه‌های مشترک، تبادل داده‌ها و توسعه فناوری‌های جدید، می‌تواند به تقویت نوآوری و رقابت‌پذیری صنعت کمک کند. در ایران، این رویکرد می‌تواند با توجه به ویژگی‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به بازطراحی رابطه دانشگاه و صنعت کمک کند و به توسعه پایدار منجر شود (شاطریان، ۱۴۰۰).

پیشینه تحقیق

در راستای درک عمیق‌تر حکمرانی شبکه‌ای و تعامل دانشگاه و صنعت، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده که هر یک زوایایی از این موضوع را روشن ساخته‌اند. در این میان، بررسی مطالعات داخلی و خارجی می‌تواند تصویر واضح‌تری از جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر ارائه دهد.

پژوهش‌های داخلی:

در سال‌های اخیر، محققان داخلی تلاش‌های ارزنده‌ای در زمینه بررسی ارتباط بهینه دانشگاه و

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی.../ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

صنعت انجام داده‌اند. کهریزی، کرمی چقاگلانی و جاسمی (۱۴۰۲) با بررسی عوامل مؤثر بر این ارتباط، نشان دادند که مدیریت صحیح فاکتورها، احتمال موفقیت همکاری‌ها را افزایش می‌دهد. مطالعه آن‌ها بر جنبه‌های عملیاتی و مدیریتی این همکاری‌ها تمرکز دارد. همچنین، سیمایی چافی و معمارزاده طهران (۱۴۰۱) با طراحی مدل ظرفیت‌سازی حکمرانی شبکه‌ای، نشان دادند که این ظرفیت‌سازی در قالب تدوین خط‌مشی، ایجاد روابط شبکه‌ای بین بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی و ارتقای ظرفیت اجرایی مبتنی بر شبکه شکل می‌گیرد. این مطالعه به‌طور مستقیم به مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای می‌پردازد.

حسین‌لو، زمانی مقدم و سورانی یانچشمه (۱۴۰۰) مدلی برای ارتباط صنعت با دانشگاه در تهران ارائه کردند که سه بعد فردی، سازمانی و محیطی را شامل می‌شود. عزیزی، رضایی و حسین‌پور (۱۴۰۰) نیز با بررسی راهبردهای توسعه کارآفرینی در بستر این ارتباط، نشان دادند که راهبردهای تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی در این زمینه مؤثر هستند. حسان، شریف‌زاده و کریمی (۱۴۰۰) نیز با تحلیل ابزارهای سیاستی در قوانین و مقررات ایران، دریافتند که بیشتر قوانین تنها به شکل غیرمستقیم و ظرفیت‌دار به ارتقای این ارتباط کمک می‌کنند. شریف‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) با تحلیل نظریه‌های حکمرانی شبکه‌ای در نظام سلامت ایران، ۶ دسته اصلی را استخراج کردند.

قره‌چه و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی الگوی ارتقای رابطه دانشگاه و صنعت، به این نتیجه رسیدند که ضعف این ارتباط ناشی از عوامل صنعتی، دانشگاهی و مشترک است و راهکارهای نهایی در قالب دولتی، دانشگاهی، صنعتی، الگوگیری و توسعه نهادهای مستقل قابل تدوین است. مینایی، نوری‌زاده و قانع‌راد (۱۳۹۸) نیز با بررسی این ارتباط از منظر خبرگان دانشگاهی، دریافتند که فعالیت‌های نرم مؤثرتر هستند، اما ورود به حوزه تجاری‌سازی فعالیت‌های اصلی دانشگاه را کم‌رنگ می‌کند. درنهایت، منوریان، نرگسیان و حسینی مکارم (۱۳۹۸) در طراحی مدل حکمرانی شبکه‌ای در شهرداری تهران، راهبردهای حکمرانی شبکه‌ای را شامل توسعه کانال‌های اطلاعات، تقویت زیرساخت‌های تحقیق و توسعه، برون‌سپاری و توسعه مشارکت‌های شهروندی معرفی کردند.

درمجموع، پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر ارتقای ارتباط دانشگاه و صنعت، عوامل مؤثر بر آن (فردی، سازمانی، محیطی، مدیریتی و قانونی) و راهکارهای عملیاتی تمرکز دارند. برخی مطالعات مانند سیمایی چافی و معمارزاده طهران (۱۴۰۱) و منوریان، نرگسیان و حسینی مکارم (۱۳۹۸) به‌طور مستقیم به ابعاد حکمرانی شبکه‌ای پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که برای بهبود این تعامل، به رویکردهای چندوجهی شامل جنبه‌های مدیریتی، قانونی، فرهنگی و عملیاتی نیاز است. با این حال،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

شکاف اصلی در این پژوهش‌ها، عدم ارائه یک مدل جامع است که به‌طور خاص حکمرانی شبکه‌ای را به‌عنوان چارچوبی برای تقویت تعامل دانشگاه و صنعت در نظر بگیرد و مؤلفه‌های آن را به‌صورت نظام‌مند تبیین کند.

پژوهش‌های خارجی:

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. کروق و تریانتافیلو^{۱۰} (۲۰۲۴) با بررسی "توسعه حکمرانی عمومی جدید به‌عنوان یک مدل اصلاح مدیریت عمومی"، بر بعد داخلی حکمرانی عمومی جدید (NPG) و ابزارهای اصلاحی آن برای پیشبرد همکاری در بخش عمومی تمرکز کرده‌اند. ارد و همکاران (۲۰۲۳) نیز با بررسی "شیوه‌های بازبینی حکمرانی شبکه‌ای"، نتیجه گرفتند که حکمرانی شبکه‌ای سازمانی به‌عنوان واژگانی در ادبیات مدیریت و علوم انسانی برای توضیح توسعه، عملکرد و اثربخشی شبکه‌های سازمانی پذیرفته شده است.

پلانتک و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۳) با بررسی "مشارکت آکادمیک اولیه در همکاری دانشگاه و صنعت"، بر اهمیت در نظر گرفتن جهت‌گیری پژوهش و سلیقه دانشجویان در توسعه این همکاری‌ها تأکید کرده‌اند. پان و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۳) نیز با بررسی همکاری پروژه محور دانشگاه و صنعت، نشان دادند که خروجی پروژه باید نیاز و انتظارات واقعی شریک صنعتی را برآورده کند. احمد و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۲) نیز با بررسی "تقویت پل بین دانشگاه و صنعت از طریق همکاری صنعت و دانشگاه"، مدلی شامل فرآیندها، روش‌ها یا رویکردها و ابزارها پیشنهاد کرده‌اند. ایوانس و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان همکاری دانشگاه و صنعت به‌عنوان محرک تحول دیجیتال؛ انواع مزایا و توانمند سازها را به انجام رسانده‌اند. مارینهو و همکاران^{۱۵} (۲۰۲۰) نیز با یک بررسی سیستماتیک، به این نتیجه رسیدند که کار مشترک بین دانشگاه‌ها و شرکت‌ها با توجه به محیط رقابتی روبه‌رشد اهمیت فزاینده‌ای دارد، اما باید به چرایی عدم دوام مشارکت‌ها نیز توجه کرد.

درمجموع، پژوهش‌های خارجی طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با حکمرانی شبکه‌ای و همکاری دانشگاه و صنعت را پوشش می‌دهند. مطالعاتی مانند ارد و همکاران (۲۰۲۳) به جنبه‌های نظری و ارزیابی حکمرانی شبکه‌ای پرداخته‌اند، درحالی‌که پژوهش‌هایی مانند کروق و تریانتافیلو (۲۰۲۴) بر ابزارهای اصلاحی و مدیریتی در حکمرانی عمومی جدید تمرکز دارند. پلانتک و همکاران (۲۰۲۳) و پان و همکاران (۲۰۲۳) به‌طور خاص به جنبه‌های مشارکتی و آموزشی در همکاری دانشگاه و صنعت اشاره کرده‌اند. احمد و همکاران (۲۰۲۲) نیز مدل‌سازی همکاری را بر اساس مارپیچ سه‌گانه ارائه داده‌اند. بااین‌حال، شکاف مشاهده‌شده در پژوهش‌های خارجی نیز کمبود مدل‌هایی است که به‌طور

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی.../ایرانی کلور، لطف‌اللهی حق، حیدری و رستم‌زاده

جامع حکمرانی شبکه‌ای را به‌عنوان چارچوبی برای تقویت تعامل بین دانشگاه و صنعت معرفی کند و شاخص‌های آن را به‌صورت عملیاتی در این بستر خاص موردسنجش قرار دهد.

تحلیل مقایسه‌ای و شکاف پژوهشی:

با مقایسه پژوهش‌های داخلی و خارجی، می‌توان دریافت که هر دودسته به اهمیت ارتباط دانشگاه و صنعت و همچنین مفهوم حکمرانی شبکه‌ای به‌صورت مجزا پرداخته‌اند. پژوهش‌های داخلی بیشتر بر روی راهکارها، عوامل مؤثر و مدل‌های ارتباطی متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که مطالعات خارجی بیشتر به جنبه‌های نظری، ابزارهای مدیریتی و ارزیابی حکمرانی شبکه‌ای توجه کرده‌اند.

علی‌رغم این مطالعات، خلأ قابل‌توجهی در ادبیات پژوهشی وجود دارد که به‌طور خاص به “شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای در تقویت تعامل بین دانشگاه و صنعت” پرداخته باشد. اکثر پژوهش‌ها یا بر یکی از این دو حوزه تمرکز داشته‌اند، یا در صورت پرداختن به هر دو، ارتباط مفهومی و عملیاتی حکمرانی شبکه‌ای را به‌عنوان چارچوبی برای تقویت این تعامل به‌صورت جامع و نظام‌مند تبیین نکرده‌اند.

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگویی برای رابطه دانشگاه و صنعت مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای، گامی نو در جهت پر کردن این خلأها برمی‌دارد. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً به بررسی موانع و راهکارهای کلی رابطه دانشگاه و صنعت یا تحلیل نظری حکمرانی شبکه‌ای پرداخته‌اند، این پژوهش رویکردی اکتشافی را دنبال می‌کند و برای اولین بار الگویی جامع مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای برای این رابطه ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش با تمرکز بر رویکرد کیفی، به بررسی الگوی ارتباط بین صنعت و دانشگاه مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای می‌پردازد تا مدلی مفهومی و عمیق از این پدیده ارائه دهد. رویکرد کیفی به دلیل توانایی آن در کشف معانی پنهان، درک زمینه‌های پیچیده و شناسایی مضامین کلیدی مرتبط با تعاملات شبکه‌ای میان نهادهای دانشگاهی و صنعتی انتخاب شده است (بازرگان، ۱۳۹۷). هدف این مطالعه، نه‌تنها شناسایی عوامل و الگوهای مؤثر بر این ارتباط، بلکه ارائه تفسیری غنی از چگونگی شکل‌گیری و عملکرد حکمرانی شبکه‌ای در این بستر است. با توجه به ماهیت اکتشافی موضوع، روش کیفی امکان انعطاف‌پذیری در تحلیل داده‌ها و توجه به ظرایف تعاملات انسانی و سازمانی را فراهم کرده و به تولید دانشی بومی و زمینه‌مند منجر شده است.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

برای گردآوری داده‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند و معیارمحور استفاده شده است تا افراد و منابعی با بیشترین ارتباط و تجربه در حوزه ارتباط صنعت و دانشگاه انتخاب شوند. جامعه آماری شامل مدیران ارشد صنعتی، اساتید دانشگاهی با تجربه در پروژه‌های مشترک صنعتی است. ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصانی که حداقل ۱۵ سال تجربه در مدیریت آموزشی یا صنعتی داشتند، انجام شد. همچنین، ۱۵ متن از میان ۲۲۰ سند (شامل مقالات علمی، گزارش‌های سیاستی و اسناد راهبردی) بر اساس معیارهایی نظیر کیفیت محتوا، ارتباط موضوعی و اصالت انتخاب شدند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافتند، به‌طوری‌که مضامین جدید پس از مصاحبه پانزدهم به حداقل رسید. این فرآیند، داده‌هایی غنی و متنوع برای تحلیل عمیق فراهم کرد و امکان بررسی چندبعدی پدیده را میسر ساخت.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون^{۱۶} و تحلیل محتوا انجام شد که به دلیل انعطاف‌پذیری و توانایی در شناسایی الگوهای معنایی در داده‌های کیفی مناسب این پژوهش بود (براون و کلارک^{۱۷}، ۲۰۰۶). ابتدا، داده‌های مصاحبه‌ها و متون به‌صورت دقیق پیاده‌سازی و کدگذاری باز شدند. سپس، کدها به مضامین فرعی و اصلی دسته‌بندی شده و درنهایت، شبکه‌ای از مضامین با محوریت حکمرانی شبکه‌ای شکل گرفت. برای افزایش پایایی، کدگذاری توسط دو پژوهشگر به‌صورت مستقل انجام شد و توافق بین کدگذار (۰/۸۱) تأیید شد. همچنین، پایایی بازآزمون با بررسی مجدد داده‌ها پس از دو هفته (۰/۷۸) بررسی شد. روایی داده‌ها از طریق ممیزی توسط گروه کانونی متشکل از ۱۲ متخصص در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری علم و فناوری تأیید شد که بازخوردهای آن‌ها در اصلاح مضامین نهایی لحاظ گردید.

یافته‌های کیفی این پژوهش به‌صورت یک مدل مفهومی یکپارچه ارائه شده‌اند که شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های ارتباط صنعت و دانشگاه را در چارچوب حکمرانی شبکه‌ای تبیین می‌کند. این مدل، نه تنها به سؤالات تحقیق پاسخ داده، بلکه چارچوبی عملی برای سیاست‌گذاری و اجرای پروژه‌های مشترک بین این دو نهاد فراهم کرده است. فرآیند تحلیل، با تمرکز بر زمینه‌های فرهنگی، سازمانی و سیاستی ایران، به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های منحصربه‌فرد در این حوزه کمک کرد. نتایج در قالب گزارش‌های علمی و جلسات بازخورد با ذی‌نفعان ارائه شد تا از انطباق آن با واقعیت‌های موجود اطمینان حاصل شود. این رویکرد کیفی، با تأکید بر عمق و غنای داده‌ها، به تولید دانشی معتبر و کاربردی منجر شده که می‌تواند راهگشای توسعه همکاری‌های پایدار بین صنعت و دانشگاه باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش از طریق تحلیل محتوای استقرایی و تحلیل مضمون و محتوا، بر اساس رویکرد کینگ و هوراکس (۲۰۱۰)، از داده‌های کیفی استخراج شده‌اند. داده‌ها چندین بار مطالعه شدند تا درک عمیقی از محتوا حاصل شود. فرآیند کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA24 انجام شد، شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی. در مرحله کدگذاری باز، ۹۸۸ کد توصیفی استخراج شد (۵۲۶ کد از مصاحبه‌ها و ۴۵۴ کد از متون) که هر کد به یک جمله معنادار اختصاص یافت. مصاحبه‌ها با حرف لاتین M و متون با حرف لاتین N نام‌گذاری شده و هر کدام از مصاحبه‌ها و متون نیز دارای شماره شدند. عدد M1 نشان‌دهنده مصاحبه اول و عدد N15 نشان‌دهنده متن پانزدهم است. عدد قبل از حروف M و N شماره هر کد و عدد بعد از آن شماره هر متن یا مصاحبه را نشان می‌دهد. مثلاً 6N1 به معنای کد ششم در متن اول است و عدد 5M3 به معنای پنجمین کد از سومین مصاحبه است.

در مرحله کدگذاری باز تمام داده‌ها با استفاده از حروف رمزگذاری تمامی داده‌ها با استفاده از حروف آغاز شد. در این مرحله با مطالعه دقیق همه مصاحبه‌های پیاده شده و متون استخراج شده نسبت به اختصاص یک کد مشخص به هر بخش اقدام شد. بدین ترتیب فرآیند شناسایی رشته‌ها و برچسب‌گذاری اولیه انجام شد. جدول زیر نمونه‌ای از این فرآیند را نشان می‌دهد که نشانگر غنای زیاد داده‌هاست

جدول ۱. نمونه‌ای از کدهای باز استخراج شده و مضامین مرتبط

شماره	متن / مصاحبه	نکات کلیدی	کد (مضمون فرعی)
6N1	متن ۱	دانشگاهیان یادآور می‌شوند که صنعت برای بهبود شرایط موجود به متخصصان نیاز دارد.	مشخص کردن نیازهای دوجانبه در تعاملات
28N2	متن ۲	ارتباط صنعت و دانشگاه بر رشد صنعت و زندگی مردم اثر می‌گذارد.	رفع نیازهای صنایع، بازار و مردم
78N4	متن ۴	ایجاد پژوهشگاه‌های وابسته به دانشگاه برای رفع نیازهای صنعت.	ایجاد ساختارهای نوین پژوهشی
24M1	مصاحبه ۱	مراکز تحقیقاتی مشترک نقش مهمی در پیوند صنعت و دانشگاه دارند.	ایجاد ساختارهای نوین پژوهشی
18M3	مصاحبه ۳	دانشجویان باید مهارت‌های خاص کسب کنند تا در بازار کار موفق شوند.	متناسب‌سازی فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازار

در مرحله کدگذاری محوری، مضامین فرعی بر اساس مشابهت‌های مفهومی در گروه‌های جامع‌تر ادغام شدند و مضامین محوری شکل گرفتند. در این مرحله بیست مضمون محتوایی شناسایی شد. جدول زیر نمونه‌ای از چگونگی شکل‌گیری مضامین فرعی و تبدیل آن‌ها به مضامین محوری را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده فرآیند پالایش داده‌ها و کاهش خطاهای احتمالی از طریق مطالعه مکرر و نشانه‌گذاری دقیق است:

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

جدول ۲. نمونه‌ای از چگونگی شکل‌گیری مضامین فرعی و تبدیل آن‌ها به مضامین محوری

کدگذاری محوری (مضامین محوری)	کدگذاری باز (مضامین فرعی)	نکات کلیدی	نشانگر
توجه به بازارمحوری و کاربردی کردن رشته‌های دانشگاهی	مسئله‌محور کردن پایان‌نامه‌های دانشگاهی	راه‌حل‌های پایان‌نامه‌ها با سرمایه‌گذاری صنعت عملیاتی‌تر هستند.	22M1
توجه به بازارمحوری و کاربردی کردن رشته‌های دانشگاهی	لزوم ایجاد رشته‌های نوپدید متناسب با نیاز صنایع	ایجاد تعادل بین مقاله‌محوری و طرح‌های صنعتی با بازنگری دروس و حضور صنعت در دانشگاه	11M4
توجه به بازارمحوری و کاربردی کردن رشته‌های دانشگاهی	متناسب‌سازی فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازار	کسب مهارت‌های خاص برای موفقیت در بازار کار	18M3
ایجاد و توسعه مراکز علمی، پژوهشی و فناوریانه	ایجاد ساختارهای نوین پژوهشی	مراکز تحقیقاتی مشترک برای پیوند صنعت و دانشگاه	24M1
ایجاد و توسعه مراکز علمی، پژوهشی و فناوریانه	ایجاد ساختارهای نوین پژوهشی	پژوهشگاه‌های وابسته به دانشگاه برای رفع نیازهای صنعت	78N4

در مرحله کدگذاری گزینشی، مضامین محوری به صورت یکپارچه در قالب یک مدل مفهومی برای ارتباط صنعت و دانشگاه مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای تلفیق شدند این مدل، فرآیندهای منجر به همکاری پایدار را تبیین کرده و با یادداشت‌های فنی پژوهشگر و بازخورد گروه کانونی پالایش شد جدول زیر ارتباط مضامین فرعی با مضامین محوری را به صورت جامع نشان می‌دهد:

جدول ۳. ارتباط مضامین فرعی با مضامین محوری

مضامین فرعی (شاخص‌ها)	مضامین محوری (ابعاد)
ارزیابی، نظارت و پایش جایگاه فناوری در توفیق صنایع کشور	دسترسی و توسعه تجهیزات فناوری‌های نوین
لزوم توسعه زیرساخت‌های ارتباط و فناوری	
لزوم تمرکز بر دانش‌بنیان شدن محصولات و افزایش سهم اقتصاد دانش‌بنیان	
به اشتراک‌گذاری و بهره‌مندی از تجربیات موفق و فناوری‌های نوین بین‌المللی	توجه به رقابت‌پذیری با بازارهای جهانی
پتانسیل‌های دانشگاه و صنعت در تبادل دانش و فناوری با سطح جهانی	
توجه به فاصله سطح نوآوری کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته	
لزوم بهره‌مندی از فناوری‌های نوین بین‌المللی برای رقابت	
ایجاد ساختار نوین پژوهشی و پژوهشگاه‌ها در کنار دانشگاه‌ها	ایجاد و توسعه مراکز علمی، پژوهشی و فناوریانه
تعریف راهبردهای جدید برای دفاتر ارتباط صنعت با دانشگاه	
حمایت از استارت‌آپ‌ها و خلق شرکت‌های دانش‌بنیان	
لزوم ارتباط و کشاندن مسائل صنعت به پارک‌های علم و فناوری	
تبیین سیاست‌های ارتباطی مؤثر بین دانشگاه و صنعت	بهبود مستمر

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی... / ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

فرآیند و ساختار روابط بین دانشگاه و صنعت	خاتمه دادن به روابط ناکارآمد و تعریف روابط نو
	لزوم تعامل بازیگران در چارچوب‌های سیاسی، اقتصادی، قانونی و گفتمانی
	لزوم وجود یک سیستم نظارتی کارآمد بر روابط دانشگاه و صنعت
نظام‌مند کردن رابطه بین دانشگاه و صنعت	تأسیس دانشگاه‌هایی با رویکردهای تخصصی
	تهیه، تنظیم و ارائه نظام‌نامه همکاری دوجانبه
	تبیین و تعیین منافع ملموس رابطه دو حوزه برای دانشگاه، صنعت و کشور
	لزوم ساده‌سازی فرآیندها
شفافیت و ارتباطات	توجه به اهمیت شفافیت و ارتباط آن با نظارت دقیق‌تر
	حل تعارض منافع سیاست‌گذاران و بخش خصوصی
	لزوم شفافیت در فرآیندها، اطلاعات و تصمیم‌گیری در رابطه دانشگاه و صنعت
	وضوح و شفافیت قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقررات
همکاری‌های تحقیقاتی و تأثیرات متقابل همکاری‌های بین دانشگاه و صنعت	توسعه ظرفیت‌های همکاری با حمایت از پروژه‌های مشترک دانشگاه و صنعت
	شکل‌گیری هماهنگی بین وزارتخانه‌های علوم و صنعت
	رفع نیازهای صنایع، بازار و مردم با روش‌های خلاقانه در تولید محصولات
	کیفی کردن پژوهش و معطوف کردن آن به نیازها و خلأهای صنعتی کشور
تدوین چشم‌انداز متناسب با سیاست‌های راهبردی دو حوزه	تلاش برای استقلال از وابستگی علمی صنایع به خارج
	توجه به برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی
	لزوم حرکت دانشگاه صنعت و جامعه به سمت شکل‌گیری یک گفتمان راهبردی مشترک
اعتمادسازی متقابل بین صنعت و دانشگاه	تعریف و اجرای برنامه‌های اعتمادآفرین بین دانشگاه و صنعت
	دلگرم کردن دانشجویان و دانشگاهیان به رابطه این دو نهاد
	لزوم باور آفرینی در صنعت به حل مشکلات توسط دانشگاه
تدوین رویکردهای تعاملی و شبکه‌سازی ارتباطی بین دو حوزه	تعریف، تدوین و برگزاری رویدادهای شبکه‌سازی
	لزوم تغییر رویکرد و اصلاح ساختار روابط بین دانشگاه و صنعت
	شبکه‌سازی از توانایی‌های دانشگاه‌های مختلف
تدوین الگوها و مدل‌های همکاری بین دو حوزه	اعطای فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در صنایع
	ایجاد، تقویت و حمایت از شرکت‌های زایشی
	برگزاری دوره‌های متنوع کارورزی و برقراری انواع بورس تحصیلی دانشجویان در صنایع
	طراحی و پیاده‌سازی الگوهای نوین ارتباطی
لزوم الگوبرداری از تجربیات موفق جهانی	ارتباط با اقتصاد جهانی جهت برخورداری از یافته‌های علمی جدید
	جلب همکاری علمی و مشاوره‌ای دانشگاه‌های بین‌المللی
	لزوم توجه به تجربیات موفق جهانی در برقراری رابطه بین دانشگاه و صنعت
لزوم رفع موانع جهت تسهیل ارتباط بین دو	تلاش برای تقریب نظام ارزشی دانشگاه و صنعت
	از بین بردن زمینه‌های بروز فساد در ارائه پروژه‌های پژوهشی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

حوزه	الزام به تعریف و تدوین اهداف عینی رابطه دانشگاه و صنعت
	لزوم شناسایی موانع ارتباطی دانشگاه و صنعت و تلاش برای رفع آن‌ها
	لزوم توجه به حقوق مالکیت معنوی
سیاست‌گذاری، حمایت و تشویق دولتی	تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی
	توجه به تجاری کردن، کاربردی کردن و توسعه تحقیقات
	تأمین منابع مالی و انسانی پروژه‌های مشترک دو حوزه
	تسهیل فرآیندهای اداری و قانونی و کاهش بوروکراسی‌های دست و پاگیر
توسعه برنامه‌های تحقیق و توسعه در دو حوزه	تحلیل و آسیب‌شناسی واحدهای تحقیق و توسعه
	تدوین استراتژی تحقیق و توسعه در دانشگاه و صنعت
	لزوم اهمیت بخشی و تعریف واحد تحقیق و توسعه برای پروژه‌های مشترک
لزوم شکل‌گیری و توسعه نهادهای واسط	ایجاد نهاد مستقل واسط برای نظارت بر همکاری این دو نهاد
	لزوم شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی به‌عنوان پل ارتباطی دانشگاه و صنعت
	تجربه موفق داخلی و جهانی در به‌کارگیری نهادهای واسط
پشتیبانی دولت از ترویج و توسعه کارآفرینی	لزوم ترویج، تقویت و پشتیبانی از فرهنگ کارآفرینی در جامعه
	حرکت به سمت شکل‌گیری دانشگاه‌های کارآفرین
	حرکت کشورها از اقتصاد مبتنی بر منابع طبیعی به اقتصاد مبتنی بر دانش
الزام به تعامل در خصوص نیازسنجی و برنامه‌ریزی آموزش دو حوزه	انتظارات چندمنظوره آموزشی فرهنگی و اقتصادی از دانشگاه
	اصلاح سیستم ارتقای اساتید دانشگاهی به سمت حل مشکلات صنایع
	راه‌اندازی آموزش‌های کاربردی عملی، مهارتی و کارگاهی
	لزوم ارتباط آموزشی با سطح بین‌الملل
توجه به بازار محوری و کاربردی کردن رشته‌های دانشگاهی	پایش نظام نیازسنجی و بازخورد گیری
	لزوم ایجاد رشته‌های نوپدید متناسب با نیاز صنایع در دانشگاه‌ها
	متناسب‌سازی فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازار کار و مهارت محور کردن آنان
	مسئله محور کردن پایان‌نامه‌های دانشگاهی
لزوم بازبینی و اصلاح نظام آموزشی از طریق اخذ بازخورد از صنعت	اصلاح سیستم ارتقای اساتید دانشگاهی به سمت حل مشکلات صنایع
	لزوم اصلاح سیاست‌های نظام آموزشی دانشگاه‌ها
	مسئولیت مدیران دانشگاهی در ایجاد روحیه خودباوری در دانشجویان
	ورود نیازهای صنایع به آموزه‌های دانشگاهی
لزوم تربیت نیروی انسانی متخصص و خلاق	توجه به ارزش‌آفرینی با نخبگان دانشگاهی
	اصلاح چرخه معیوب تربیت و به‌کارگیری نیروی انسانی کارآمد در کشور
	زمینه‌سازی برای حضور متخصصان صنعت در دانشگاه‌ها

مدل مفهومی ارائه‌شده، چارچوبی عملی برای سیاست‌گذاری و تقویت ارتباط پایدار صنعت و دانشگاه در ایران فراهم می‌کند. این یافته‌ها با اسناد بالادستی مانند سند چشم‌انداز هم‌راستا بوده و

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی... / ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

با وجود پیشرفت در ایجاد مراکز پژوهشی، همچنان شاخص شدت تحقیق و توسعه پایین‌تر از اهداف تعیین‌شده است (شریستا و گری، ۲۰۲۰). پایایی تحلیل با توافق بین‌کدگذار (۰/۸۱) و بازآزمون (۰/۷۸) و روایی آن از طریق بازخورد گروه کانونی ۱۲ نفره تأیید شد.

جدول ۵ نشان می‌دهد که کدام مضامین محوری نزدیکی و مقاربت بیشتری به هم دیگر دارند تا در کنار هم قرارگیری آن‌ها مضامین انتخابی شکل بگیرند.

جدول ۴. بررسی نزدیکی ارتباط مضامین محوری

مضامین انتخابی	مضامین محوری
فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و توسعه تجهیزات فناوری‌های نوین	توجه به رقابت‌پذیری با بازارهای جهانی
	دسترسی و توسعه تجهیزات و فناوری‌های نوین
	ایجاد و توسعه مراکز علمی و پژوهشی و فناوریانه
فرآیند بهبود مستمر متقابل بین دانشگاه و صنعت	بهبود مستمر فرآیند و ساختار روابط بین دانشگاه و صنعت
	نظام‌مند کردن رابطه بین دانشگاه و صنعت
	شفافیت و ارتباطات
شبکه ارتباطی تعاملات بین صنعت و دانشگاه	همکاری تحقیقاتی و تأثیرات متقابل همکاری بین دانشگاه و صنعت
	تدوین چشم‌انداز متناسب با سیاست‌های راهبردی دو حوزه
	اعتمادسازی متقابل بین صنعت و دانشگاه
	تدوین رویکردهای تعاملی و شبکه‌سازی ارتباطی دو حوزه
تدوین الگوهای همکاری مشترک	تدوین الگوها و مدل‌های همکاری بین دو حوزه
	لزوم الگوبرداری از تجربیات موفق جهانی
	لزوم رفع موانع جهت تسهیل ارتباط بین دو حوزه
سیاست‌های حمایتی و تشویقی دولت	سیاست‌گذاری، حمایت و تشویق دولتی
	توسعه برنامه‌های تحقیق و توسعه دو حوزه
	لزوم شکل‌گیری و توسعه نهادهای واسط
	پشتیبانی دولتی از ترویج و توسعه کارآفرینی
مهارت آفرینی و توانمندسازی نیروی انسانی	الزام به تعامل در خصوص نیازسنجی و برنامه‌ریزی آموزش دو حوزه
	توجه به بازار محوری و کاربردی کردن رشته‌های دانشگاهی
	لزوم تربیت نیروی انسانی متخصص و خلاق

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگویی برای تقویت ارتباط بین صنعت و دانشگاه مبتنی بر حکمرانی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

شبکه‌ای، به شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این رابطه پرداخت و چارچوبی جامع و کاربردی ارائه داد. یافته‌های این مطالعه نشان‌دهنده چالش‌های کلیدی مانند عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعت، کمبود زیرساخت‌های پژوهشی و موانع بوروکراتیک هستند. این چالش‌ها با مطالعات پیشین مانند قره‌چه و همکاران (۱۳۹۹) و کهریزی و همکاران (۱۴۰۲) هم‌راستا بوده و نشان می‌دهند که شکاف بین دانشگاه و صنعت در ایران همچنان یک مانع اساسی برای توسعه نوآوری و رقابت‌پذیری ملی است. با این حال، شناسایی فرصت‌هایی نظیر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و الگوبرداری از تجربیات جهانی، نقطه قوت این پژوهش در ارائه راهکارهای عملی است.

مدل مفهومی ارائه‌شده در این مطالعه، با چهار بعد اصلی (زیرساخت‌های همکاری، سیاست‌گذاری و شفافیت، اعتمادسازی و فرهنگ‌سازی، آموزش و نوآوری)، چارچوبی یکپارچه برای مدیریت تعاملات پیچیده بین دانشگاه و صنعت فراهم می‌کند. این مدل با تأکید بر حکمرانی شبکه‌ای که بر همکاری غیر سلسله‌مراتبی و مشارکت فعال ذی‌نفعان تمرکز دارد، از مدل‌های سنتی متمایز است. برخلاف مطالعات قبلی که عمدتاً بر موانع ساختاری یا راهکارهای کلی متمرکز بودند (مانند شریف‌زاده و کریمی، ۱۴۰۰)، این پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون و تحلیل محتوا عمق و غنای بیشتری به تحلیل کیفی داده‌ها بخشیده و روابط بین مضامین را به صورت نظام‌مند تبیین کرده است. این رویکرد با یافته‌های احمد و همکاران (۲۰۲۲) که بر فرآیندهای همکاری بین دانشگاه و صنعت تأکید دارند، هم‌خوانی دارد اما با تمرکز بر زمینه بومی ایران، نوآوری بیشتری ارائه می‌دهد.

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، نقش محوری زیرساخت‌های همکاری، مانند پژوهشگاه‌های مشترک و سامانه‌های یکپارچه، در تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه است. این یافته با مطالعات پلانتک و همکاران (۲۰۲۳) که بر اهمیت پروژه‌های مشترک دکتري با صنعت تأکید دارند، هم‌راستا است. با این حال، پژوهش حاضر با شناسایی ضرورت ایجاد نهادهای واسط و پارک‌های علم و فناوری، راهکارهایی عملی‌تر برای ایران ارائه می‌دهد، جایی که ناهماهنگی بین وزارتخانه‌های علوم و صنعت یکی از موانع اصلی است. این پیشنهادها می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های آینده در راستای تقویت زیرساخت‌های فناوری و نوآوری عمل کنند.

بعد سیاست‌گذاری و شفافیت در مدل پیشنهادی، بر لزوم وضوح قوانین، کاهش بوروکراسی و ایجاد سیستم‌های نظارتی کارآمد تأکید دارد. این یافته‌ها با پژوهش شریف‌زاده و کریمی (۱۴۰۰) که نشان داد ۸۶٪ قوانین ایران به صورت غیرمستقیم به ارتباط صنعت و دانشگاه مرتبط هستند، هم‌خوانی دارد. با این حال، این پژوهش با ارائه راهکارهای مشخص، مانند ساده‌سازی فرآیندهای قانونی و حل تعارض

شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی.../ایرانی کلور، لطف‌الهی حق، حیدری و رستم‌زاده

منافع، گامی فراتر برداشته و چارچوبی عملی برای اصلاح قوانین موجود پیشنهاد می‌کند. این موضوع به‌ویژه در ایران، با توجه به پیچیدگی‌های بوروکراتیک و عدم شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، از اهمیت بالایی برخوردار است.

اعتمادسازی و فرهنگ‌سازی به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد مدل، نقش حیاتی در کاهش بی‌اعتمادی متقابل بین دانشگاه و صنعت را برجسته می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برنامه‌های اعتمادآفرین، مانند رویدادهای شبکه‌سازی و تبادل دانش، می‌توانند به تقویت همکاری‌های پایدار منجر شوند. این نتیجه با مطالعه منگ و همکاران (۲۰۲۳) که بر نقش اعتماد تعاونی و ارتباطات مشارکتی در بهبود عملکرد نوآوری تأکید دارند، هم‌سو است. با این حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر فرهنگ‌سازی کارآفرینی و ایجاد گفتمان مشترک بین دانشگاه و صنعت، رویکردی بومی‌تر ارائه می‌دهد که می‌تواند در زمینه فرهنگی ایران مؤثر باشد.

بعد آموزش و نوآوری، با تأکید بر رشته‌های نوپدید و مهارت‌محوری، به عدم تطابق آموزش دانشگاهی با نیازهای صنعت پرداخته است. این یافته با پژوهش ایوانس و همکاران (۲۰۲۳) که همکاری‌های دانشگاه و صنعت را محرک تحول دیجیتال و آموزش پروژه محور می‌دانند، هم‌راستا است. با این حال، این مطالعه با پیشنهاد مسئله محور کردن پایان‌نامه‌ها و بازنگری نظام آموزشی، راهکارهایی عملی برای ایران ارائه می‌دهد که می‌تواند به تربیت نیروی انسانی متخصص و خلاق منجر شود. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت‌های موردنیاز بازار کار هستند، اهمیت دوچندانی دارد.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات بین‌المللی نشان‌دهنده شکاف‌هایی در زمینه نوآوری و زیرساخت‌های پژوهشی در ایران است. برای مثال، درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته مانند استرالیا و سنگاپور (پان و همکاران، ۲۰۲۳) از مدل‌های همکاری پروژه محور و شبکه‌های بین‌المللی بهره می‌برند، ایران همچنان با موانع ساختاری و فرهنگی مواجه است. این پژوهش با پیشنهاد الگوبرداری از تجربیات موفق جهانی و جلب همکاری دانشگاه‌های بین‌المللی، راهکاری برای کاهش این شکاف ارائه می‌دهد. این پیشنهاد می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در اقتصاد دانش‌بنیان و رقابت‌پذیری جهانی کمک کند.

از منظر سیاست‌گذاری، مدل پیشنهادی این پژوهش چارچوبی عملی برای هماهنگی بین دولت، دانشگاه و صنعت ارائه می‌دهد. ایجاد نهادهای واسطه، حمایت از استارت‌آپ‌ها و توسعه پارک‌های علم و فناوری از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به تحقق اهداف سند چشم‌انداز کمک کنند. با این حال، پایین بودن شاخص شدت تحقیق و توسعه (کمتر از ۱ در مقایسه با هدف ۴) نشان‌دهنده نیاز به

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

سرمایه‌گذاری بیشتر و اصلاح سیاست‌های موجود است. این یافته با انتقادات مطرح‌شده در متون (N14) هم‌راستا است و ضرورت بازنگری در بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی‌های کلان را برجسته می‌کند.

این پژوهش با وجود دستاوردهای قابل‌توجه، با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. حجم بالای داده‌های کیفی و تمرکز بر رویکرد اکتشافی ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود کرده باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با استفاده از رویکردهای آمیخته یا کمی، مدل پیشنهادی را اعتبارسنجی کنند. همچنین، بررسی موردی پروژه‌های موفق همکاری بین صنعت و دانشگاه در ایران می‌تواند به غنای یافته‌ها بیفزاید. بالاین‌حال، پایایی (توافق بین‌کدگذار ۰/۸۱ و بازآزمون ۰/۷۸) و روایی (تأیید گروه کانونی ۱۲ نفره) این مطالعه، اعتبار علمی آن را تضمین می‌کند.

درنتیجه، این پژوهش با ارائه الگویی مبتنی بر حکمرانی شبکه‌ای، گامی نو در جهت تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران برداشته است. این مدل با تأکید بر همکاری‌های بین‌سازمانی، شفافیت، اعتمادسازی و آموزش مهارت محور، می‌تواند به سیاست‌گذاران، مدیران دانشگاه و صنعتگران در طراحی استراتژی‌های مؤثر کمک کند. انتظار می‌رود با اجرای این راهکارها، شکاف موجود بین دانشگاه و صنعت کاهش‌یافته و به توسعه پایدار، نوآوری و رقابت‌پذیری ملی منجر شود. این مطالعه نه‌تنها خلأهای ادبیات پژوهشی را پر کرده، بلکه با ارائه چارچوبی بومی، راه را برای تحقیقات و اقدامات عملی آینده هموار می‌سازد.

منابع

- ۱) بازرگان، عباس. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، نشر دیدار، چاپ نهم، تهران.
- ۲) کهریزی، امیدعلی و کرمی چقاگلانی، رسول و جاسمی، کامران. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر ارتباط بهینه دانشگاه- صنعت در راستای توسعه اهداف اقتصادی، اولین همایش ملی پژوهش‌ها و فناوری‌های دانش‌بنیان در مدیریت و حسابداری، <https://civilica.com/doc/1773280>
- ۳) بریمان، خدیجه؛ عنایتی، ترانه و یوفی، رضا. (۱۳۹۹). ارائه مدل بازار دانش مبتنی بر ارتباط صنعت و دانشگاه، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۳، شماره ۵، ۴۳۲-۴۴۳. <http://edcbmj.ir/article-1-2267-fa.html>
- ۴) شفیعی، مسعود. (۱۳۹۸). طرح پژوهشی ارتباط دانشگاه و صنعت؛ چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۵) شاطریان، محمدمهدی؛ ۱۴۰۰، طرح‌های صنعتی و برگزیده دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم
- ۶) حسان، رضا؛ شریف‌زاده، رحمان و کریمی، المیرا (۱۴۰۰). ارتباط صنعت و دانشگاه؛ بررسی و تحلیل ابزارهای سیاستی در قوانین و مقررات ایران، سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲)، ۱۴۵-۱۶۶.
Doi: 10.22059/JPPOLICY.2021.82724
- ۷) عزیزی، خدیجه؛ رضایی، بیژن؛ حسین‌پور، مهدی. (۱۴۰۰). راهبردهای توسعه کارآفرینی در بستر ارتباط دانشگاه و صنعت مورد مطالعه: دفتر ارتباط با جامعه دانشگاه رازی، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۲۰(۴۷)، ۱۳-۱۳۳۶-۲۰.۴۷. Doi: 10.52547/JBMP.20.47.1336-13
- ۸) سلیمانی، حامد؛ حسین‌پور، داود و میرعلی، سید نقوی (۱۴۰۲). تدوین مدل بومی حکمرانی برای نظام سلامت ایران با رویکرد شبکه‌ای، حکمرانی و توسعه‌ای، ۳(۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
Doi: 10.22111/JIPAA.2023.414955.1136
- ۹) قره‌چه، منیژه؛ پریشانی، علی؛ عیوضی‌نژاد، سلمان؛ میرزایی، نقی (۱۳۹۹). الگوی اکتشافی ارتقای رابطه دانشگاه با صنعت، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۱(۴۳)، ۱-۲۰.
Doi: 20.1001.1.22286853.1399.11.43.1.4
- ۱۰) کریمی، عبدالغفار؛ پورشعابی، وحید؛ ناصری، بهاره و سرگلزایی، علیرضا (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای بر سیستم بانکداری کشور، فصلنامه ارزش‌آفرینی در مدیریت کسب‌وکار، ۳(۳)، ۲۵-۱۰۷۶۵۶-۲۰۲۳.
<https://doi.org/10.22034/jvcbm.2023.389645.107656-25>

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

- (۱۱) دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین رضا و دهقانی، مسعود؛ ۱۳۹۸، ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب، فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۱(۲): ۲۳۰-۲۳۳
DOI:10.22059/jipa.2019.277187.2501.۲۰۳
- (۱۲) جلالی‌خان‌آبادی، طاهره، الوانی، سیدمهدی، واعظی، رضا و قربانی زاده، وجه اله. (۱۳۹۹). طراحی الگوی حکمرانی شبکه‌ای در نظام سلامت کشور. علوم مدیریت ایران، ۱۵(۵۸)، ۱-۳۰.
SID. <https://sid.ir/paper/fa406519/>
- (۱۳) حسین لو، فرشته، زمانی مقدم، افسانه و سورانی یانچشمه، رضا. (۱۴۰۰). ارائه مدل ارتباط صنعت با دانشگاه در شهر تهران: مطالعه موردی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۲۳(۹۱)، ۱۱۳-۱۳۹؛
DOI: 10.22047/ijee.2021.284757.183
- (۱۴) محمودیان، امید؛ حیدری، علی؛ هاشمی، مهدی و مهرکام، مهرداد (۱۴۰۱). تدوین مدلی راهبردی برای بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتباط صنعت و دانشگاه (مورد مطالعه: واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران)، <https://civilica.com/doc/1504285>.
- (۱۵) مینایی، محمدرضا؛ نوری‌زاده، محبوبه و قانع‌راد، سیدمحمد امین (۱۳۹۸). بررسی ارتباط دانشگاه با صنعت از منظر خبرگان دانشگاهی، شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران،
<https://civilica.com/doc/996824>.
- (۱۶) کریمی، عبدالغفار؛ پورشهبابی، وحید؛ ناصری، بهاره و سرگلزایی، علیرضا، ۱۴۰۲، شناسایی ابعاد و مولفه‌های حکمرانی شبکه‌ای بر سیستم بانکداری کشور، فصلنامه ارزش‌آفرینی در مدیریت کسب و کار؛ ۱(۳)، ۲۵-۵۶
- (۱۷) سیمایی‌چافی، حسین و معمارزاده طهران، غلامرضا، ۱۴۰۱، طراحی مدل ظرفیت‌سازی حکمرانی شبکه‌ذای، فرآیند توسعه مدیریت، ۳۵(۱)، پیاپی ۱۱۹؛ ۲۵-۶۰؛
DOI:10.52547/jmdp,35.1.25
- (۱۸) منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس و حسینی مکارم، عاطفه، ۱۳۹۸، طراحی مدل حکمرانی شبکه‌ای در شهرداری تهران، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۳)، پیاپی ۲۷؛ ۱۰۹-۱۲۳ .
<http://iueam.ir/article-fa.html1248-1>
- 19) Addink, H. (2019). Good Governance: Concept and Context. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198841159.001.0001>
- 20) Ahmed, F., Fattani, M.T., Ali, S.R., & Enam, R.N. (2022). Strengthening the Bridge Between Academic and the Industry Through the Academia-Industry Collaboration Plan Design Model. Frontiers in Psychology, 13, 875940. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.875940>
- 21) Ankrah, S., & AL-Tabbaa, O. (2015). Universities–industry collaboration: A systematic review. Scandinavian Journal of Management, 31(3), 387-408. <https://doi.org/10.1016/j.scaman.2015.02.003>

- 22) Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- 23) Evans, N., Miklosik, A., & Du, J.T. (2023). University-industry collaboration as a driver of digital transformation: Types, benefits and enablers. *Heliyon*, 9(10), e21017. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e21017>
- 24) Klijn, E.H., & Koppenjan, J. (2015). *Governance networks in the public sector*. Routledge. ISBN: 0415707013. DOI: 10.4324/9781315887098
- 25) Farahi, M. M. and Beigi Nasrabadi, F. (2023). University and industry: From contracting relations to strategic partnerships; providing strategic role model in university-society relations. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 26(1), 97-122. DOI: <http://dx.doi.org/10.3126/jer.v2i0.7624> *Journal of Education and Research* Vol. 2, 2010 p.59-66
- 26) Steven van den oord, Patrick kenis, jorg roab, bart camber; 2023, Modest of network governance revisited :Assessing their prevalence, promise and limitations in the literature, public administration review. doi:10.1111/puar.13736:1564-1598
- 27) Krogh, A. H., & Triantafillou, P. (2024). Developing New Public Governance as a public management reform model. *Public Management Review*, 1–17. <https://doi.org/10.1080/14719037.2024.2313539>
- 28) Leong, K.M., Decker, D.J., Lauber, T.B., Raik, D.B., & Siemer, W.F. (2009). Overcoming jurisdictional boundaries through stakeholder engagement and collaborative governance: Lessons learned from white-tailed deer management in the U.S. In K. Andersson, M. Lehtola, E. Eklund, & P. Salmi (Eds.), *Beyond the Rural-Urban Divide: Cross-Continental Perspectives on the Differentiated Countryside and its Regulation (Research in Rural Sociology and Development, Vol. 14, pp. 221-247)*. Emerald Group Publishing Limited. [https://doi.org/10.1108/S1057-1922\(2009\)0000014012](https://doi.org/10.1108/S1057-1922(2009)0000014012)
- 29) Marinho, A., Silva, R.G., & Santos, G. (2020). Why Most University-Industry Partnerships Fail to Endure and How to Create Value and Gain Competitive Advantage through Collaboration – A Systematic Review. *Quality Innovation Prosperity*, 24(2), 34–50. <https://doi.org/10.12776/qip.v24i2.1389>
- 30) Meng, X., Di, K., Su, H., Jin, X., Lv, W., Huang, X., Wu, C., & Fan, L. (2023). The relationship between the interactive behavior of industry-university-research subjects and the cooperative innovation performance: The mediating role of knowledge absorptive capacity. *Frontiers in Psychology*, 13, 1077614. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1077614>
- 31) Nsanzumuhire, S.U., & Groot, W. (2022). Context Perspective on University–industry collaboration processes: A systematic review of literature. *Journal of Cleaner Production*, 258, 120861. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120861>

- 32) Ojo, A., & Mellouli, S. (2018). Deploying governance networks for societal challenges. *Government Information Quarterly*, 35(4), 106-112. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2016.04.001>
- 33) Pan, G., Seow, P.S., Shankararaman, V., & Koh, K. (2023). University-industry collaboration in project-based learning: Perspective and motivation of industry partners. *International Journal of Education*, 15(3), 18-32. https://ink.library.smu.edu.sg/soa_research/2018
- 34) Plantec, Q., Cabanes, B., Le Masson, P., & Weil, B. (2023). Early-career academic engagement in university-industry collaborative PhDs: Research orientation and project performance. *Research Policy*, 52(9), 104856. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2023.104856>
- 35) Provan, K.G., & Kenis, P. (2008). Modes of Network Governance: Structure, Management, and Effectiveness. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(2), 229-252. <https://doi.org/10.1093/jopart/mum015>
- 36) Wang, H., & Ran, B. (2023). Network governance and collaborative governance: A thematic analysis on their similarities, differences, and entanglements. *Public Management Review*, 25(6), 1187-1211. <https://doi.org/10.1080/14719037.2021.2011389>

یادداشت‌ها:

- 1) Klijn & Koppenjan
- 2) Ojo & Mellouli
- 3) Provan & Kenis
- 4) Wang & Ran
- 5) Addink
- 6) Nsanzumuhire & Groot
- 7) Ankrah & AL-Tabbaa
- 8) Provan & Kenis
- 9) Ojo & Mellouli
- 10) Krogh & Triantafillou
- 11) Plantec et al
- 12) Pan et al
- 13) Ahmed et al
- 14) Evans et al
- 15) Marinho et al
- 16) Thematic Analysis
- 17) Braun & Clarke

Identifying indicators, dimensions, and components of network governance in strengthening interaction between university and industry: An exploratory study

Seyed Jafar Irani Kolur¹

Maherkh Lotf Elahi²

Mojtaba Heydari³

Reza Rostamzadeh⁴

Receipt: 05/06/2025 Acceptance: 24/07/2025

Abstract

Effective collaboration between academia and industry is recognized as a key driver for national economic development and innovation. However, in Iran, this interaction faces numerous challenges that hinder the realization of its full potential. This research aims to identify the indicators, dimensions, and components of university-industry collaboration in Iran within the framework of network governance, and to present a model for improving these interactions. Employing a qualitative approach, utilizing thematic analysis and content analysis methods, the study gathered necessary data through semi-structured interviews with 15 experts from academia, industry managers, and policymakers, as well as content analysis of 15 selected texts. Sampling was conducted purposefully until theoretical saturation was reached. Data analysis was performed using open, axial, and selective coding methods with the assistance of MAXQDA24 software, resulting in the identification of 6 main components, 20 dimensions, and 66 key indicators. Key findings of this research indicate that to strengthen university-industry collaboration, supportive policies, including the establishment of efficient intermediary institutions and the reform of existing laws and regulations, are essential. Furthermore, fostering a culture of mutual trust and effective knowledge management are considered factors that reduce barriers and facilitate collaborations. The components influencing the university-industry relationship based on network governance include: providing infrastructure and developing equipment, developing communication networks, formulating joint collaboration models, offering supportive and incentive policies, and upskilling and empowering human resources. The conceptual model presented in this study provides a comprehensive framework for understanding and improving university-industry interactions with a network governance approach, and can serve as a basis for future policymaking and the operationalization of more effective collaborations in this domain.

Keywords

University-industry relationship, network governance, content analysis, content analysis

1-Department of Management, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran. seydjafar.iranikolur@iau.ir

2-Department of Management, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

(Corresponding Author) M.lotfollahi@iau.ac.ir

3-Department of Management, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran. Mojtaba.heydari@iau.ir

4-Department of Management, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran. reza.rostamzadeh@iau.ac.ir



تحلیل تطبیقی اصول مدیریت مذاکره در داستان قرآنی موسی و فرعون: بینش های کاربردی برای

تدوین استراتژی های مذاکره معاصر

فاطمه حق نژاد^۱

رسول عسگرپور^۲

احمد رضا شکرچی زاده^۳

رضا ابراهیم زاده دستجردی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

چکیده:

در عصر کنونی که سازمان ها با محیطی پویا، رقابتی و پر ابهام روبه رو هستند، مذاکره به عنوان یکی از اساسی ترین مهارت های رهبری و مدیریت جایگاهی محوری یافته است. مذاکره نه تنها ابزاری راهبردی برای تحقق اهداف سازمانی و حل مؤثر تعارضات محسوب می شود، بلکه بستری مناسب برای تصمیم گیری های حیاتی و توسعه تعاملات سازنده در درون و بیرون سازمان فراهم می آورد. هرچند امروزه نظریه ها و چارچوب های متعددی همچون مذاکره برد-برد، حل تعارض سازنده و مدل های ارتباطی نوین در متون مدیریت مطرح شده اند، پژوهش های میان رشته ای اخیر نشان می دهد بازخوانی روشمند منابع کلاسیک، به ویژه آموزه های متون دینی، می تواند به طراحی الگویی عمیق تر و انسانی تر از مدیریت مذاکره یاری رساند. قرآن کریم، به مثابه متنی جامع با رویکرد انسان محور و اخلاقی، اصول بنیادینی را در رابطه با مذاکره و مواجهه با قدرت نامتوازن ارائه می کند. این امر نشانگر آن است که رهبران موفق، اخلاق را در تصمیم گیری و تعاملات خود نهادینه می کنند و با تکیه بر صداقت، انصاف و مسئولیت پذیری، اعتماد و تعهد سازمانی را تقویت می نمایند. در این پژوهش، داستان تقابل و گفت و گوی حضرت موسی (ع) و فرعون به شیوه تحلیل تطبیقی مورد واکاوی قرار گرفته و ابعاد مهمی چون آمادگی ذهنی مذاکره کننده، تعهد به کرامت انسانی و حفظ گفت و گوی محترمانه، مدیریت رابطه و توازن قدرت ها و پایبندی به اخلاق حرفه ای به عنوان اصول کلیدی استخراج و با چارچوب های مذاکره معاصر مقایسه شده است. یافته ها نشان می دهد دینامیسم مذاکره موفق، محدود به فنون و تکنیک های صرف نیست؛ بلکه باید آن را فرایندی پیچیده اما انسانی دانست که نیازمند ترکیب عقلانیت راهبردی، قضاوت اخلاقی و رفتار عزت محور در تمامی مراحل تعامل است. این رویکرد می تواند به شکل گیری مدل هایی بومی، بینا فرهنگی و اخلاق محور در مذاکرات مدیریتی بینجامد و پیش برنده ارتقای کیفیت تصمیم گیری و تعاملات سازمانی باشد.

کلمات کلیدی:

استراتژی های مذاکره معاصر، تحلیل تطبیقی، حل تعارض، موسی و فرعون، سازمان

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. f.haghejad@iau.ac.ir

۲- استادیار، گروه مدیریت، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) r.asgarpour@phu.iaun.ac.ir

۳- استادیار، گروه مدیریت، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. ahmad_shekar2@hotmail.com

۴- استادیار، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. ebrahimzadeh@khuisf.ac.ir

مذاکره به عنوان یکی از مهارت‌های نرم کلیدی در مدیریت و رهبری، نقشی حیاتی در موفقیت‌های سازمانی ایفا می‌کند. (Alvarez, & Sahija, 2022) کمتر مدیری را می‌توان یافت که اهمیت این فرآیند پیچیده را در حل تعارضات، تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و ایجاد همکاری‌های مؤثر انکار کند. (Fisher et al., 2011) مذاکره، هنری است که مرزهای اختلاف را به پل‌های تفاهم و همکاری تبدیل می‌کند و این امر در عصر کنونی که تعاملات بین سازمانی و بین فرهنگی به صورت روزافزون افزایش یافته، بیش از پیش اهمیت یافته است (Lewicki & Polin 2013). مهارت‌های مذاکره مؤثر در دنیای پرسرعت امروز نه صرفاً یک مزیت رقابتی بلکه ضرورتی حیاتی برای مدیران، سیاست‌گذاران و فعالان عرصه‌های مختلف است. پژوهش‌های متعددی در دهه‌های اخیر به تحلیل و توسعه این مهارت پرداخته‌اند و مدل‌هایی همچون مذاکره مبتنی بر منافع مشترک، مدیریت قدرت و تحلیل رفتار مذاکره‌کنندگان را ارائه داده‌اند. (Dimotakis, et al., 2012)

باوجود پیشرفت‌های گسترده نظری و کاربردی در حوزه مذاکره، یکی از حوزه‌های مغفول در این زمینه، توجه ناکافی به ریشه‌های عمیق تاریخی، فرهنگی و دینی مذاکره است. متون کلاسیک و منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، دارای داستان‌ها و روایت‌هایی هستند که الگوهای متنوع و عمیقی از گفت‌وگو و تعامل را در خود جای داده‌اند. (Canavan & McCamley 2021) این منابع می‌توانند الهام‌بخش توسعه رویکردهایی بومی‌تر، اخلاق‌مدارتر و انسانی‌تر در مدیریت مذاکره باشند. داستان گفت‌وگوی موسی (ع) و فرعون یکی از برجسته‌ترین این روایت‌هاست که نه تنها ارزش معنوی دارد، بلکه چارچوبی عملی و زنده برای مدیریت مذاکره در شرایط دشوار، نابرابر و پرتنش ارائه می‌دهد. (Rensburg & Nicolaides, 2015)

در این داستان، موسی (ع) در مواجهه با قدرت مطلق و بی‌چون و چرای فرعون، از آمادگی ذهنی بالا، اتکا به تیمی وفادار به‌ویژه برادرش هارون و فن بیان روشن و منطقی بهره می‌برد تا در مذاکراتی پرتنش گام بردارد. برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، موسی (ع) از روش‌های نرم، مؤدبانه و مبتنی بر اقناع استفاده می‌کند و در سخت‌ترین شرایط نیز به حفظ اخلاق و ادب پایبند می‌ماند. (Ramdani, et al., 2024) این رویکرد، نه تنها با آموزه‌های مدیریت مذاکره مدرن همخوانی دارد بلکه به بعدی اخلاق‌مدار و انسانی توجه می‌کند که در بسیاری از مدل‌های غربی کمتر دیده می‌شود. (Santoso, & Batubara, 2024) از آماده‌سازی ذهنی، کنترل هیجانات، کار تیمی مؤثر گرفته تا مدیریت قدرت نامتوازن، تمام این مؤلفه‌ها در این روایت قرآنی به‌خوبی نمایان هستند.

اهمیت چنین رویکردی در فضای پیچیده و چند فرهنگی امروز بیش‌ازپیش روشن می‌شود (Bilro, et al., 2023). در جهان معاصر که مذاکره‌کنندگان با چالش‌های متعددی همچون تعارضات فرهنگی، تغییرات سریع محیطی و فشارهای سیاسی و اقتصادی مواجه هستند، بهره‌گیری از آموزه‌هایی که تلفیقی از دانش مدرن و خرد دینی و فرهنگی باشند می‌تواند راهگشا باشد (Hasra et al., 2025). این رویکرد چندبُعدی نه تنها ابعاد تکنیکی مذاکره را پوشش می‌دهد بلکه به بُعد انسانی، اخلاقی و معنوی نیز توجه دارد که می‌تواند باعث تثبیت احترام متقابل و ایجاد توافقات پایدار شود.

از این منظر، مطالعه و بازخوانی روایت موسی (ع) و فرعون، تنها یک تمرین تئوریک نیست، بلکه پیشنهادی عملی برای طراحی چارچوب‌های آموزشی بومی و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی ماست. این چارچوب می‌تواند در برنامه‌های آموزشی مدیریت، دوره‌های MBA و حتی آموزش رهبران دینی و فرهنگی کاربرد داشته باشد. (Faure, et al., 1993) چنین رویکردی می‌تواند فضای گفتگو را از حالت صرفاً ابزارمند کسب منافع به فرآیندی انسانی و اخلاقی برای حل تعارضات و ارتقاء تفاهم تبدیل کند (Tabassum, 2020).

همچنین، بازخوانی این روایت و تلفیق آن با نظریه‌های علمی مذاکره، زمینه‌ساز پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بیشتر خواهد بود؛ پژوهش‌هایی که منابع دینی را با دیدگاه‌های اجتماعی، مدیریتی و روان‌شناختی بررسی می‌کنند تا راه‌حلهایی بومی، جامع و کاربردی برای چالش‌های پیچیده عصر حاضر فراهم آورند (Curhan & Elfenbein, 2006). بدین ترتیب، الگوی مذاکره مبتنی بر آموزه‌های قرآنی می‌تواند الهام‌بخش مدیران، مذاکره‌گران حرفه‌ای، سیاست‌گذاران و حتی دیپلمات‌ها باشد تا در شرایط دشوار نیز ابعاد انسانی و اخلاقی مذاکره را فراموش نکنند و به‌عنوان حلقه مفقوده در بسیاری از مدل‌های غربی امروز جایگزین یا مکملی ارزشمند ارائه کنند.

تشریح مساله و معرفی آن: داستان موسی و فرعون در قرآن، یکی از پرتکرارترین و مهم‌ترین روایت‌هاست که در ۲۹۶ آیه ذکر شده و اهمیت ویژه‌ای در انتقال آموزه‌های مدیریتی و ارتباطی دارد (Fadli et al 2024). این داستان، نمونه‌ای بارز از مواجهه با رهبران مستبد و مدیریت مذاکره در شرایط بحرانی است. با توجه به چالش‌های فراوانی که موسی (ع) در برابر فرعون و نظام استبدادی او تجربه کرد، بررسی اصول و روش‌های مذاکره در این روایت می‌تواند الگوهای ارزشمندی برای مدیریت مذاکره در عصر حاضر ارائه دهد (Tanjung & Akbar 2023).

جنبه‌های مجهول و مبهم: باوجود مطالعات متعدد درباره ابعاد معنوی و تاریخی این داستان، ابعاد مدیریتی و اصول مذاکره به‌ویژه از منظر تطبیقی و کاربردی برای شرایط معاصر، کمتر موردتوجه

تحلیل تطبیقی اصول مدیریت.../حق‌نژاد، عسگریور، شکرچی‌زاده و ابراهیم‌زاده دستجردی

قرار گرفته است. هنوز به‌درستی روشن نیست که کدام اصول و راهبردهای مذاکره‌ای در رفتار موسی (ع) و فرعون قابل‌استخراج و تعمیم به مذاکرات امروزی است و چگونه می‌توان این آموزه‌ها را به استراتژی‌های عملیاتی در مدیریت مذاکره تبدیل کرد. (Schoen, 2022)

متغیرهای مربوطه: متغیرهای کلیدی این پژوهش شامل: سبک‌های مذاکره (نرم‌خویی، قاطعیت، استدلال منطقی)، واکنش به مقاومت و تهدید، نقش شواهد و معجزات در اقناع، مدیریت بحران و تغییر و تأثیر ساختار قدرت بر فرآیند مذاکره است (تقوی ۱۴۰۱)

هدف و منظور از تحقیق: هدف این تحقیق، استخراج و تحلیل تطبیقی اصول مدیریت مذاکره در داستان موسی و فرعون و ارائه بینش‌های کاربردی برای تدوین استراتژی‌های مذاکره معاصر است. این پژوهش می‌کوشد با بررسی دقیق آیات و تحلیل ساختاری و محتوایی، راهبردهای موفقیت‌آمیز و چالش‌های پیش‌روی مذاکره‌کنندگان را شناسایی و به مدیران و پژوهشگران حوزه مذاکره ارائه دهد.

پیشینه تحقیق: مطالعات مرتبط با مذاکره در حوزه مدیریت و رهبری طی دهه‌های اخیر در ایران و جهان رشد قابل‌توجهی داشته و از رویکردهای سنتی مبتنی بر چانه‌زنی و امتیازدهی به سمت الگوهای جامع‌تر، اخلاق‌مدار و انسان‌محور حرکت کرده است. (الوانی ۱۳۹۷) تأکید کرده است که موفقیت در مذاکره، بیش از آنکه حاصل تکنیک‌های لحظه‌ای باشد، وابسته به ایجاد اعتماد، مدیریت رابطه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است.

در عرصه جهانی نیز نظریه‌هایی چون مذاکره برد-برد فیشر و یوری (Fisher & Ury, 1981)، حل تعارض سازنده (Deutsch, 2000) و مدل‌های ارتباطی هوشمند (Lewicki et al., 2016) به همین نتیجه رسیده‌اند که مذاکره مؤثر ترکیبی از مهارت‌های استراتژیک، قضاوت اخلاقی و توانایی برقراری ارتباط سازنده است.

از سوی دیگر، جریان پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌های علوم رفتاری، مدیریت و مطالعات دینی (سیفعلی ئی و همکاران، ۱۳۹۷) نشان داده که بازخوانی منابع کلاسیک و متون دینی می‌تواند به کشف ابعاد عمیق‌تر مذاکره کمک کند. قرآن کریم، به‌عنوان متنی جامع و انسان‌مدار، اصول بنیادینی در رابطه با مواجهه با قدرت نامتوازن، مدیریت تعارض و حفظ کرامت انسانی ارائه می‌دهد.

یکی از نمونه‌های برجسته، داستان گفت‌وگوی حضرت موسی (ع) و فرعون است که در آن عناصری چون آمادگی ذهنی مذاکره‌کننده، شجاعت در بیان حقیقت، رعایت ادب حتی در مقابل مخالف و تلاش برای تغییر از مسیر گفت‌وگو به‌وضوح قابل‌مشاهده است. هرچند برخی پژوهش‌ها (رحمانی، ۱۳۹۹)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

به‌طور محدود به این موضوع پرداخته‌اند، اما هنوز ظرفیت بالایی برای استخراج اصول مدیریتی و مذاکره از این داستان وجود دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل تطبیقی، اصول مذاکره در داستان موسی و فرعون را استخراج کرده و آن‌ها را باهدف ارائه الگویی بومی، اخلاق محور و قابل انطباق با شرایط مدیریتی امروز ایران، با چارچوب‌های مذاکره معاصر مقایسه می‌کند.

یافته‌های (Yadav, Kohli, & Kumar 2016) نشان می‌دهد افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، در فرآیند مذاکره گرایش بیشتری به انتخاب راهبردهای اخلاقی و منصفانه دارند. همچنین، یاداو و کومار تأکید می‌کنند که عوامل دیگری مانند شرایط محیطی و ساختارهای سازمانی نیز می‌توانند نقش مؤثری در گرایش مذاکره‌کنندگان به اتخاذ رویکردهای اخلاقی ایفا کنند که این نکته در بستر تاریخی و اجتماعی داستان نیز قابل بررسی است.

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش با رویکردی کیفی و ماهیتی تفسیری طراحی شده است تا امکان تحلیل عمیق و مفهومی یک روایت قرآنی فراهم شود. چارچوب اصلی روش‌شناسی مبتنی بر تحلیل مضمون است (Janis, 2022) که یکی از معتبرترین روش‌های کیفی برای استخراج الگوها و مضامین پنهان در متون دینی و فرهنگی به شمار می‌رود. (Guest et al., 2011) داده‌های اصلی تحقیق، آیات منتخب از سوره‌های طه، قصص، اعراف، شعرا و نازعات هستند که تعامل موسی (ع) و فرعون را توصیف می‌کنند. (Elo et al., 2014) این آیات بر اساس معیارهایی چون میزان ارتباط با فرآیند مذاکره، مدیریت تعارض و رفتار ارتباطی انتخاب و کدگذاری شده‌اند. (Ahmed, et al., 2025)

فرآیند تحلیل در چند مرحله انجام شده است: در مرحله نخست، متن آیات به‌دقت ترجمه و بازخوانی شد تا معانی آشکار و ضمنی استخراج شود. سپس کدگذاری باز انجام گرفت و مفاهیم کلیدی مرتبط با مهارت‌های مذاکره مانند آمادگی ذهنی، اقناع، مدیریت قدرت و ارتباط نرم شناسایی شد (Alexe, 2025). در مرحله بعدی، کدهای مفهومی مشابه در قالب مقوله‌های اصلی ترکیب شدند و مضمون‌های نهایی تدوین شد. (Elo et al., 2014) برای اعتباربخشی یافته‌ها، از روش تطبیق نظری استفاده شد؛ بدین معنا که مضامین استخراج‌شده با مدل‌های علمی و نظریه‌های مذاکره معاصر مقایسه گردید. (Ahmed, et al., 2025) همچنین، یافته‌ها در قالب جدول تحلیلی ارائه شدند تا شفافیت داده‌ها و قابلیت ردیابی نتایج برای سایر پژوهشگران فراهم باشد. (Guest et al., 2011) این رویکرد ترکیبی از تحلیل متنی و تطبیق نظری، امکان بررسی مقایسه‌ای میان آموزه‌های سنتی و چارچوب‌های علمی را میسر ساخته است. (Basiru, et al., 2023)

تحلیل تطبیقی اصول مدیریت.../حق نژاد، عسگریور، شکرچی زاده و ابراهیم زاده دستجردی

درنهایت، با توجه به ماهیت تفسیری تحقیق، تلاش شده است سوگیری پژوهشگر با بازبینی‌های مکرر و ارزیابی توسط همکاران علمی به حداقل برسد (Ahmed, et al., 2025). این روش‌شناسی ضمن حفظ دقت کیفی، امکان تعمیم‌پذیری مفاهیم به سایر متون دینی و فرهنگی مشابه را نیز فراهم می‌کند (Cardon et al., 2014) و بستری مناسب برای توسعه چارچوب‌های بومی 2010 آموزش مذاکره در مدیریت معاصر به وجود می‌آورد؛ (Elo et al., 2014)

یافته‌ها:

بررسی آیات منتخب از داستان گفت‌وگوی موسی (ع) و فرعون، نشان می‌دهد که اصول مدیریت مذاکره در این روایت قرآنی به صورت نظام‌مند و کاربردی بیان شده است. هر آیه علاوه بر پیام معنوی، حامل آموزه‌های مدیریتی و استراتژیک است که قابل تطبیق با نظریه‌های مدرن مذاکره است. یافته‌های کلیدی در جدول ۱ آمده است::

جدول ۱: اصول مدیریتی و تطبیق با نظریه مذاکره در داستان موسی (ع) و هارون

آیه	مضمون آیه	اصل مدیریتی	تطبیق با نظریه مذاکره
طه: ۲۵-۲۸	دعای موسی (ع) برای شرح صدر و گشایش زبان	آمادگی روانی و ذهنی	اهمیت آمادگی روانی و توان بیان در ادبیات نوین مذاکره
طه: ۳۲	درخواست همراهی برادر	مذاکره تیمی	تقسیم وظایف و بهره‌گیری از توان جمعی
طه: ۴۴	دستور به نرم‌گویی با فرعون	ارتباط مؤدبانه	مذاکره مبتنی بر احترام و کاهش تنش
شعراء: ۳۳-۳۰	نشان دادن معجزات	اقناع مبتنی بر شواهد	استفاده از داده و شواهد در مذاکره حرفه‌ای
نازعات: ۱۷-۲۰	مقاومت فرعون	مدیریت مقاومت	آمادگی برای مواجهه با تعلل یا مخالفت طرف مقابل
قصص: ۳۲-۳۵	تأکید بر آرامش و شجاعت	کنترل هیجانات	خودکنترلی در موقعیت‌های بحرانی
اعراف: ۱۰۵-۱۰۴	معرفی پیام روشن	شفاف‌سازی پیام	پرهیز از ابهام در پیام‌رسانی مذاکره‌ای

آمادگی روانی و ذهنی^۱:

دعای موسی (ع) برای «شرح صدر» و «گشایش زبان» به معنای طلب آمادگی روانی، قدرت بیان و اطمینان در مذاکرات است. این موضوع کاملاً با تحقیقات معاصر که تأکید بر آمادگی ذهنی مذاکره‌کنندگان دارند، همسو است. فردی که به لحاظ ذهنی و عاطفی آماده باشد، توانایی بالاتری در مدیریت فشارها و اتخاذ تصمیمات هوشمندانه دارد.

مذاکره تیمی و تقسیم نقش‌ها^۲:

درخواست موسی (ع) برای همراهی برادرش هارون (ع) نشان‌دهنده اهمیت مذاکره تیمی است. تیم

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

مذاکره‌کننده با استفاده از تخصص‌ها و مهارت‌های مختلف، قدرت و نفوذ بیشتری خواهد داشت. این موضوع با نظریه‌های نوین «تیم مذاکره» که نقش تقسیم وظایف و هماهنگی را برجسته می‌کنند، مطابقت دارد.

ارتباط مؤدبانه و کاهش تنش^۳:

فرمان به نرم‌گویی به فرعون، نمونه بارزی از استفاده از ارتباط مؤدبانه برای کاهش مقاومت و تنش است. در نظریه‌های مذاکره، «ارتباط نرم^۴» باعث می‌شود فضای مذاکره مثبت و سازنده باقی بماند و امکان تعامل مؤثر فراهم شود.

اقناع مبتنی بر شواهد^۵:

موسی (ع) با نمایش معجزات به دنبال اقناع فرعون بود. استفاده از شواهد و داده‌های معتبر در مذاکره، باعث افزایش اعتماد و پذیرش طرف مقابل می‌شود. در مذاکره مدرن، ارائه مستندات و شواهد علمی به‌عنوان ابزار قوی اقناع شناخته شده است.

مدیریت مقاومت^۶:

مقاومت فرعون نمونه‌ای از «مقاومت ساختاری» در مذاکره است که نیازمند استراتژی‌های خاص مقابله است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شناخت و پیش‌بینی مقاومت‌ها، کلید موفقیت در مذاکرات دشوار است.

کنترل هیجانات^۷:

آرامش و شجاعت موسی (ع) در مواجهه با فرعون، بیانگر اهمیت مدیریت هیجانات در موقعیت‌های پرتنش است. توانایی کنترل هیجان، یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت مذاکرات ایفا می‌کند.

شفاف‌سازی پیام^۸:

ارائه پیام روشن و بدون ابهام به فرعون، مثالی از اهمیت وضوح در انتقال پیام است. شفاف بودن در مذاکره، باعث کاهش سوء تفاهم‌ها و تسریع در رسیدن به توافق می‌شود.

ابعاد اخلاقی مذاکره:

برخلاف بسیاری از مدل‌های مذاکره مدرن که بیشتر تکنیکی و تاکتیکی هستند، این روایت قرآنی تأکید ویژه‌ای بر اخلاق‌مداری، عدالت و صداقت دارد. این ویژگی، نگاه جامع‌تری به مذاکره ارائه می‌دهد

تحلیل تطبیقی اصول مدیریت.../حق نژاد، عسگریور، شکرچی زاده و ابراهیم زاده دستجردی

که هم نتیجه محور و هم فرآیند محور است.

تطبیق با مذاکره بین فرهنگی:

مذاکره در داستان موسی (ع) و فرعون نمایانگر چالش‌های مذاکره میان فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف است. رفتارهای نرم، احترام به تفاوت‌ها و استفاده از زبان مشترک، نکات کلیدی در مذاکره بین فرهنگی مدرن هستند که در این روایت به خوبی دیده می‌شوند.

مدیریت قدرت نابرابر:

فرعون به عنوان طرف قدرتمند مذاکره، نماد قدرت نابرابر است. راهکارهای موسی (ع) برای مواجهه با این عدم توازن قدرت (مانند آمادگی، همراهی تیمی و ارتباط نرم) می‌تواند الگویی برای مدیریت مذاکراتی با قدرت نامتوازن باشد.

بحث و تحلیل:

مطالعه حاضر نشان می‌دهد اصول استخراج شده از داستان گفت‌وگوی موسی (ع) و فرعون، هنوز پس از قرن‌ها، در دل مفاهیم پیشرفته مذاکره مدرن نفس می‌کشند. عناصر مهمی مانند آمادگی روانی و ذهنی، کار تیمی هوشمندانه، توانایی برقراری ارتباطی مؤدبانه و بدون تنش، مدیریت هیجانات در لحظات بحرانی و اقناع منطقی بر پایه شواهد متقن، مؤلفه‌هایی هستند که مذاکره‌گران حرفه‌ای امروز در جلسات حساس تجاری، دیپلماتیک یا سازمانی نیز بر آن‌ها تأکید می‌کنند. (Lewicki & Polin 2013; Fisher et al., 2011).

اما آنچه این روایت را از چارچوب‌های صرفاً تکنیکی متمایز می‌سازد، روح اخلاق‌مدار و نگاه الهی حاکم بر آن است. (Alexe, 2025) در دنیایی که مذاکره اغلب با چانه‌زنی صرف و بازی قدرت تعریف می‌شود، این داستان یادآور می‌شود که می‌توان در سخت‌ترین میزهای مذاکره نیز به اصولی چون عدالت، ادب و صداقت وفادار ماند. (Bazerman & Neale, 1992) این همان بُعدی است که مدل‌های غربی مذاکره کمتر به آن می‌پردازند و دقیقاً همین نگاه انسانی و ارزش محور می‌تواند به عنوان یک حلقه مفقوده در بسیاری از الگوهای آموزشی امروز ایفای نقش کند. (Ahmed, S., & Adnan, M. 2024)

نمونه روشن این موضوع، مواجهه موسی (ع) با قدرت بی‌چون و چرای فرعون است؛ در شرایطی که تمام ابزارها، رسانه‌ها و قدرت سیاسی در دست حریف بود. (Ashbrook, & Zalba, 2021)

موسی (ع) با آمادگی ذهنی، اتکا به هم تیمی وفادار (هارون)، شجاعت، آرامش و اقناع منطقی توانست گام به گام مذاکره را پیش ببرد. (Dimotakis, et al., 2012) این روایت نشان می‌دهد که

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

مذاکره‌گر حتی در موقعیت‌های نابرابر قدرت هم می‌تواند با استفاده از راهکارهای نرم و هوشمندانه بر فضای مذاکره اثر بگذارد و مسیر گفتگو را تغییر دهد. (Fisher et al., 2011)

از منظر امروزی، این آموزه‌ها ظرفیت آن را دارند که وارد آموزش رسمی مذاکره شوند (Al-Badawi, et al., 2024)؛ از کلاس‌های دانشگاهی مدیریت و MBA گرفته تا برنامه‌های آموزش رهبران دینی، فرهنگی و سیاسی (Lewicki & Polin 2013). ترکیب تجربه تاریخی، الهام اخلاقی و انطباق با چارچوب‌های علمی جدید، الگویی چندبُعدی می‌سازد که مذاکره را از یک «ابزار صرف کسب منفعت» به «فرآیندی انسانی برای حل تعارض، تقویت احترام متقابل و دستیابی به توافقات پایدار» تبدیل می‌کند. (Ahmed, et al., 2025)

از این زاویه، بازخوانی این روایت نه فقط یک تمرین تئوریک، بلکه پیشنهادی عملی برای توسعه مدل‌های بومی‌سازی‌شده مذاکره در بسترهای چند فرهنگی امروز است؛ الگویی که می‌تواند الهام‌بخش مدیران، مذاکره‌گران حرفه‌ای، سیاست‌گذاران و حتی دیپلمات‌ها باشد تا در چالش‌های پیچیده، ابعاد انسانی و اخلاقی گفتگو را از یاد نبرند. (Guest et al., 2011)

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که داستان موسی (ع) و فرعون، فقط یک روایت تاریخی یا دینی نیست، بلکه منبعی عملی برای مدیریت مذاکره است. اصولی چون آمادگی ذهنی، کار تیمی، ارتباط محترمانه، شفاف‌سازی پیام و اقناع با شواهد، همگی در این داستان جلوه‌گر است و با نظریه‌های علمی امروز همخوانی دارد.

اما نقطه تمایز این الگو، بُعد اخلاقی و الهی آن است که بر عدالت، صداقت و ادب در مذاکره تأکید می‌کند. این ارزش‌ها می‌توانند رهبران و مدیران را در مسیر مذاکره‌ای پایدار و انسانی یاری دهند. در دنیای امروز که تعارض‌ها اجتناب‌ناپذیرند، توجه به متون دینی می‌تواند مهارت‌های نرم را عمق ببخشد و اخلاق را با تکنیک پیوند بزند.

پیشنهاد می‌شود روایت‌های دینی دیگر نیز با مدل‌های نوین تطبیق یابند تا چارچوبی بومی و جامع برای آموزش مذاکره فراهم شود؛ چارچوبی که در آن منفعت و اخلاق در تعادل باشند.

این مسیر می‌تواند راهگشای مذاکره‌های سازمانی و بین فرهنگی باشد و به رهبران کمک کند تا حتی در فضای قدرت نابرابر هم مذاکره‌ای مؤثر و منصفانه را پیش ببرند.

منابع:

- 1) Ahmed, S. K., Mohammed, R. A., Nashwan, A. J., Ibrahim, R. H., Abdalla, A. Q., Ameen, B. M. M., & Khahir, R. M. (2025). Using thematic analysis in qualitative research. *Journal of Medicine, Surgery, and Public Health*, 6, 100198. <https://doi.org/10.1016/j.glmedi.2025.100198>
- 2) Ahmed, S., & Adnan, M. (2024). Building bridges between different religious communities. *Tanazur*, 5(2), 204-228. <https://tanazur.com.pk/index.php/tanazur/article/view/249>
- 3) Al-Badawi, M., Al-Tarawneh, A., Murshed, A. A., alrahamneh, A., & Alhalalmeh, A. H. (2024). Investigating the Impact of Language Choices and Strategies on International Business Negotiations, Marketing Campaigns, and Cross-Cultural Collaborations. In *Frontiers of Human Centricity in the Artificial Intelligence-Driven Society 5.0* (pp. 443-449). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-73545-5_37
- 4) Alexe, C. A. (2025). Interest-based negotiation: from conflict to cooperation. In *Psychological Adaptation and Conflict Resolution: Negotiation Techniques for Promoting Emotional Well-Being and Social Responsibility in Adolescents, Young Adults, and Professionals* (pp. 77-83). Universidad de La Rioja.
- 5) Alvani, Seyed Mehdi. (2018). *Public Management*. Tehran: Nay Publishing House.
- 6) Ashbrook, C. C., & Zalba, A. R. (2021). Social media influence on diplomatic negotiation: Shifting the shape of the table. *Negotiation journal*, 37(1), 83-96. <https://doi.org/10.1111/nejo.12353>
- 7) Alvarez, S. C., & Sahija, D. (2022). A review of cross-cultural leadership and management in international projects. *Technoarete Transactions on Economics and Business Systems*, 1(2), 23-28. ISSN : 2583-4649 (Online)
- 8) Basiru, J. O., Ejiofor, C. L., Onukwulu, E. C., & Attah, R. U. (2023). The impact of contract negotiations on supplier relationships: A review of key theories and frameworks for organizational efficiency. *International Journal of Multidisciplinary Research and Growth Evaluation*, 4(1), 788-802. <https://doi.org/10.54660/IJMRGE.2023.4.1.788-802>
- 9) Bazerman, M. H., & Neale, M. A. (1993). *Negotiating rationally*. Simon and Schuster.
- 10) Bilro, R. G., Loureiro, S. M. C., & Souto, P. (2023). A systematic review of customer behavior in business-to-business markets and agenda for future research.

- Journal of Business & Industrial Marketing, 38(13), 122-142.
<https://doi.org/10.1108/JBIM-07-2022-0313>
- 11) Braun, V., & Clarke, V. (2021). Thematic analysis: A practical guide. <https://docs.lib.purdue.edu/rpcg/vol1/iss1/2>, Sage Publications
- 12) Canavan, B., & McCamley, C. (2021). Negotiating authenticity: Three modernities. *Annals of Tourism Research*, 88, 103185. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2021.103185>
- 13) Cardon, Peter and Okoro, Ephraim (2010) "A Meta-Analysis of the Cultural Propositions about Conflict Management Styles in Face-Negotiation Theory," *Journal of Rhetoric, Professional Communication, and Globalization: Vol. 1: No. 1, Article 2.* <https://docs.lib.purdue.edu/rpcg/vol1/iss1/2>
- 14) Curhan, J. R., Elfenbein, H. A., & Xu, H. (2006). What do people value when they negotiate? Mapping the domain of subjective value in negotiation. *Journal of personality and social psychology*, 91(3), 493. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.91.3.493>
- 15) Dimotakis, N., Conlon, D. E., & Ilies, R. (2012). The mind and heart (literally) of the negotiator: personality and contextual determinants of experiential reactions and economic outcomes in negotiation. *Journal of Applied Psychology*, 97(1), 183. <https://doi.org/10.1037/a0025706>
- 16) Elo, S., Kääriäinen, M., Kanste, O., Pölkki, T., Utriainen, K., & Kyngäs, H. (2014). Qualitative Content Analysis: A Focus on Trustworthiness. *SAGE Open*, 4(1). <https://doi.org/10.1177/2158244014522633>
- 17) Fadli, M., Yunus, B., Sarbini, A., & Kosasih, E. (2024). The Story of the Prophet Moses and the Pharaoh in the Qur'an: An Analysis of the Implementation of Structural Da'wah. *Hanifiya: Jurnal Studi Agama-Agama.* <https://doi.org/10.15575/hanifiya.v7i2.37949>.
- 18) Faure, G. O., Faure, G., & Rubin, J. Z. (Eds.). (1993). *Culture and negotiation: The resolution of water disputes.* Sage.
- 19) Fisher, R., Ury, W. L., & Patton, B. (2011). *Getting to yes: Negotiating agreement without giving in.* Penguin.
- 20) Guest, G., MacQueen, K. M., & Namey, E. E. (2011). *Applied thematic analysis.* sage publications.
- 21) Hasra, R., Sah, M. A., Mashuri, S., & Ubadah, U. (2025). Avoiding Social Discord via Islamic Religious Education Rooted in Multiculturalism Islamic Religious Education. *Maharot: Journal of Islamic Education*, 9(1), 97-115. <https://doi.org/10.28944/maharot.v9i1.2078>
- 22) Ali, M. M. (2011). *Holy Quran.* Ahmadiyya Anjuman Ishaat Islam Lahore USA <http://www.books4islam.com>

- 23) Janis, I. (2022). Strategies for establishing dependability between two qualitative intrinsic case studies: A reflexive thematic analysis. *Field Methods*, 34(3), 240-255. <https://doi.org/10.1177/1525822X211069636>
- 24) Lewicki, R. J., & Polin, B. (2013). Trust and negotiation. In *Handbook of research on negotiation* (pp. 161-190). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781781005903.00016>
- 25) Nasution, H. S. (2023, February). Negotiation in Business Communication on Entrepreneurship. In *Proceeding Medan International Conference on Economic and Business* (Vol. 1, pp. 2222-2234). <https://doi.org/10.30596/miceb.v1i10.335>
- 26) Ramdani, A., Raji, R., & Ahmad, M. K. (2024). Exploring the concept and the communication principles of negotiation among Islamic corporate organizations. *Journal of Islamic Marketing*, 15(4), 1115-1135.
- 27) <https://doi.org/10.1108/JIMA-01-2023-0027>
- 28) Santoso, F. S., & Batubara, I. (2024). The Concept of Justice in the Perspective of Islamic Law: A Comparative Study with Western Legal Philosophy. *At-Tasyrih: jurnal pendidikan dan hukum Islam*, 10(2), 410-421. <https://doi.org/10.55849/attasyrih.v10i2.263>
- 29) Schoen, R. (2022). Getting to Yes in the cross-cultural-context: 'one size doesn't fit all'—a critical review of principled negotiations across borders. *International Journal of Conflict Management*, 33(1), 22-46. <https://doi.org/10.1108/IJCMA-12-2020-0216>
- 30) Seyfaliei, F. , morovati, S. and hoseyninia, S. M. (2018). Representation of Conflict Management Styles and Conflict Resolution Strategies in the Holy Quran. *Journal of Social Work Research*, 5(17), 151-190. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2018.11896>
- 31) Tabassum, I. (2020). The importance of negotiation and conflict management. *Journal of Management and Science*, 10(2), 15-19. <https://doi.org/10.26524/jms.2020.2.4>
- 32) Taghavi, M. (2022). Where there is a Will, there is not a Way: A Contemplation on Excuses of Birds in the Conference of the Birds (Mantegh Al-Tair). *Textual Criticism of Persian Literature*, 14(3), 19-36. <https://doi.org/10.22108/rpll.2022.130278.2002>
- 33) Tanjung, F. H., & Akbar, A. (2023). Prophetic Communication of Islamic and Christian Religious Leaders in Overcoming Conflict of Religious Harmony (Social Studies at Griya 1, Martubung Village, Medan City). *Jhss (Journal of Humanities and Social Studies)*, 7(1), 139-143. <https://doi.org/10.33751/jhss.v7i1.7487>

- 34) Van Rensburg, M. J., & Nicolaides, A. (2015). An analysis of theological and strategic management perspectives of Moses as a leader. *Pharos Journal of Theology*, 96(1). Online @[http://: www.pharosjot.com](http://www.pharosjot.com)
- 35) Yadav, S., Kohli, N., & Kumar, V. (2016). Spiritual intelligence and ethics in negotiation. *Journal of Psychosocial Research*, 11(1), 43.www.printspublications.com

یادداشت‌ها:

4 soft approach

۱طه: ۲۵-۲۸

۲طه: ۳۲

۳طه: ۴۴

۵شعراء: ۳۰-۳۳

۶نازعات: ۱۷-۲۰

۷قصص: ۳۲-۳۵

۸اعراف: ۱۰۴-۱۰۵

A Comparative Analysis of Negotiation Management Principles in the Qur'anic Story of Moses and Pharaoh: Practical Insights for Developing Contemporary Negotiation Strategies

Receipt: 30/06/2025 Acceptance: 16/08/2025

Fatemeh Haghnejad¹

Rasoul Asgarpour²

Ahmadreza Shekarchi Zadeh³

Reza Ebrahimzadeh Dastjardi⁴

Abstract:

In today's dynamic, competitive, and ambiguous environment, negotiation has emerged as a pivotal leadership and management competency. Negotiation is not only a strategic tool for achieving organizational objectives and effectively resolving conflicts, but also provides a critical platform for decision-making and the development of constructive interactions both within and beyond organizational boundaries. While contemporary management literature offers numerous theories and frameworks—such as win-win negotiation, constructive conflict resolution, and modern communication models—recent interdisciplinary research suggests that a systematic re-examination of classical sources, particularly religious texts, can contribute to the design of a deeper and more human-centered model of negotiation management. The Holy Qur'an, as a comprehensive text with a humanistic and ethical orientation, presents fundamental principles regarding negotiation and engagement with asymmetric power dynamics. This underscores that successful leaders internalize ethics in their decision-making and interactions, reinforcing organizational trust and commitment through honesty, fairness, and responsibility. In this study, the narrative of the encounter and dialogue between Moses and Pharaoh is analyzed through a comparative approach. Key dimensions such as the negotiator's mental preparedness, commitment to human dignity and respectful dialogue, relationship management and power balance, and adherence to professional ethics are extracted as core principles and compared with contemporary negotiation frameworks. Findings indicate that the dynamics of successful negotiation are not limited to mere techniques and tactics; rather, negotiation should be viewed as a complex yet human process requiring the integration of strategic rationality, ethical judgment, and dignity-based behavior at every stage of interaction. This approach can foster the development of indigenous, intercultural, and ethics-oriented models in managerial negotiations, ultimately advancing the quality of decision-making and organizational interactions.

Key words:

Contemporary Negotiation Strategies, Comparative Analysis, Conflict Resolution, Moses and Pharaoh, Organization

1-PhD. student, Department of Management, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. haghnejadfa@yahoo.com

2-Assistant Professor, Department of Management, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (corresponding Author) r.asgarpour@phu.iaun.ac.ir

3-Assistant Professor, Department of Management, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. ahmad_shekar2@hotmail.com

4-Assistant Professor, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. ebrahimzadeh@khuif.ac.ir



تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ هدی زینالی

چکیده

در سال‌های اخیر، ادبیات سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر مفهوم «تحول» در عرصه حکمرانی، وارد مرحله‌ای نوین، هدفمند و عملیاتی شده است. این رویکرد تحول‌گرایانه در دولت سیزدهم به ریاست شهید آیت‌الله دکتر سیدابراهیم رئیسی، در سطوح اجرایی، ساختاری و مدیریتی نمود یافته است. در این راستا، شاهد بازتعریف سیاست‌ها، ساختارها و گفتمان‌های حاکم بر حکمرانی کشور هستیم. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، به واکاوی ابعاد فکری، مدیریتی و ساختاری مکتب حکمرانی شهید رئیسی می‌پردازد و مؤلفه‌های بنیادین این مکتب را در چارچوب گفتمان تحول‌گرا تحلیل می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهند که تحول‌گرایی در دولت سیزدهم صرفاً معطوف به اصلاحات اداری یا تغییرات سطحی نبوده، بلکه بازسازی عمیق و بنیادینی از نگرش‌ها، باورها، شیوه‌های حکمرانی و الگوهای مدیریتی را دنبال کرده است. این نگرش در چهار محور اصلی قابل‌شناسایی است: عدالت‌محوری با تأکید بر باز توزیع عادلانه منابع، نهادینه‌سازی مشارکت واقعی مردم، مقابله سیستمی با فساد و استقرار حکمرانی خوداتکا بر ظرفیت‌های بومی. مکتب حکمرانی شهید رئیسی، با تلفیق اصول دینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و نیازهای اجرایی و مدیریتی روز، در پی خلق الگویی جدید از حکمرانی اسلامی-ایرانی است که ضمن وفاداری به ارزش‌های اصیل، قابلیت انطباق با تحولات جهانی را نیز دارد. این الگو تلاش دارد با اتکا بر الگوهای بومی، مدلی کارآمد، مشارکت محور و عدالت گرا برای ایران و سایر کشورهای اسلامی ارائه دهد. نوآوری این پژوهش در برجسته‌سازی این پیوند راهبردی میان تئوری و عمل در زمینه تحول حکمرانی است؛ پیوندی که می‌تواند پایه‌گذار گفتمانی نوین و اثربخش در سیاست‌گذاری عمومی باشد.

کلمات کلیدی:

تحول‌گرایی، مکتب شهید رئیسی، حکمرانی اسلامی

در ادبیات معاصر سیاست‌گذاری عمومی، «تحول» نه صرفاً به‌عنوان یک خواست یا انتخاب، بلکه به‌مثابه ضرورتی گریزناپذیر برای مواجهه با پیچیدگی‌های روزافزون حکمرانی در جهان امروز مطرح است. در جهانی که تغییرات شتابان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه، مرزهای سنتی تصمیم‌گیری و مدیریت را درنور دیده‌اند، دیگر نمی‌توان با ابزارهای گذشته، به چالش‌های نوین پاسخ داد. از همین رو، دولت‌ها ناچار شده‌اند از پارادایم‌های ایستا و کلاسیک فاصله گرفته و به‌سوی مدل‌هایی پویا، سازگار و آینده‌نگر حرکت کنند که بتوانند بازتعریفی عمیق از نسبت دولت و جامعه و بازسازی کارکردها و ساختارهای حکمرانی ارائه دهند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰).

در این میان، کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که با مجموعه‌ای از مسائل پیچیده نظیر تحریم‌های اقتصادی، گسست‌های اجتماعی، فرسایش نهادی و میراثی از ناکارآمدی مزمن در برخی حوزه‌های سیاستی مواجه‌اند، بیش از هر زمان دیگر به تحول به‌مثابه یک رویکرد بنیادین نیاز دارند (کریمی، ۱۴۰۱). در چنین بافتی، تحول نه یک انتخاب تجملی، بلکه ضرورتی وجودی برای بقا، مشروعیت و کارآمدی نظام حکمرانی است. تحول‌خواهی زمانی به اصل سازمان دهنده حکمرانی بدل می‌شود که جامعه در معرض تهدیدات چندلایه و بحران‌های انباشته قرار گیرد و پاسخ‌های معمول دیگر کفایت اداره امور را نداشته باشند.

چهار دهه تجربه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که در برهه‌هایی از تاریخ، نیاز به بازنگری بنیادین در الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی، به یک خواست ملی و گاه تاریخی تبدیل شده است. دولت سیزدهم، به ریاست شهید آیت‌الله دکتر سیدابراهیم رئیسی، در چنین بستری به میدان آمد؛ بستری که از یک‌سو با افول سرمایه اجتماعی و افزایش مطالبات عمومی مواجه بود و از سوی دیگر، نیازمند نوسازی عمیق در رابطه دولت، مردم و نهادهای حکمرانی به‌ویژه در سطح ساختارهای تصمیم‌ساز بود (شریفی، ۱۴۰۳).

شهید رئیسی با درک عمیق از شرایط اجتماعی و با تأکید بر رویکردی تحول‌محور، تلاش کرد مکتبی را در عرصه حکمرانی بنیان نهد که بر سه‌پایه اساسی استوار باشد: اتکا به ظرفیت‌های درونی کشور، مردمی‌سازی فرآیندهای سیاست‌گذاری و اجرایی و تمرکز بر عدالت‌محوری و شفافیت نهادی (قنبری، ۱۴۰۳). آنچه از این تلاش‌ها زاده شد، در قالب مفهومی نوین تحت عنوان «مکتب حکمرانی شهید رئیسی» قابل‌شناسایی است؛ مکتبی که برخلاف بسیاری از رهیافت‌های اصلاحی پیشین، صرفاً به

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

بازآرایی‌های سطحی و ساختاری اکتفا نکرد، بلکه بر تحولی عمیق در نگرش مدیریتی، شیوه‌های اجرایی و الگوهای تعامل دولت و جامعه پافشاری نمود (امیری، ۱۴۰۱)

با وجود حجم قابل توجهی از اقدامات اجرایی و ابتکارات سیاستی در دولت سیزدهم، آنچه در فضای علمی کشور هنوز تبیین نشده، چارچوبی نظری و مدلی تحلیلی برای شناسایی دقیق مبانی، شاخص‌ها و سازوکارهای این مکتب تحول‌گرا است. بسیاری از تصمیمات راهبردی این دولت، ریشه در اصولی دارند که اگر به‌درستی صورت‌بندی و تحلیل شوند، می‌توانند به الگویی بومی و کارآمد برای آینده حکمرانی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران بدل گردند. باین‌حال، استخراج، نظام‌مندسازی و ارزیابی این اصول، نیازمند پژوهشی علمی و تحلیلی است که بتواند این مکتب را با زبان علم و در چارچوب مفاهیم معاصر حکمرانی بازخوانی کند.

از این منظر، مسئله محوری پژوهش حاضر آن است که: مؤلفه‌ها و سازوکارهای بنیادین مکتب حکمرانی شهید رئیسی در چارچوب تحول‌گرایی چیست؟ و این مکتب چه ظرفیت‌هایی برای بازتعریف و نوسازی الگوی بومی حکمرانی اسلامی در راستای ارتقای کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

پیش‌فرض نظری این پژوهش بر این اصل استوار است که حکمرانی، فراتر از مدیریت اجرایی امور و تصمیم‌سازی‌های روزمره، یک سازوکار چندلایه، پویا و تعاملی برای سازمان‌دهی روابط قدرت، تخصیص منابع و تنظیم ارتباط دولت و مردم در یک بستر ارزشی، فرهنگی و تاریخی خاص است. درواقع، حکمرانی نه صرفاً به معنای صدور دستورات از نهادهای رسمی حاکمیت، بلکه شامل شبکه‌ای از نهادهای گروه‌های اجتماعی، فرآیندهای مشارکتی و قواعد نانوشته‌ای است که تصمیم‌گیری‌های عمومی را هدایت می‌کنند. در همین چارچوب، نظریه‌های معاصر حکمرانی که طی دهه‌های اخیر در حوزه‌های علوم سیاسی، مدیریت عمومی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی توسعه یافته‌اند، کمک کرده‌اند تا مفهوم «تحول» نیز از سطح تغییرات شکلی و ساختاری فراتر رود و به‌مثابه دگرگونی در بنیادهای مشروعیت بخشی، شیوه‌های مشارکت، منطق تصمیم‌سازی و سازوکارهای پاسخ‌گویی مورد تحلیل قرار گیرد (رودریگز و لی^۱، ۲۰۲۰). در این نظریه‌ها، تحول نه صرفاً به معنای اصلاح ساختارهای ناکارآمد، بلکه به‌منزله یک بازتعریف ریشه‌ای از ماهیت حکمرانی، اهداف آن و نسبت آن با جامعه تلقی می‌شود.

در ادبیات نظری حکمرانی، یکی از مباحث محوری، تمایز میان «حکمرانی سنتی» و «حکمرانی خوب»^۲ است. حکمرانی سنتی معمولاً بر تمرکز قدرت، کنترل متمرکز از بالا به پایین و تفکیک صلب میان حاکم و مردم استوار بوده است. در مقابل، مفهوم حکمرانی خوب بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها مانند

تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی/هدی زینالی

شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت فعال شهروندان، عدالت اجتماعی، اثربخشی سیاست‌گذاری و حاکمیت قانون تأکید دارد (UNDP, 2019). این رویکرد، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، در ادبیات توسعه و مدیریت عمومی به‌عنوان مدلی مطلوب برای اداره جوامع پیچیده و چند فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. اگرچه این مفاهیم بیشتر در بستر حکمرانی غربی شکل گرفته‌اند، اما با بسیاری از اصول حکمرانی در سنت‌های اسلامی، به‌ویژه در منظومه فکری انقلاب اسلامی ایران، هم‌پوشانی‌های معناداری دارند. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مفاهیمی چون مردم‌سالاری دینی، عدالت، مبارزه با فساد و کارآمدی نظام از ارکان اساسی حکمرانی اسلامی محسوب می‌شوند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

نظریه ولایت‌فقیه، به‌عنوان شالوده فقهی و فلسفی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، دربردارنده مدلی ترکیبی از حکمرانی دینی و مشارکت مردمی است؛ مدلی که در آن، مشروعیت دینی و مقبولیت اجتماعی به‌صورت توأمان لحاظ شده است و ساختار قدرت نه بر پایه زور یا مشروعیت صرفاً عرفی، بلکه بر اساس عقلانیت دینی، رضایت مردمی و عدالت‌خواهی شکل می‌گیرد. در امتداد این مبانی نظری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که از سوی مقام معظم رهبری صادر شده است، نوعی نقشه راه برای آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی تلقی می‌شود. این بیانیه با تأکید بر ضرورت تحول‌خواهی، جوان‌گرایی، شفافیت، فساد ستیزی، اعتمادسازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی، چارچوبی جدید را برای بازآرایی ساختارهای حکمرانی در ایران اسلامی ترسیم کرده است (رهبر انقلاب، ۱۳۹۷).

در چنین بستری، مکتب حکمرانی شهید آیت‌الله دکتر سیدابراهیم رئیسی، به‌مثابه یک رویکرد تلفیقی از نظریه و عمل، قابل‌تحلیل است. این مکتب با الهام‌گیری از مبانی معرفتی انقلاب اسلامی، آموزه‌های دینی و نیازهای عینی جامعه معاصر ایران، تلاش دارد مدلی از حکمرانی را ارائه دهد که در آن، اصول گفتمانی اسلام انقلابی با مقتضیات اجرایی و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری در دوران گذار تلفیق شده‌اند. تأکید این مکتب بر تحول‌خواهی، نه از جنس اصلاحات سطحی و موقتی، بلکه از سنخ بازمهندسی کلان ساختارهای تصمیم‌سازی، بازآفرینی فرآیندهای اجرایی و بازتعریف رابطه میان حاکمیت و مردم بر مبنای عدالت اجتماعی، شفافیت ساختاری و اتکای حداکثری بر ظرفیت‌های مردمی و بومی است (شریفی، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، نظریه‌های نوین حکمرانی تأکید دارند که کارآمدی نظام حکمرانی نه صرفاً در گرو ظرفیت‌های ساختاری، بلکه در پیوند مستقیم با سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و انسجام گفتمانی میان دولت و ملت است. در این چارچوب، مفاهیمی مانند حکمرانی شبکه‌ای، حکمرانی مشارکتی و

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

حکمرانی داده محور، تأکید دارند که اقتدار و مشروعیت دولت مدرن زمانی تثبیت می‌شود که بتواند میان منابع دانش، ظرفیت‌های نهادی و مطالبات اجتماعی پیوند مؤثر برقرار کند (پیر و پیترز، ۲۰۲۱). مکتب حکمرانی شهید رئیسی با درک این پیچیدگی‌ها، تلاش دارد تا از طریق اصلاح الگوی تعامل دولت با جامعه و بازآفرینی نهادهای میانی، نقش مردم را از سطح «مخاطب سیاست عمومی» به «شریک در حکمرانی» ارتقا دهد.

همچنین، یکی از ابعاد کلیدی نظریه تحول‌گرایی در حکمرانی اسلامی، توجه به حکمت عملی در فرآیند سیاست‌گذاری و اجراست. برخلاف الگوهای صرفاً تکنوکراتیک که تصمیم‌گیری را به داده‌ها و شاخص‌ها تقلیل می‌دهند، حکمرانی اسلامی بر ضرورت پیوند میان عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارزشی تأکید می‌کند. این نگاه، ریشه در سنت فلسفه اسلامی و آموزه‌های اخلاقی شیعه دارد و با تلفیق اخلاق و سیاست، در پی ساخت نظامی است که تصمیم‌سازی در آن نه تنها به کارآمدی، بلکه به عدالت، رضایت الهی و خیر عمومی منتهی گردد (فیروزی و هادی، ۲۰۲۱).

درنهایت، مبانی نظری مکتب شهید رئیسی با تأکید بر «تحول در حکمرانی» نه فقط به عنوان یک شعار سیاسی، بلکه به مثابه یک نظریه عملیاتی، افق جدیدی را در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی می‌گشاید؛ افقی که در آن، تحقق عدالت، احیای سرمایه اجتماعی و افزایش تاب‌آوری حکمرانی در برابر بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، هدف نهایی تلقی می‌شود. این رویکرد، امکان آن را فراهم می‌سازد که جمهوری اسلامی ایران در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی، به الگویی بومی و الهام‌بخش برای سایر کشورها تبدیل گردد.

به‌طور خلاصه، مبانی نظری این پژوهش بر تلفیق نظریه‌های معاصر حکمرانی با اندیشه دینی-انقلابی جمهوری اسلامی و مدل اجرایی شهید رئیسی استوار است؛ مدلی که تلاش دارد از دل آموزه‌های اسلامی و تجربه‌ی عملی مدیریت، الگویی نوین، بومی، عدالت محور و کارآمد برای تحول در حکمرانی اسلامی ارائه دهد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر رویکرد، کیفی و از حیث هدف، در زمره مطالعات تحلیلی-اکتشافی قرار می‌گیرد. علت انتخاب این رویکرد، ماهیت پیچیده، چندلایه و معنا بنیاد مکتب حکمرانی شهید آیت‌الله رئیسی است؛ پدیده‌ای که با مفاهیمی همچون تحول‌گرایی، عدالت‌محوری و خوداتکایی درآمیخته و تحلیل آن نیازمند نگاهی عمیق، تفسیرگرایانه و غیر کمی است. در چنین شرایطی، روش‌های کمی قادر به کشف لایه‌های پنهان معنایی و فهم روابط درونی مؤلفه‌های فکری و مدیریتی این مکتب

تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی/هدی زینالی

نخواهند بود؛ بنابراین، پژوهشگر با اتخاذ روش تحلیل مضمون، تلاش کرده تا از طریق کدگذاری داده‌های کیفی و استخراج مضامین، به الگوی نظری منسجم‌تری دست یابد. تحلیل مضمون این امکان را فراهم می‌سازد که از خلال متن مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، اسناد و بیانیه‌ها، معناها و مضامین کلیدی شناسایی و تفسیر شوند. چارچوب تحلیل مضمون برگرفته از رویکرد پیشنهادی کرسول (۲۰۱۳) است که مراحل شش‌گانه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی ارائه می‌دهد. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا به‌جای تمرکز صرف بر فراوانی واژگان یا آزمون‌های آماری، به عمق محتوا، ساخت معنایی و ارتباط مفهومی عناصر حکمرانی تحول محور بپردازد.

برای گردآوری داده‌های این پژوهش، رویکردی نظام‌مند و چندمرحله‌ای اتخاذ شد تا از جامعیت و دقت تحلیل اطمینان حاصل گردد. در گام نخست، مجموعه‌ای از منابع علمی شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و گزارش‌های تحلیلی مرتبط با مکتب حکمرانی شهید آیت‌الله رئیسی گردآوری و بررسی شد. سپس سخنرانی‌ها، گفت‌وگوهای رسمی، بیانیه‌های سیاسی، مصاحبه‌های رسانه‌ای و اسناد منتشرشده از سوی دولت سیزدهم در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به‌صورت هدفمند انتخاب گردیدند. این منابع به‌عنوان داده‌های اولیه وارد فرایند کدگذاری کیفی شدند و کدگذاری اولیه بر اساس مفاهیم کلیدی صورت گرفت. پس‌از آن، با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مضمون و استفاده از نرم‌افزار تخصصی مکس کیودا نسخه ۴، مضامین فرعی و اصلی استخراج و ارتباط مفهومی میان آن‌ها ترسیم شد. هدف از این مرحله، دستیابی به چارچوب مفهومی مشخصی از مؤلفه‌های حکمرانی در مکتب رئیسی بود. برای افزایش روایی و پایایی داده‌ها، از روش‌های متنوعی مانند مثلث‌سازی منابع (شامل تحلیل متون مکتوب، گفتارها و تحلیل‌های رسانه‌ای)، مقایسه درون‌متنی میان اسناد مختلف و بازبینی مجدد کدها توسط دو تحلیل‌گر مستقل استفاده شد. این اقدامات، ضمن کاهش سوگیری فردی، موجب تقویت استحکام تحلیل نهایی شد و امکان تبیین دقیق‌تری از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی تحول محور در دولت سیزدهم را فراهم ساخت.

در این فرایند، تأکید بر مفاهیمی نظیر عدالت‌محوری، شفافیت، مردمی‌سازی، فساد ستیزی و خوداتکایی به‌عنوان محورهای کلیدی مکتب حکمرانی مورد تمرکز قرار گرفت. معیار اشباع نظری نیز زمانی حاصل شد که داده‌های جدید دیگر منجر به ایجاد مضمون تازه‌ای نمی‌شدند و مفاهیم قبلی را تنها تقویت می‌کردند؛ بنابراین، پژوهش حاضر نه در پی آزمون فرضیه‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه در جستجوی کشف و تبیین الگویی نظری برای درک بهتر از فرآیندهای حکمرانی در چارچوب دیدگاه و عملکرد دولت سیزدهم است.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

در پژوهش‌های کیفی، به جای استفاده از مفاهیم رایج روایی و پایایی در مطالعات کمی، از معیارهای معادل چون قابلیت اعتماد قابلیت انتقال^۵، قابلیت تأیید^۶ و قابلیت اتکاپذیری^۷ بهره گرفته می‌شود. در این مطالعه، برای افزایش اعتبار نتایج، راهبردهایی چون مثلث‌سازی داده‌ها^۸، بررسی چند منبعی^۹ و بازبینی تحلیلی مستقل به کار گرفته شده است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). در این پژوهش، به منظور ارتقای اعتبار نتایج و کاهش سوگیری در تحلیل داده‌ها، از مجموعه‌ای از راهبردهای روش‌شناختی بهره گرفته شده است. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از: مثلث‌سازی داده‌ها، بررسی چند منبعی و چند نوعی داده، بازبینی تحلیلی توسط پژوهشگران مستقل و مقایسه‌ی تطبیقی کدها و مضامین استخراج‌شده توسط دو تحلیلگر مجزا.

این روش‌ها نه تنها موجب افزایش قابلیت اعتماد و اتکاپذیری یافته‌ها شده‌اند، بلکه به تکرارپذیری و شفافیت فرآیند پژوهش نیز کمک کرده‌اند. افزون بر این، تنوع منابع گردآوری‌شده شامل سخنرانی‌های رسمی، بیانیه‌های سیاسی، متون مکتوب دولتی و تحلیل‌های رسانه‌ای، امکان انتقال‌پذیری نتایج به سایر بسترهای حکمرانی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده است. این تنوع در داده‌ها، زمینه را برای درک عمیق‌تر از بافت معنایی و فرهنگی مکتب حکمرانی شهید رئیسی در شرایط مشابه ساختاری مهیا ساخته و از تحلیل تک‌بعدی جلوگیری کرده است.

در این پژوهش، روش تحلیل مضمون، به عنوان چارچوب اصلی تحلیل داده‌های کیفی به کار رفته است. تحلیل مضمون، با هدف شناسایی، استخراج و سازمان‌دهی الگوهای مفهومی پنهان در داده‌ها، این امکان را فراهم می‌کند که مفاهیم کلیدی در ساختار فکری و اجرایی مکتب حکمرانی شهید رئیسی با دقت شناسایی شوند. کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. در مرحله اول، واحدهای معنایی اولیه از منابع استخراج شد. در مرحله دوم، ارتباط میان کدها شناسایی و در قالب مضامین میانی طبقه‌بندی شد و نهایتاً در مرحله سوم، مقوله‌های اصلی در قالب چارچوب مفهومی نهایی استخراج شد.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، داده‌های پژوهش به صورت آماری تحلیل نشده‌اند، بلکه توصیف داده‌ها شامل موارد زیر است:

- نوع منابع: شامل ۴۸ سخنرانی و گفت‌وگوی رسمی، ۱۲ بیانیه و دستورالعمل دولتی، ۶ مقاله تحلیلی رسانه‌ای و مجموعه‌ای از اسناد سیاستی منتشرشده بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲.

- نرم‌افزار مورد استفاده: برای سازمان‌دهی و کدگذاری داده‌ها، از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۲ استفاده شده است.

تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی/هدی زینالی

- حجم داده‌های تحلیل‌شده: بیش از ۱۲۰ صفحه متن مکتوب و پیاده‌سازی‌شده در قالب فایل‌های متنی استاندارد.

تحلیل داده‌ها با تمرکز بر مضامین کلیدی تحول در حکمرانی انجام‌شده و مفاهیمی نظیر عدالت‌محوری، شفافیت، مردمی‌سازی، فساد ستیزی، خوداتکایی، بومی‌سازی سیاست‌ها و بازمهندسی فرآیندهای مدیریتی به‌عنوان مقوله‌های محوری مکتب حکمرانی شهید رئیسی شناسایی گردیدند. در فرآیند تحلیل، مشخص شد که الگوی مورد نظر، ضمن تأکید بر اصول انقلاب اسلامی، تلاشی برای ارائه یک مدل اجرایی مبتنی بر ظرفیت‌های درونی و کارآمدی حکمرانی اسلامی است. همچنین، اشباع نظری زمانی حاصل شد که پس از تحلیل منابع گوناگون، مضمون جدیدی به ساختار مفهومی افزوده نشد و مضامین پیشین تقویت یا تعمیق گردیدند.

یافته‌ها

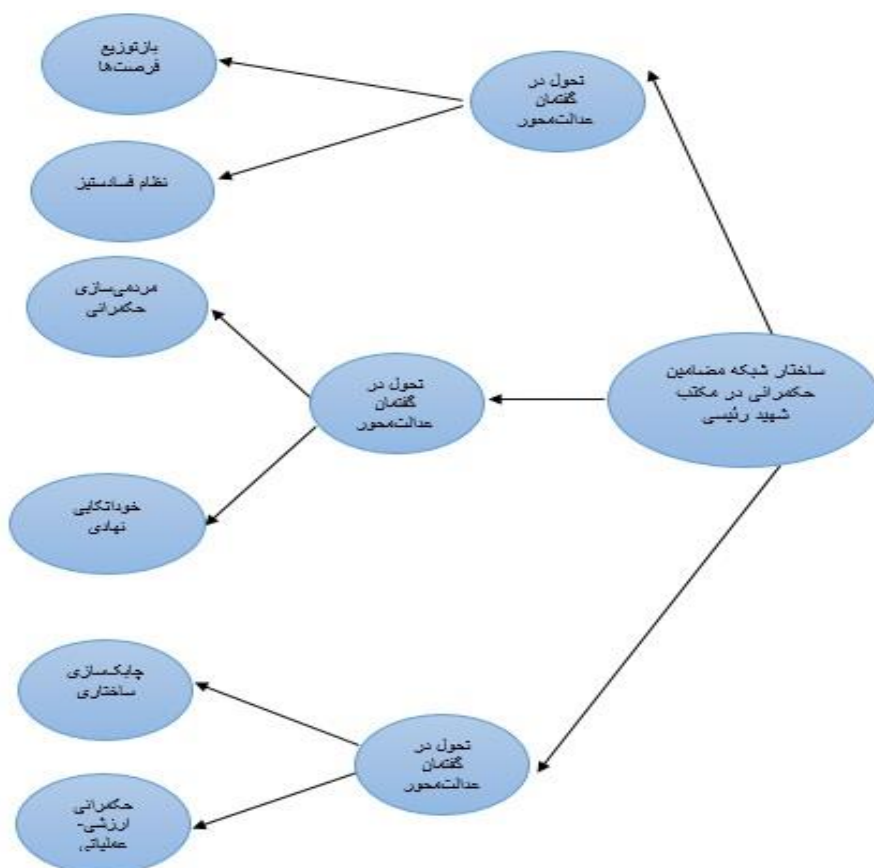
تحلیل مضمون داده‌های گردآوری‌شده در این پژوهش منجر به استخراج سه مضمون فراگیر، شش مضمون سازمان‌دهنده و هجده مضمون پایه گردید. این یافته‌ها حاصل فرایند کدگذاری باز و محوری، بازبینی مکرر مضامین و مقایسه تطبیقی داده‌ها با بیانیه‌ها و اسناد حکمرانی در دولت سیزدهم بوده است. جدول زیر ساختار مضامین را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مضامین برآمده از تحلیل مضمون حکمرانی در مکتب شهید رئیسی

مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های پایه	تعداد کدها
تحول در گفتمان عدالت محور	باز توزیع فرصت‌ها	توازن منطقه‌ای، توجه به اقشار کم‌برخوردار، رفع تبعیض نهادی	کد ۱۰۱: سیاست‌های محرومیت‌زدایی کد ۱۰۲: بودجه‌ریزی عدالت محور کد ۱۰۳: تمرکز بر مناطق کم‌برخوردار کد ۱۰۴: کاهش شکاف نهادی کد ۱۰۵: حمایت هدفمند از اقشار ضعیف
	نظام فسادستیز	شفاف‌سازی ساختارها، تقویت نهادهای نظارتی، مقابله با رانت	کد ۲۰۱: شفاف‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری کد ۲۰۲: مقابله با رانت‌خواری کد ۲۰۳: تقویت نظارت بر عملکرد مدیران کد ۲۰۴: گزارش‌دهی عمومی از عملکرد دولت
تحول در شیوه اداره دولت	مردمی‌سازی حکمرانی	میدان‌دادن به مردم، ایجاد سازوکارهای مشورتی، استفاده از ظرفیت نخبگان	کد ۳۰۱: راه‌اندازی شوراهای مشورتی مردمی کد ۳۰۲: مشورت با نخبگان بومی کد ۳۰۳: میدان‌دادن به گروه‌های مردمی در سیاست‌گذاری

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

	خوداتکایی نهادی	حمایت از تولید داخلی، کاهش وابستگی به ارز و واردات، ترویج اقتصاد مقاومتی	کد ۴۰۱: حمایت از تولید داخلی کد ۴۰۲: اصلاح واردات کالاهای اساسی کد ۴۰۳: تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی
تحول در ساختار نهادی کشور	چابک‌سازی ساختاری	تمرکززدایی، تفویض اختیار به استان‌ها، اصلاح بوروکراسی اداری	کد ۵۰۱: اصلاح ساختار اداری کشور کد ۵۰۲: حذف مقررات زائد کد ۵۰۳: تفویض اختیار به مدیران استانی
	حکمرانی ارزشی- عملیاتی	پیوند ارزش‌های اسلامی با اثربخشی اجرایی، مسئولیت‌پذیری مدیران، جهاد تبیین	کد ۶۰۱: جهاد تبیین ارزش‌ها کد ۶۰۲: مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در چارچوب دینی کد ۶۰۳: تلفیق ارزش‌های اسلامی با کارآمدی مدیریتی



نمودار ۱ - ساختار شبکه مضامین پژوهش

تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی/هدی زینالی

بر اساس مضامین شناسایی‌شده، الگوی حکمرانی ارائه‌شده توسط شهید آیت‌الله رئیسی را می‌توان تلفیقی از گفتمان عدالت محور انقلاب اسلامی و الزامات کارکردی دولت مدرن دانست. در این الگو، عدالت از سطح شعار فراتر رفته و به سطح سیاست‌گذاری و تخصیص منابع وارد شده است. همچنین مشارکت مردمی و شفافیت اداری به‌عنوان محورهای مکمل مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

مضمون‌های استخراج‌شده نشان می‌دهند که مکتب شهید رئیسی نگاهی کل‌نگر به حکمرانی دارد که هم در سطح ساختار (سازمان‌دهی دولت، اصلاح بروکراسی) و هم در سطح محتوا (عدالت‌خواهی، فساد ستیزی) و هم در سطح روش (مردمی‌سازی و خوداتکایی) دارای اجزا و مؤلفه‌های منسجم است. این نگاه تحول محور، الگویی پویا و بومی برای حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد که قابلیت توسعه در سایر سطوح ملی را نیز دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که بر پایه روش تحلیل مضمون و بررسی دقیق اسناد رسمی، بیانی‌ها، سخنرانی‌ها و سیاست‌های اعلام‌شده دولت سیزدهم به ریاست شهید آیت‌الله دکتر سیدابراهیم رئیسی انجام‌شده است، نشان می‌دهد که در چارچوب مفهومی این دولت، نوعی رویکرد اجرایی مشخص همراه با مؤلفه‌های فکری، مدیریتی و نهادی در راستای بازتعریف حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران قابل‌شناسایی است. این رویکرد در سه سطح کلان گفتمانی، میانی مدیریتی و زیرساختی ساختاری قابل‌تحلیل و ارزیابی است.

در سطح گفتمانی، تأکید بر مفهوم عدالت به‌عنوان محور اصلی گفتمان حکمرانی، به‌گونه‌ای ارائه‌شده که می‌توان آن را بازتعریفی از عدالت در بستر حکمرانی اسلامی دانست. در این چارچوب، عدالت نه صرفاً یک شعار ارزشی یا اخلاقی، بلکه به‌مثابه راهبردی عملیاتی برای باز توزیع فرصت‌ها، کاهش تبعیض‌های نهادی و تعدیل شکاف‌های تاریخی و منطقه‌ای مطرح می‌شود. مضامینی مانند «باز توزیع فرصت‌ها» و «نظام فسادستیز» در راستای این رویکرد شکل گرفته‌اند. بر اساس شواهد اسنادی، تأکید بر محرومیت‌زدایی ساختاری و توجه به اقشار کم‌برخوردار، بخشی از تلاش برای نهادینه‌سازی عدالت در فرآیندهای سیاست‌گذاری ارزیابی می‌شود.

در سطح مدیریتی، شواهد حاکی از ظهور الگویی فکری مبتنی بر مردم‌باوری و اعتماد به ظرفیت‌های داخلی است. این سطح از حکمرانی، در تقابل با برخی الگوهای مدیریت نخبه‌گرایانه یا واردات محور دوره‌های پیشین، بر مردمی‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از نخبگان بومی و تقویت توانمندی‌های داخلی تمرکز دارد. مضامینی مانند «مردمی‌سازی حکمرانی» و «خوداتکایی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

نهادی» در این چارچوب، به‌منزله تلاش‌هایی در جهت تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای اعتماد عمومی تلقی می‌شوند. این نگرش، حکمرانی را صرفاً فنی یا تکنیکی نمی‌بیند، بلکه آن را به‌مثابه رابطه‌ای دوسویه و عاطفی-اجتماعی میان دولت و مردم تعریف می‌کند که با مشارکت و مسئولیت‌پذیری متقابل ادامه می‌یابد.

در سطح ساختاری، شواهد نشان می‌دهد دولت سیزدهم با توجه به برخی ناکارآمدی‌های مزمین موجود، تلاش کرده با «چابک‌سازی ساختارها» و کاهش تمرکز اداری، انعطاف‌پذیری نهادی را ارتقاء دهد. همچنین کوشش برای ترکیب ارزش‌های اسلامی با اصول کارآمدی اداری، منجر به شکل‌گیری مضمون «حکمرانی ارزشی-عملیاتی» در برخی سیاست‌ها شده است. در این چارچوب، مدیریت به‌گونه‌ای تعریف شده که نه‌فقط به انجام صحیح امور، بلکه به انجام آن‌ها بر پایه معیارهای ارزشی و دینی نیز توجه دارد. این رویکرد، در عین تکیه بر اصول سنتی، نگاهی به نوآوری و کارآمدی نیز در خود جای داده است.

در مقایسه با پژوهش‌های مشابه، تحقیق حاضر برخی ویژگی‌های متمایز دارد. برای مثال، درحالی‌که پژوهش نورمحمدی (۱۴۰۰) عدالت را در سطح مبانی فلسفی تحلیل کرده، این پژوهش بر خروجی‌های اجرایی و عملیاتی مرتبط با عدالت‌محوری در دولت سیزدهم متمرکز است. همچنین در مقایسه با مطالعه کریمی و همکاران (۱۳۹۹) که به بررسی نظریه چابک‌سازی در بستر اداری پرداخته‌اند، این پژوهش مضامین چابک‌سازی را با عناصر ارزشی ترکیب کرده و از این رهگذر، کوشیده است تصویری چندلایه‌تر از تحول ساختاری ارائه دهد. افزون بر این، برخلاف تحلیل سجادی (۱۴۰۲) که مشارکت مردمی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب معرفی می‌کند، در این مطالعه، مشارکت در جایگاه هسته مفهومی حکمرانی تفسیر شده است.

از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌توانند در طراحی الگوهای بومی و اسلامی حکمرانی مؤثر واقع شوند. استفاده از این مدل مفهومی، امکان بازنگری در حوزه‌هایی مانند سیاست‌گذاری عمومی، برنامه‌ریزی کلان، ساختارهای اجرایی و آموزش مدیران سطوح مختلف را فراهم می‌سازد. همچنین می‌توان از آن در طراحی دوره‌های تربیت مدیران آینده جمهوری اسلامی ایران در نهادهایی مانند دانشگاه‌ها، مرکز آموزش مدیریت دولتی و مدرسه حکمرانی بهره گرفت.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی، به ارزیابی میدانی عملکرد دولت سیزدهم در استان‌ها و مناطق مختلف پرداخته و نسبت میان مضامین کلان این پژوهش با نتایج

تحول‌گرایی در حکمرانی مکتب شهید رئیسی/هدی زینالی

اجرایی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین مطالعه تطبیقی میان گفتمان حکمرانی مورد بحث با سایر الگوهای بومی در کشورهای اسلامی می‌تواند به توسعه مفهوم حکمرانی اسلامی کمک کند.

با وجود دستاوردهای ذکرشده، این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. مهم‌ترین چالش، دسترسی محدود به مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی برای انجام مصاحبه‌های عمقی و محدود بودن اسناد به منابع رسمی و رسانه‌ای بود که تحلیل مضمون را تا اندازه‌ای در معرض سوگیری‌های محتوا قرار داده است. بهره‌گیری از داده‌های میدانی و گفت‌وگو با مسئولان اجرایی در مطالعات آینده می‌تواند اعتبار نتایج را افزایش دهد.

در جمع‌بندی، پژوهش حاضر تلاشی است برای ارائه تصویری ساختاریافته، مستند و مفهومی از رویکرد حکمرانی در دولت سیزدهم؛ رویکردی که با تأکید بر پیوند میان دین، مردم و کارآمدی، در صدد ارائه برداشت جدیدی از حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران است. این برداشت، با تکیه بر ارزش‌های انقلابی و با نگاه به آینده، در تلاش است تا ایده‌ی تمدن نوین اسلامی را به‌مثابه هدفی عملیاتی در دستور کار قرار دهد.

منابع

- (۱) خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
- (۲) رئیسی، س.ا. (۱۴۰۰-۱۴۰۲). سخنرانی‌ها و بیانات رئیس‌جمهور دولت سیزدهم. درگاه اطلاع‌رسانی دولت جمهوری اسلامی ایران: <https://dolat.ir>
- (۳) سجادی، م. (۱۴۰۲). تحلیل مشارکت اجتماعی در حکمرانی خوب. فصلنامه علوم سیاسی اسلامی، ۸ (۲)، ۱۲۳-۱۴۷.
- (۴) صادقی، ف. (۱۴۰۲). الزامات حکمرانی مشارکتی در نظام جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی دولت، ۱۰ (۱)، ۵۵-۸۰.
- (۵) طاهری، ف. (۱۴۰۲). فساد ستیزی و شفافیت در دولت سیزدهم. فصلنامه دولت اسلامی، ۱۶ (۲)، ۷۶-۵۱.
- (۶) قنبری، س. (۱۴۰۳). تحلیل مضمون سیاست‌های اجرایی عدالت محور در دولت سیزدهم. اندیشه حکمرانی اسلامی، ۱ (۱)، ۱۷-۴۰.
- (۷) فیروزی، & هادی. (۲۰۲۱). نقش عالمان شیعی در تولید و ارائه نظریه‌های تحول حکمرانی سیاسی در باب نظام حکومت در اسلام. فصلنامه علمی حکمرانی متعالی، ۲ (۳)، ۲۰۲-۲۳۲.
- (۸) کریمی، ح. احمدی، س؛ و ناصری، ک. (۱۳۹۹). چالش‌ها و راهکارهای چابک‌سازی دولت در ایران. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۲ (۴)، ۶۵-۸۹.
- (۹) مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری. (۱۴۰۱). گزارش‌های تحلیلی تحول در حکمرانی. تهران: نهاد ریاست‌جمهوری.
- (۱۰) نورمحمدی، ع. (۱۴۰۰). عدالت در حکمرانی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. مطالعات سیاست‌گذاری اسلامی، ۹ (۱)، ۳۳-۵۸.
- (۱۱) یوسفی، م. (۱۴۰۱). الزامات تحقق عدالت در حکمرانی مبتنی بر تمدن نوین اسلامی. مطالعات فرهنگی اجتماعی انقلاب اسلامی، ۵ (۱)، ۷۹-۱۰۵.
- 12) Fukuyama, F. (2013). What is Governance? Governance, 26(3), 347-368.
- 13) Grindle, M. S. (2004). Good Enough Governance: Poverty Reduction and Reform in Developing Countries. Governance, 17(4), 525-548. <https://doi.org/10.1111/j.0952-1895.2004.00256.x>
- 14) Kooiman, J. (2003). Governing as Governance. London: Sage Publications.

- 15) OECD. (2020). Building trust to reinforce democracy: Main findings from the 2021 OECD Survey on Drivers of Trust in Public Institutions. Paris: OECD Publishing.
- 16) Peters, B. G. (2012). Institutional Theory in Political Science: The New Institutionalism (3rd ed.). New York: Bloomsbury.
- 17) Rhodes, R. A. W. (1996). The New Governance: Governing without Government. Political Studies, 44(4), 652–667.
- 18) Risse, T. (2011). Governance Without a State? Policies and Politics in Areas of Limited Statehood. New York: Columbia University Press.
- 19) Rodrik, D. (2008). Thinking About Governance. In: Governance, Growth and Development Decision-making. World Bank.
- 20) United Nations Development Programme (UNDP). (2019). Human Development Report 2019: Beyond income, beyond averages, beyond today. New York: UNDP.
- 21) World Bank. (2021). Worldwide Governance Indicators. Retrieved from <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>

یادداشت‌ها:

- 1- Rodriguez & Lee
- 2- Good Governance
- 3- Thematic Analysis
- 4- MAXQDA
- 5- credibility
- 6- transferability
- 7- confirmability
- 8- dependability
- 9- data triangulation
- 10- multiple sources review

Transformationalism in Governance of the School of Shahid Raisi

Receipt: 10/07/2025

Acceptance: 05/08/2025

Hoda Zeynali

Abstract

In recent years, the policy literature of the Islamic Republic of Iran has entered a new, purposeful, and operational phase, focusing on the concept of “transformation” in the realm of governance. This transformational approach has manifested in the thirteenth administration under the leadership of the martyred Ayatollah Dr. Seyyed Ebrahim Raisi, at executive, structural, and managerial levels. In this context, we are witnessing a redefinition of the policies, structures, and dominant discourses of national governance. This study, using a qualitative approach and the method of thematic analysis, explores the intellectual, managerial, and structural dimensions of the “Raisi School of Governance” and analyzes its fundamental components within the framework of a transformation-oriented discourse. Findings show that transformation in the thirteenth administration has not been limited to administrative reforms or superficial changes, but has pursued a deep and fundamental reconstruction of mindsets, beliefs, governance methods, and management models. This perspective can be identified along four main axes: justice-orientedness with an emphasis on the fair redistribution of resources, institutionalization of genuine public participation, systemic confrontation with corruption, and the establishment of self-reliant governance based on indigenous capacities. The Raisi School of Governance, by integrating religious principles, the ideals of the Islamic Revolution, and the current executive and managerial needs, seeks to create a new model of Islamic-Iranian governance—one that, while remaining loyal to core values, is also capable of adapting to global developments. This model aims to present an efficient, participatory, and justice-oriented governance framework for Iran and other Islamic countries, grounded in native patterns. The innovation of this research lies in highlighting this strategic linkage between theory and practice in the domain of governance transformation—a linkage that can serve as the foundation for a new and effective discourse in public policymaking.

Keywords:

Transformation-oriented governance, Raisi Doctrine, Islamic governance.

Assistant Professor, Department of Business Management, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. zeynali.hoda@gmail.com



بررسی عوامل تأثیر گذار بر افزایش کیفیت خدمات الکترونیک سازمان‌های خدمت رسان عمومی

از بعد کمی و کیفی با رویکرد مدیریت جهادی (مورد مطالعه سازمان تأمین اجتماعی)

سید احمد موسوی^۱، ناصر میرسپاسی^۲، حیدر تورانی^۳ و مجتبی کیانی^۴

چکیده تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تحولات گسترده در فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، الگوهای خدمت‌رسانی در سازمان‌های عمومی را دگرگون کرده است. خدمات الکترونیک، به‌عنوان جایگزینی برای خدمات حضوری و سنتی، نه‌تنها در کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت خدمت‌رسانی نقش دارد، بلکه بستری برای ارتقای کیفیت و افزایش رضایت ذی‌نفعان فراهم می‌سازد. با وجود این، کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های عمومی همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است. این پژوهش با هدف شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی و با تأکید بر اصول مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای و با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) طراحی شد. در بخش کیفی، با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، مدل پارادایمی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تدوین شد. در بخش کمی، مدل پیشنهادی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار SmartPLS مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که شرایط علی (نظیر صرفه‌جویی در هزینه، راحتی ادراک‌شده و کیفیت عملکردی)، شرایط زمینه‌ای (مانند دسترسی‌پذیری و شرایط اجتماعی) و شرایط مداخله‌گر (همچون نگرش ذی‌نفعان و ریسک‌پذیری) تأثیر مثبت و معناداری بر راهبردهای ارتقای خدمات الکترونیک دارند. همچنین، راهبردها شامل ذی‌نفع‌گرایی، گرایش به نوآوری و تبلیغات گسترده، به‌طور مستقیم پیامدهایی چون نوین‌سازی سازمان، بهبود عملکرد کارکنان و ارتقای رضایت ذی‌نفعان را در پی داشتند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که تلفیق ارزش‌های مدیریتی بومی با ابزارهای فناورانه می‌تواند الگویی مؤثر برای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی باشد. به‌ویژه، به‌کارگیری اصول مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی می‌تواند در تقویت اعتماد عمومی، بهبود پاسخگویی و افزایش اثربخشی سازمانی نقش بسزایی ایفا کند.

کلمات کلیدی:

کیفیت خدمات الکترونیک، مدیریت جهادی، حکمرانی اسلامی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، داده‌بنیاد

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. arad.moosavi99@gmail.com

۲- استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) www.n.mirsepasi@srbi.au.ac.ir

۳- استاد، گروه مدیریت آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران. heidar_toorani@yahoo.com

۴- استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m-kiaei@srbiau.ac.ir

مقدمه

در دنیای امروز، سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی با فشار فزاینده‌ای برای ارتقای کیفیت خدمات خود مواجه‌اند. شهروندان انتظار دارند خدمات با سرعت، دقت، شفافیت و دسترسی آسان ارائه شود. در چنین شرایطی، استفاده از خدمات الکترونیک نه تنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، بلکه معیاری برای سنجش کارآمدی سازمان‌های عمومی تلقی می‌شود. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که دیجیتالی‌سازی خدمات عمومی به افزایش کارایی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و افزایش رضایت ذینفعان منجر می‌شود (زیتامل^۱ و همکاران، ۲۰۰۲).

با این حال، در ایران و به‌ویژه در سازمان تأمین اجتماعی، پیاده‌سازی خدمات الکترونیک همواره با چالش‌هایی نظیر ضعف زیرساخت‌های فناوریانه، مقاومت کارکنان، نبود آموزش کافی و ضعف در اعتماد ذی‌نفعان مواجه بوده است. این چالش‌ها سبب می‌شود که صرفاً استقرار فناوری اطلاعات تضمینی برای بهبود کیفیت خدمات نباشد و توجه به سایر ابعاد مدیریتی و ارزشی نیز ضروری گردد.

مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی در ارتقای خدمات

مدیریت جهادی الگویی است که بر روحیه تلاش مضاعف، خلاقیت، عدالت‌محوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارد. در این الگو، مدیران صرفاً مجریان فرآیندهای اداری نیستند، بلکه رهبرانی متعهد به ارزش‌های انسانی و اجتماعی به شمار می‌روند. از سوی دیگر، حکمرانی اسلامی چارچوبی است که اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، عدالت اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان را مورد توجه قرار می‌دهد (ملکی، ۱۳۹۸). پیاده‌سازی این اصول در کنار فناوری‌های نوین می‌تواند کیفیت خدمات الکترونیک را از سطح کارایی فنی فراتر برده و به سطح اثربخشی اجتماعی ارتقا دهد.

شکاف پژوهشی

مطالعات داخلی و خارجی بسیاری به بررسی کیفیت خدمات الکترونیک پرداخته‌اند (حسنی و همکاران، ۱۳۹۹). اما بیشتر این پژوهش‌ها تنها بر ابعاد فناوریانه یا مشتری‌مداری تمرکز داشته‌اند و کمتر به ترکیب ابعاد مدیریتی و ارزشی بومی در کنار فناوری پرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد خدمت‌رسان عمومی ایران، به دنبال طراحی مدلی جامع و بومی برای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک است.

اهداف پژوهش

شناسایی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر بر کیفیت خدمات الکترونیک.

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

طراحی مدل مفهومی ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد.

آزمون مدل طراحی شده با استفاده از روش معادلات ساختاری.

تبیین نقش مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی در ارتقای کیفیت خدمات

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت خدمات الکترونیک

تعریف کیفیت خدمات الکترونیک

کیفیت خدمات الکترونیک یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات بازاریابی و مدیریت خدمات است. این مفهوم به میزان انطباق خدمات ارائه شده از طریق بسترهای دیجیتال با انتظارات و نیازهای مشتریان و ذی‌نفعان اشاره دارد (زایتامل و پاراسورامان^۲، ۲۰۰۲). در واقع، کیفیت خدمات الکترونیک تنها به قابلیت‌های فنی وبسایت یا اپلیکیشن محدود نمی‌شود، بلکه شامل عواملی همچون سهولت استفاده، سرعت پاسخگویی، امنیت اطلاعات، اعتماد، دسترسی پذیری و پشتیبانی پس از خدمت نیز هست (لوپاکونو واتسون و گودهیو^۳، ۲۰۰۲).

مدل‌های کیفیت خدمات الکترونیک

پژوهشگران مختلف مدل‌های متعددی برای ارزیابی کیفیت خدمات الکترونیک ارائه کرده‌اند.

مدل E-S-QUAL شامل ابعادی چون کارایی، تحقق وعده‌ها، در دسترس بودن سیستم و حفظ حریم خصوصی.

مدل WebQual تأکید بر طراحی وبسایت، نوآوری و ارزش ادراک شده کاربر.

مدل SERVQUAL آنلاین: مبتنی بر پنج بعد سنتی سروکوال^۴ (قابلیت اعتماد، پاسخگویی، اطمینان، همدلی و ملموسات) اما با بومی‌سازی در محیط دیجیتال.

اهمیت کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های عمومی

در سازمان‌های عمومی مانند سازمان تأمین اجتماعی، کیفیت خدمات الکترونیک نه تنها بر رضایت مشتریان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر اعتماد اجتماعی، عدالت در دسترسی و کارآمدی نظام حکمرانی نیز نقش دارد. در این سازمان‌ها، کیفیت خدمات الکترونیک با مفاهیمی چون شفافیت، پاسخگویی و عدالت اجتماعی پیوندی عمیق دارد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۹).

مدیریت جهادی

تعریف و ویژگی‌ها

مدیریت جهادی الگویی بومی است که بر پایه ارزش‌های فرهنگی و دینی در ایران شکل گرفته و بر تلاش مضاعف، تعهد، نوآوری، عدالت‌محوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارد (ملکی، ۱۳۹۸). در این الگو، مدیران با روحیه ایثارگری، خلاقیت و نگاه ارزشی، فرآیندهای مدیریتی را هدایت می‌کنند.

اصول مدیریت جهادی

اصول اصلی این رویکرد عبارت‌اند از:

تلاش مضاعف و کار شبانه‌روزی برای رفع مشکلات.

عدالت اجتماعی در تخصیص منابع و خدمات.

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال جامعه.

نوآوری و خلاقیت در ارائه راهکارها.

اعتماد به سرمایه انسانی و مشارکت کارکنان.

ارتباط مدیریت جهادی با خدمات الکترونیک

مدیریت جهادی می‌تواند با تقویت فرهنگ تلاش و مسئولیت‌پذیری، زمینه اجرای موفق پروژه‌های فناوری اطلاعات و خدمات الکترونیک را فراهم کند. به‌طور مثال، در سازمان تأمین اجتماعی، مدیرانی با رویکرد جهادی می‌توانند با غلبه بر مقاومت‌های سازمانی و محدودیت‌های زیرساختی، تحول دیجیتال را با موفقیت پیش ببرند.

حکمرانی اسلامی

مفهوم حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی چارچوبی است که بر اصول دینی و ارزش‌های اسلامی در اداره امور عمومی استوار است. در این الگو، تأکید بر عدالت اجتماعی، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی و مشارکت مردم است (ملکی، ۱۳۹۸).

اصول حکمرانی اسلامی

عدالت اجتماعی: برابری در دسترسی به خدمات.

پاسخگویی: الزام مدیران به پاسخ‌دادن در برابر مردم.

شفافیت: ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع به ذی‌نفعان.

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسیاسی، تورانی و کیانی

مشارکت: جلب همکاری و نظارت عمومی بر فرآیندها.

کارآمدی و اثربخشی: بهبود مستمر کیفیت خدمات.

نقش حکمرانی اسلامی در ارتقای خدمات الکترونیک

خدمات الکترونیک می‌توانند ابزاری برای تحقق اهداف حکمرانی اسلامی باشند. برای مثال، دولت الکترونیک می‌تواند با کاهش فساد اداری، افزایش شفافیت و تسهیل مشارکت مردم، اصول حکمرانی اسلامی را عملیاتی سازد (دویودی^۵، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

حسینی و همکاران (۱۳۹۹): مدیریت دانش ذی‌نفعان اثر مستقیم و معناداری بر ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های دولتی دارد.

محرابیان (۱۳۹۹): ابعاد کیفیت خدمات الکترونیک شهرداری‌ها بر رضایت و وفاداری شهروندان تأثیرگذار است.

کاظمی و همکاران (۱۴۰۰): اعتماد و شفافیت از عوامل کلیدی بهبود کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های دولتی‌اند.

مطالعات خارجی

توسعه مقیاس E-S-QUAL برای سنجش کیفیت خدمات الکترونیک، (پاراسورامان^۶ و همکاران، ۲۰۱۵).

نقش امنیت و نوآوری فناورانه در افزایش رضایت مشتریان بانک‌ها، (لی^۷ و همکاران، ۲۰۲۱).
اعتماد و طراحی وب‌سایت به‌عنوان متغیرهای میانجی میان کیفیت خدمات و وفاداری مشتری. (ونکوآتا کریشنا^۸، ۲۰۲۳).

خدمات الکترونیک بستری برای ارتقای رضایت و وفاداری مشتریان است. (زایتهامل، ۲۰۰۲).

جمع‌بندی پیشینه

مطالعات گذشته نشان می‌دهند که کیفیت خدمات الکترونیک بر رضایت و وفاداری مشتریان اثرگذار است، اما پژوهش‌هایی که به‌طور خاص ترکیب فناوری با مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی را بررسی کرده باشند، بسیار محدودند. بنابراین، پژوهش حاضر با ارائه مدلی بومی، تلاش دارد این شکاف را پر کند.

روش تحقیق

نوع و رویکرد پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای است؛ زیرا به دنبال ارائه یک مدل بومی و کارآمد برای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی می‌باشد. از نظر ماهیت و روش اجرا، پژوهش حاضر آمیخته (کیفی-کمی) و به‌ویژه اکتشافی متوالی است. بدین معنا که در گام نخست داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل شده و سپس در گام دوم مدل مفهومی استخراج‌شده در مرحله کیفی، با روش‌های کمی مورد آزمون قرار گرفته است (کرزول و پلانو کلارک^۹ ۲۰۱۸).

مرحله کیفی

جامعه و نمونه

جامعه آماری در بخش کیفی شامل خبرگان دانشگاهی و مدیران با تجربه در حوزه خدمات الکترونیک سازمان‌های عمومی (به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی) بود. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی صورت گرفت. در مجموع، ۲۰ نفر از خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری مورد مصاحبه قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی در این بخش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه در سه محور اصلی طراحی شد: عوامل علی و زمینه‌ای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک. موانع و شرایط مداخله‌گر در پیاده‌سازی خدمات الکترونیک. راهبردها و پیامدهای ارتقای خدمات الکترونیک با رویکرد مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی.

تحلیل داده‌ها

داده‌های کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory) و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند (اشتراوس و کوربین^{۱۰} ۱۹۹۸). در مرحله کدگذاری باز، ۳۵۰ مفهوم اولیه استخراج شد؛ در کدگذاری محوری، این مفاهیم در قالب ۴۵ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند؛ و در کدگذاری انتخابی، ۵ مقوله اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) شناسایی گردید.

مرحله کمی

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه کارکنان، مدیران و ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی در

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جامعه نامحدود محاسبه شد که حداقل ۳۸۴ نفر تعیین گردید. در نهایت، ۴۰۰ پرسشنامه معتبر جمع‌آوری و تحلیل شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته بر مبنای یافته‌های بخش کیفی و مرور ادبیات نظری بود. پرسشنامه در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) طراحی شد و شامل ۵ بخش بود:

۱- شرایط علی (۱۰ گویه)، ۲- شرایط زمینه‌ای (۹ گویه)، ۳- شرایط مداخله‌گر (۸ گویه)، ۴- راهبردها (۱۲ گویه) و ۵- پیامدها (۱۰ گویه)

روایی و پایایی

برای اطمینان از روایی محتوا، پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و مدیران قرار گرفت و پس از اصلاحات نهایی تأیید شد.

پایایی درونی: با استفاده از آلفای کرونباخ برای همه سازه‌ها بیش از ۰٫۷ به دست آمد.

پایایی ترکیبی: (CR) برای تمامی سازه‌ها بیش از ۰٫۸ بود.

روایی همگرا: میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای همه سازه‌ها بیشتر از ۰٫۵ گزارش شد.

روایی واگرا: براساس معیار فورنل-لارکر^{۱۱}، مجذور AVE هر سازه از همبستگی بین سازه‌ها بیشتر بود.

جدول ۱. شاخص‌های پایایی و روایی سازه‌ها

سازه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
شرایط علی	۱۰	۰٫۸۴	۰٫۸۸	۰٫۵۹
شرایط زمینه‌ای	۹	۰٫۸۱	۰٫۸۶	۰٫۵۷
شرایط مداخله‌گر	۸	۰٫۸۳	۰٫۸۷	۰٫۶۱
راهبردها	۱۲	۰٫۸۹	۰٫۹۲	۰٫۶۶
پیامدها	۱۰	۰٫۸۸	۰٫۹۱	۰٫۶۴

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شد. مراحل تحلیل شامل موارد زیر بود:

✓ بررسی پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری با شاخص‌های آلفای کرونباخ، CR، AVE و معیار HTMT.

✓ آزمون مدل ساختاری با استفاده از ضرایب مسیر، مقادیر t و سطح معناداری.

✓ بررسی قدرت پیش‌بینی مدل با شاخص‌های R^2 و Q^2 .

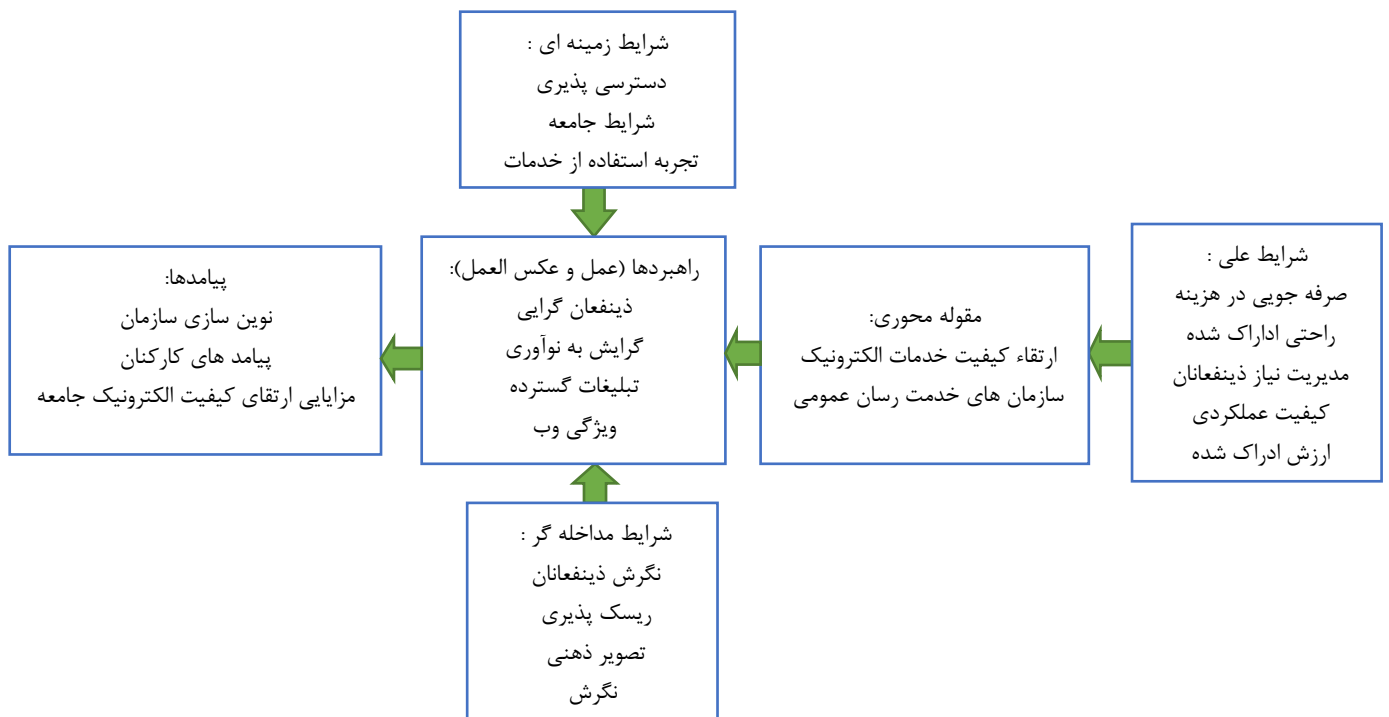
فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

✓ محاسبه برازش کلی مدل (GOF) در این پژوهش مقدار GOF برابر ۰٫۵۸ به دست آمد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

ملاحظات اخلاقی

مشارکت‌کنندگان در پژوهش به صورت آگاهانه در مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها شرکت کردند. محرمانگی داده‌ها تضمین شد و نتایج صرفاً در راستای اهداف علمی و پژوهشی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش



شکل ۱: مدل پارادایمی استخراج شده تحقیق (رویکرد داده بنیاد)

بررسی مدل پژوهش

در ادامه به منظور تایید مدل پژوهش از تکنیک کمی برای آزمون و برازش مدل مبتنی بر نظریه داده بنیاد استفاده شد. که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. قبل از بررسی مدل، لازم است که برازش مدل بررسی شود برازش مدل در سه بخش انجام می‌شود ۱-برازش مدل‌های اندازه گیری، ۲- برازش مدل‌های ساختاری و ۳-برازش مدل کلی

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسیاسی، تورانی و کیانی

برازش مدل اندازه گیری

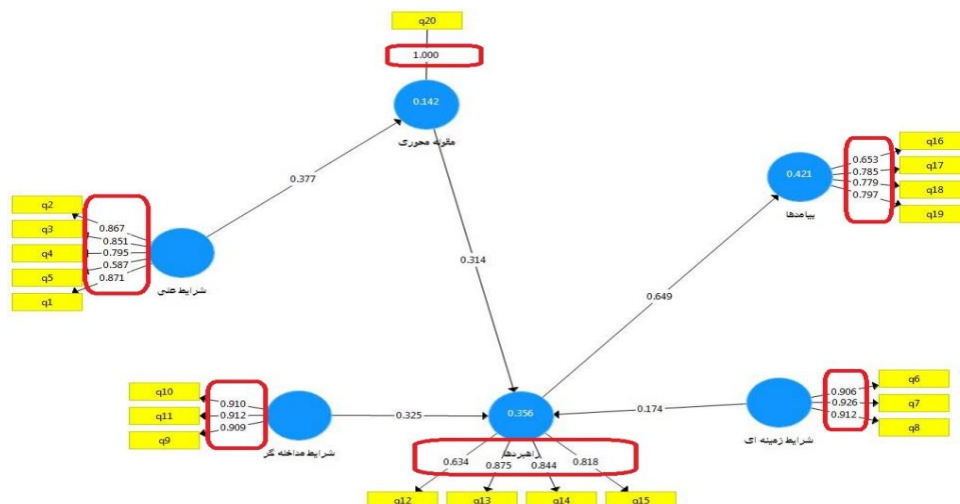
مدل اندازه گیری، مربوط به بخشی از مدل کلی می شود که در بر گیرنده یک متغیر به همراه سوالات مربوط به آن است. برای بررسی برازش مدل های اندازه گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می شود.

پایایی و روایی همگرا

پایایی شاخص، توسط سه معیار مورد سنجش قرار می گیرد: (۱) ضرایب بار عاملی (۲) آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR)

➤ ضرایب بار عاملی

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص های یک سازه با آن سازه محاسبه می شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار $0/4$ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص های آن، از واریانس خطای اندازه گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه گیری قابل قبول است. بنابراین، مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی $0/4$ می باشد؛ چنانچه پس از اجرای مدل، بار عاملی سوالاتی کمتر از $0/4$ شد، آن سوال حذف می شود تا بررسی سایر معیارها تحت تاثیر آن قرار نگیرد. مطابق شکل ۲، تمامی بارعاملی سوالات بیشتر از $0/4$ است از این رو حذف هیچکدام لازم نیست و می توان نتیجه گرفت که مدل، پایایی مناسبی دارد.



شکل ۲: مقادیر بار عاملی سوالات مربوط به متغیرهای پژوهش

Figure 2: Factor loadings of items related to the research variables

آلفای کرونباخ، روایی همگرا و پایایی مرکب (ترکیبی)

پایایی ترکیبی بیانگر میزان همبستگی سوالات یک بعد به یکدیگر برای برآزش کافی مدل‌های اندازه گیری را مشخص می‌کند (فورنر و لارکر، ۱۹۹۱).

هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه گیری شوند همبستگی بین این اندازه گیری ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون هایی که خصیصه ی واحدی را اندازه گیری می کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا می باشد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی همگرا میانگین واریانس استخراج^{۱۲} (AVE) و پایایی مرکب^{۱۳} (CR) محاسبه می‌شود. باید روابط زیر برقرار باشد:

$$CR > 0.7$$

$$AVE > 0.5$$

جدول ۱: نتایج روایی همگرا، پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

Table 1: Results of Convergent Validity, Composite Reliability, and Cronbach's Alpha

متغیرهای پژوهش	میانگین واریانس (AVE)	پایایی ترکیبی (C.R)	آلفای کرونباخ
راهبردها	۰/۶۳۷	۰/۸۷۴	۰/۸۰۶
شرایط زمینه ای	۰/۸۳۷	۰/۹۳۹	۰/۹۰۳
شرایط علی	۰/۶۴۳	۰/۸۹۸	۰/۸۵۶
شرایط مداخله گر	۰/۸۲۸	۰/۹۳۵	۰/۸۹۶
شرایط محوری	۱	۱	۱
پیامدها	۰/۵۷۱	۰/۸۴۱	۰/۷۵۹

با توجه به جدول ۱:

❖ مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا تایید می‌شود.

❖ مقدار پایایی مرکب (CR) در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگتر است بنابراین پایایی مرکب تایید می‌شود.

❖ مقدار آلفای کرونباخ در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگتر است بنابراین پایایی پرسشنامه تایید می‌شود.

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسیاسی، تورانی و کیانی

➤ روایی واگرا

برای بررسی روایی واگرا، از مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه ها با استفاده از روش فورنل و لاکر بهره گرفته شد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه ها) در مدل باشد. همانگونه که در جدول شماره ۲، برگرفته از روش فورنل و لاکر (۱۹۸۱)، مشخص می باشد، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر، از مقدار همبستگی میان آنها، بیشتر است. از این رو، می توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص های خود دارند تا با سازه های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.

جدول ۲: نتایج روایی واگرا

Table 2: Results of Discriminant Validity

					۰/۷۹۸	راهبردها
				۰/۹۱۵	۰/۳۷۶	شرایط زمینه ای
			۰/۸۰۲	۰/۵۳۰	۰/۵۷۵	شرایط علی
		۹۱۰	۰/۴۷۱	۰/۳۲۴	۰/۴۵۹	شرایط مداخله گر
	۱	۰/۲۴۷	۰/۳۷۷	۰/۳۰۹	۰/۴۴۸	شرایط محوری
۰/۷۵۶	۰/۷۳۵	۰/۲۹۵	۰/۴۴۱	۰/۲۸۵	۰/۶۴۹	پیامدها

برازش مدل ساختاری

مطابق با الگوریتم داده ها در pls بعد از برازش مدل های اندازه گیری نوبت به برازش مدل ساختاری می رسد. مدل ساختاری برخلاف مدل اندازه گیری به سوالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان و همراه با روابط میان آنها بررسی می گردد

➤ معیار R^2

R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون زا بر یک متغیر درون زا می گذارد. هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه های درون زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل معرفی کرده است. مطابق با جدول زیر، مقدار R^2 با توجه به سه مقدار ملاک، می توان مناسب بودن

برازش مدل ساختاری را تأیید ساخت.

جدول ۳: مقادیر ضریب تعیین

Table 3: Coefficient of Determination Values

مقادیر R2	متغیرهای پژوهش
۰/۳۵۶	راهبردها
۰/۱۴۲	مقوله محوری
۰/۴۲۱	پیامدها

شاخص افزونگی (CV red) یا آزمون ارتباط پیش‌بین یا Q^2 :

دومین شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص Q^2 است. این معیار که توسط استون گیسر^{۱۴} (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آن‌ها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. به این معنی است که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. هنسلر و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. مقادیر مربوط به شاخص Q^2 متغیرها در جدول ۴ نمایش داده شده است. با عنایت به مقدار منعکس شده دارای قدرت پیش‌بینی قوی می‌باشند و می‌توان عنوان نمود که نتایج نشان دهنده برازش قوی مدل ساختاری پژوهش است.

جدول ۴: مقادیر Q^2

Table 4: Q^2 Values

مقادیر Q^2	متغیرهای پژوهش
۰/۷۵۴	راهبردها
۰/۴۳۲	مقوله محوری
۰/۵۹۸	پیامدها

برازش مدل کلی

برای بررسی برازش مدل کلی که هر دوی بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند تنها یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$Gof = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

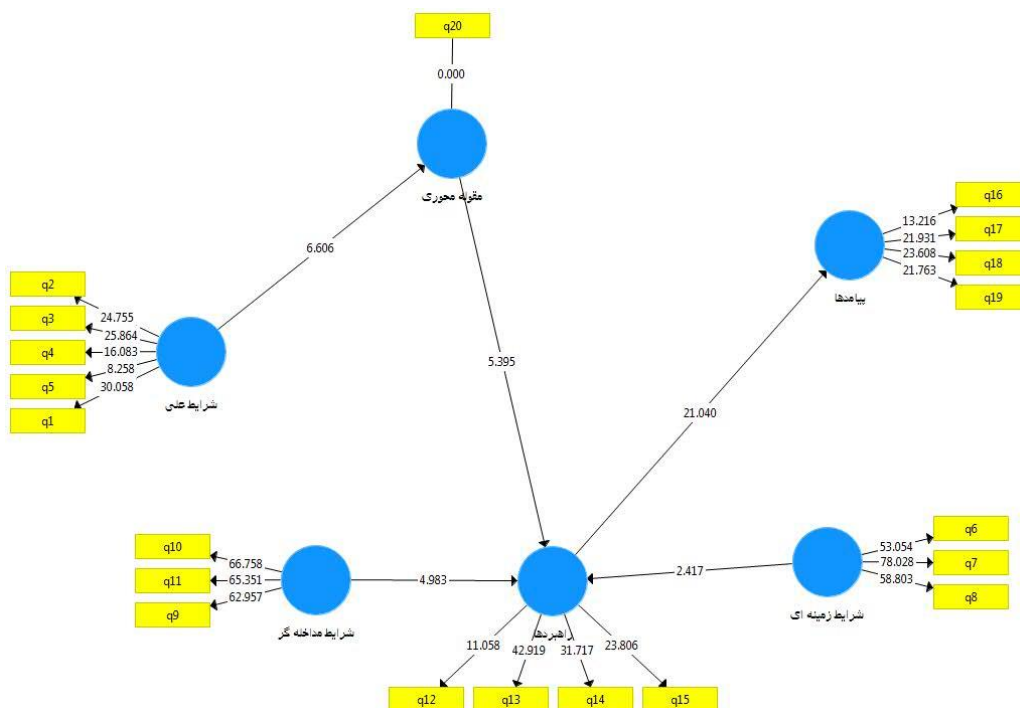
بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

$$Gof = \sqrt{0/557 \times 0/306} = 0/485$$

Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر سازه های درون زای مدل است. وتلز و همکاران، سه مقدار ۰/۲۵/۰۱ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی نموده اند. با توجه به مقدار محاسبه شده برابر با ۰/۴۱۲ است و نشان دهنده برازش قوی مدل کلی پژوهش است.

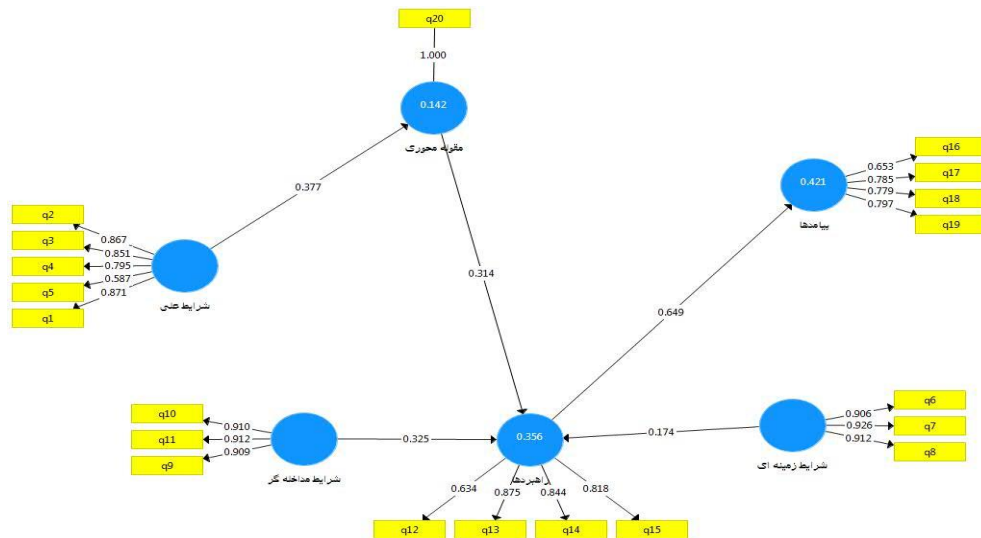
بررسی مدل کلی پژوهش

پس از بررسی برازش مدل اندازه گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، نوبت به بررسی مدل کلی تحقیق می رسد. مدل اجرا شده در محیط نرم افزار pls به شرح شکل های زیر ارائه شده است.



شکل ۳: مدل ساختاری در حالت معناداری

Figure 3: Structural Model in the Significance State



شکل ۴: مدل ساختاری در حالت ضریب استاندارد

Figure 4: Structural Model in the Standardized Coefficient State

با عنایت به نتایج مندرج در شکل ۳ مقدار آماره T بدست آمده برای مسیرهای رسم شده در مدل ارتقاء کیفیت خدمات الکترونیک سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی که مبتنی بر نظریه داده بنیاد بود بیشتر از ۱/۹۶ است. همان گونه که در شکل ۳ قابل ملاحظه است مقدار آماره T برای مسیر شرایط علی به مقوله محوری برابر با ۶/۶۰۶، برای مسیر مقوله محوری به راهبردها برابر با ۵/۳۹۵، برای مسیر شرایط مداخله گر بر راهبردها برابر با ۴/۹۸۳، و برای مسیر شرایط زمینه ای بر راهبردها برابر با ۲/۴۱۷ و راهبردها بر پیامدها برابر با ۲۱/۰۴۰ است. با توجه به شکل ۴ بیشترین ضریب مسیر بدست آمده برای مسیر راهبردها بر پیامدها که برابر با ۰/۶۴۹ است.

یافته‌های کیفی

کدگذاری باز

پس از تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، ۳۵۰ مفهوم اولیه استخراج شد. این مفاهیم شامل مضامینی نظیر «صرفه‌جویی در زمان و هزینه»، «دسترسی‌پذیری خدمات»، «اعتماد به سیستم‌های الکترونیک»، «مقاومت کارکنان»، «ضرورت نوآوری» و «اهمیت پاسخگویی» بودند.

کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه در قالب ۴۵ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. برای مثال،

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

مقوله‌های «امنیت داده‌ها»، «حفظ حریم خصوصی» و «اعتماد» در قالب مقوله اصلی «اعتماد فناورانه» قرار گرفتند.

کدگذاری انتخابی و مدل پارادایمی

در نهایت، یافته‌های کیفی در قالب مدل پارادایمی به شرح زیر دسته‌بندی شدند:

شرایط علی: صرفه‌جویی در هزینه، کیفیت عملکردی خدمات، سرعت و سهولت دسترسی

شرایط زمینه‌ای: زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، شرایط اجتماعی و فرهنگی، قوانین و مقررات

شرایط مداخله‌گر: نگرش کارکنان و ذی‌نفعان، ریسک‌پذیری در پذیرش فناوری، محدودیت‌های مالی و اداری

راهنماها:

دینفع‌گرایی (Stakeholder Orientation)

گرایش به نوآوری (Innovation Orientation)

تبلیغات و اطلاع‌رسانی گسترده

پیامدها: شامل نوین‌سازی سازمان، بهبود عملکرد کارکنان و افزایش رضایت ذی‌نفعان می‌باشد

این مدل نشان می‌دهد که کیفیت خدمات الکترونیک نه تنها تابعی از فناوری است، بلکه تحت تأثیر عوامل مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی نیز قرار دارد.

یافته‌های کمی

پایایی و روایی

نتایج تحلیل پرسشنامه‌ها نشان داد که همه سازه‌ها از نظر پایایی و روایی در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول ۱. شاخص‌های پایایی و روایی همگرا

Table 1: Reliability and Convergent Validity Indicators

سازه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
شرایط علی	۱۰	۰.۸۴	۰.۸۸	۰.۵۹
شرایط زمینه‌ای	۹	۰.۸۱	۰.۸۶	۰.۵۷
شرایط مداخله‌گر	۸	۰.۸۳	۰.۸۷	۰.۶۱
راهنماها	۱۲	۰.۸۹	۰.۹۲	۰.۶۶
پیامدها	۱۰	۰.۸۸	۰.۹۱	۰.۶۴

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

تمامی مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷ و مقادیر AVE بالاتر از ۰.۵ هستند که نشان‌دهنده پایایی و روایی مناسب سازه‌ها است.

ضرایب مسیر (Path Coefficients)

نتایج تحلیل مدل ساختاری نشان داد:

شرایط علی → راهبردها $\beta = 0.37, t = 6.12, p < .01$

شرایط زمینه‌ای → راهبردها $\beta = 0.29, t = 5.48, p < .01$

شرایط مداخله‌گر → راهبردها $\beta = 0.34, t = 6.73, p < .01$

راهبردها → پیامدها $\beta = 0.61, t = 11.25, p < .001$

این نتایج نشان می‌دهد که همه روابط مدل معنادار بوده و راهبردها نقش میانجی کلیدی بین شرایط و پیامدها دارند.

شاخص‌های برازش مدل

R^2 : راهبردها = ۰.۶۲، پیامدها = ۰.۶۸

Q^2 : راهبردها = ۰.۴۱، پیامدها = ۰.۴۶

GOF: 0.58 نشان‌دهنده برازش مناسب مدل

تفسیر نتایج

یافته‌ها نشان داد که شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر به‌طور مستقیم بر راهبردهای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک تأثیر دارند. همچنین، راهبردها نقش میانجی را ایفا کرده و در نهایت موجب پیامدهایی همچون نوین‌سازی سازمان، بهبود عملکرد کارکنان و افزایش رضایت ذی‌نفعان می‌شوند.

این نتایج همسو با پژوهش‌های قبلی (پاراسورامان، ۲۰۰۵) و (لی^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۱) و (محرابی، ۱۳۹۹) است، اما نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تأثیر مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی به‌عنوان چارچوب نظری بومی نیز وارد مدل شده است.

بحث در یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر نقش مهمی در ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی دارند. به عبارت دیگر، کیفیت خدمات

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

الکترونیک تنها به جنبه‌های فناورانه وابسته نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی در شکل‌گیری و توسعه آن دخیل هستند.

نتایج بخش کیفی و کمی نشان داد که شرایط علی مانند صرفه‌جویی در هزینه، کیفیت عملکردی و سرعت دسترسی، زیربنای اصلی برای پذیرش و ارتقای خدمات الکترونیک محسوب می‌شوند. این نتیجه با پژوهش‌های (زایت‌هامل، ۲۰۰۵). همخوانی دارد که بر اهمیت کارایی و قابلیت اعتماد در خدمات آنلاین تأکید کرده‌اند.

همچنین، شرایط زمینه‌ای شامل زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، قوانین و شرایط اجتماعی، نقشی اساسی در موفقیت خدمات الکترونیک ایفا می‌کنند. این یافته همسو با نتایج پژوهش (لی و همکاران، ۲۰۲۱). است که زیرساخت‌های فناورانه و امنیت داده‌ها را از عوامل کلیدی رضایت مشتریان در بانکداری الکترونیک دانسته‌اند.

از سوی دیگر، شرایط مداخله‌گر همچون نگرش کارکنان، ریسک‌پذیری ذی‌نفعان و محدودیت‌های مالی می‌توانند فرآیند پیاده‌سازی خدمات الکترونیک را تسهیل یا تضعیف کنند. این یافته با نتایج (محرابی‌ان، ۱۳۹۹) مشابه است که بیان کرد مقاومت کارکنان و کمبود منابع مالی از مهم‌ترین موانع توسعه خدمات الکترونیک شهرداری‌ها بوده است.

یافته‌های بخش کمی نشان داد که راهبردها شامل ذی‌نفع‌گرایی، نوآوری و تبلیغات گسترده به‌طور مستقیم بر پیامدها اثرگذارند. این بدان معناست که صرفاً ایجاد زیرساخت‌های فناوری کافی نیست، بلکه سازمان باید با نگاه مشتری‌مدار و نوآورانه، اعتماد و رضایت ذی‌نفعان را جلب نماید.

جایگاه مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

نوآوری اصلی این پژوهش، ترکیب چارچوب‌های مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی در مدل ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک است. مدیریت جهادی با تأکید بر تلاش مضاعف، عدالت‌محوری، خلاقیت و تعهد اجتماعی می‌تواند موتور محرک تحول دیجیتال در سازمان‌های عمومی باشد. حکمرانی اسلامی نیز با اصولی همچون عدالت اجتماعی، شفافیت، پاسخگویی و مشارکت مردمی، بستر مناسبی برای اعتمادسازی و کارآمدی خدمات الکترونیک فراهم می‌آورد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تلفیق این دو رویکرد با ابزارهای فناورانه، مدلی بومی و کارآمد برای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک در سازمان‌های عمومی به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی ارائه می‌دهد.

کاربردهای مدیریتی و اجرایی

یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای مدیران سازمان‌های خدمت‌رسان عمومی و سیاست‌گذاران حوزه فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک کاربردهای زیر را داشته باشد:

۱. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: توسعه شبکه‌های اطلاعاتی و امنیت داده‌ها به‌عنوان زیربنای خدمات الکترونیک.
۲. توانمندسازی کارکنان: برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های دیجیتال و نگرش مثبت به تغییرات فناورانه.
۳. مشتری‌مداری: طراحی خدمات بر اساس نیازها و ترجیحات ذی‌نفعان و جلب مشارکت آنان در فرآیند تصمیم‌گیری.
۴. شفافیت و پاسخگویی: استفاده از خدمات الکترونیک به‌عنوان ابزاری برای کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی.
۵. نوآوری سازمانی: تشویق به خلاقیت و به‌کارگیری فناوری‌های نو مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین در خدمات عمومی.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش مانند هر تحقیق دیگری با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است: تمرکز پژوهش بر یک سازمان (تأمین اجتماعی) و عدم تعمیم‌پذیری کامل به سایر سازمان‌های عمومی.

استفاده از داده‌های مقطعی که امکان تحلیل تغییرات در طول زمان را محدود می‌سازد. محدودیت در دسترسی به برخی خبرگان و مدیران کلیدی به دلیل ملاحظات سازمانی.

پیشنهادهای پژوهش‌های آینده

انجام مطالعات مشابه در سایر سازمان‌های عمومی (بانک‌ها، شهرداری‌ها، بیمه‌ها) برای مقایسه نتایج.

استفاده از رویکردهای طولی (Longitudinal) برای بررسی تغییرات کیفیت خدمات در طول زمان.

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسپاسی، تورانی و کیانی

بررسی نقش فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین، کلان‌داده و هوش مصنوعی) در ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک.

ترکیب رویکردهای مدیریتی بومی با مدل‌های بین‌المللی کیفیت خدمات برای ارائه چارچوب‌های تلفیقی.

نتیجه‌گیری کلی

پژوهش حاضر نشان داد که ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک نیازمند توجه به مجموعه‌ای از عوامل فناورانه، مدیریتی و ارزشی است. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بستر ساز راهبردهایی چون ذی‌نفع‌گرایی، نوآوری و تبلیغات گسترده‌اند که در نهایت به پیامدهایی چون نوین‌سازی سازمان، بهبود عملکرد کارکنان و افزایش رضایت ذی‌نفعان منجر می‌شوند.

یافته‌ها تأکید می‌کنند که مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی می‌توانند نقشی کلیدی در موفقیت پروژه‌های خدمات الکترونیک ایفا کنند. این الگو ضمن افزایش کارآمدی سازمانی، موجب تقویت اعتماد عمومی و تحقق عدالت اجتماعی در ارائه خدمات خواهد شد.

منابع

- 1) Kassim, M., & Mujinga, M. (2024). Service quality and security in Ugandan e-banking: Implications for customer satisfaction: A systematic literature review. *Journal of Information Systems and Informatics*, 6(3), 1743–1759. <https://doi.org/10.51519/journalisi.v6i3.820>
- 2) Ginting, Y. M., Chandra, T., Miran, I., & Yusriadi, Y. (2023). Repurchase intention of e-commerce customers in Indonesia: An overview of the effect of e-service quality, e-word of mouth, customer trust, and customer satisfaction mediation. *International Journal of Data and Network Science*, 7(1), 329–340. <https://doi.org/10.5267/j.ijdns.2022.10.001>
- 3) Venkatakrishnan, J., Alagiriswamy, R., & Parayitam, S. (2023). Web design and trust as moderators in the relationship between e-service quality, customer satisfaction and customer loyalty. *The TQM Journal*, 35(8), 2455–2484. <https://doi.org/10.1108/TQM-10-2022-0298>.
- 4) Demir, A., Maroof, L., Sabbah Khan, N. U., & Ali, B. J. (2021). The role of E-service quality in shaping online meeting platforms: A case study from higher education sector. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 13(5), 1436–1463. <https://doi.org/10.1108/JARHE-08-2020-0253>.
- 5) Kazemi, H., Rezaei, S., & Rostami, M. (2021). The role of trust and transparency in improving the quality of electronic services in government organizations. *Government Management Quarterly*, 12(3), 77-95.
- 6) Khatoon, S., Zhengliang, X., & Hussain, H. (2020). The mediating effect of customer satisfaction on the relationship between electronic banking service quality and customer purchase intention: Evidence from the Qatar banking sector. *SAGE Open*, 10(2), 2158244020935887. <https://doi.org/10.1177/2158244020935887>.
- 7) Hasani, M., Sharifi, A., & Zandian, F. (2020). The impact of stakeholder knowledge management on e-service quality in public organizations. *Journal of Information Management*, 5(2), 97–119. <https://doi.org/10.30473/jim.2020.5319.0>
- 8) Mahrabian, P. (۲۰۲۰). The impact of dimensions of e-service quality in municipalities on citizen satisfaction and loyalty. *Journal of Urban Economics and Planning*, 9(1), 42–51. <https://doi.org/10.30473/jeup.2020.5319.0>
- 9) Rita, P., Oliveira, T., & Farisa, A. (2019). The impact of e-service quality and customer satisfaction on customer behavior in online shopping. *Heliyon*, 5(10), e02690. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2019.e02690>.

بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش کیفیت خدمات.../موسوی، میرسیاسی، تورانی و کیانی

-
- 1 . Zeithaml
 - 2 . Zeithaml& Parasuraman,
 - 3 . Loiacono, Watson, & Goodhue
 - 4 . Servqual
 - 5 . Dwivedi
 - 6 . Parasuraman
 - 7 . lie
 - 8 . Venkatakrishna
 - 9 . Creswell & Plano Clark
 - 10 . Strauss & Corbin
 - 11 . Fornell–Larcker
 12. Average Variance Extracted (AVE)
 13. Composite Reliability (CR)
 1. Auston Gieser
 2. Henseler et al
 - 16 . Li

Investigating factors affecting the quality of electronic services in public service organizations from a quantitative and qualitative perspective with a jihadi management approach (case study: Social Security Organization)

Seyyed Ahmed Mousavi¹, Nasser Mirsepasi², Haidar Torani³ And Mojtaba Kiaei⁴

Receipt: 01/06/2025

Acceptance: 20/08/2025

Abstract

Extensive developments in information and communication technology over recent decades have transformed service delivery patterns in public organizations. Electronic services, as an alternative to traditional in-person services, not only play a role in reducing costs and increasing the speed of service delivery but also provide a platform for enhancing quality and improving stakeholder satisfaction. Despite this, the quality of electronic services in public organizations still faces numerous challenges. This study aims to identify and explain the factors influencing the enhancement of electronic service quality in public service organizations, with an emphasis on the principles of Jihadi management and Islamic governance. The present research is applied-developmental in nature and designed with a mixed-methods approach (qualitative-quantitative). In the qualitative phase, using the grounded theory method and semi-structured interviews with experts, a paradigmatic model including causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and consequences was developed. In the quantitative phase, the proposed model was tested using Structural Equation Modeling (SEM) and SmartPLS software. Findings revealed that causal conditions (such as cost savings, perceived ease of use, and functional quality), contextual conditions (such as accessibility and social conditions), and intervening conditions (such as stakeholder attitudes and risk-taking) have a significant positive impact on strategies for enhancing electronic services. Moreover, strategies including stakeholder orientation, innovation tendency, and extensive advertising directly led to outcomes such as organizational modernization, improved employee performance, and increased stakeholder satisfaction. The results of this study indicate that integrating indigenous management values with technological tools can provide an effective model for improving the quality of electronic services in public service organizations. In particular, applying the principles of Jihadi management and Islamic governance can play a vital role in strengthening public trust, enhancing accountability, and increasing organizational effectiveness.

Keywords:

Electronic Service Quality, Jihadi Management, Islamic Governance, Structural Equation Modeling, Grounded Theory

1-PhD Student, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. arad.moosavi99@gmail.com

2-Professor, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) www.n.mirsepasi@srbi.au.ac.ir

3-Professor, Department of Educational Management, Institute for Educational Studies, Tehran, Iran. heidar_toorani@yahoo.com

4-Assistant Professor, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. m-kiaei@srbi.au.ac.ir

Extended Abstract

Introduction.

Over recent decades, the rapid advancement of information and communication technologies (ICT) has profoundly transformed public service delivery models. Electronic services (e-services) have become a crucial mechanism for improving efficiency, reducing operational costs, and enhancing stakeholder satisfaction. However, despite their growing adoption, many public organizations continue to face challenges in ensuring consistent and sustainable e-service quality. This study seeks to identify and explain the key factors influencing the improvement of e-service quality in public organizations, emphasizing the integration of Jihadi management principles and Islamic governance values as a culturally grounded framework for effective service delivery.

Methodology.

The research is applied-developmental in nature and employs a mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with experts in e-government and public management. Using the grounded theory approach, a paradigmatic model was developed, including causal, contextual, and intervening conditions, as well as strategic actions and outcomes. In the quantitative phase, the proposed model was empirically tested using Structural Equation Modeling (SEM) via SmartPLS software, validating the hypothesized relationships among the variables.

Instruments and Data Collection.

Participants for the qualitative stage were selected through expert purposive sampling to ensure diversity in expertise and organizational experience. Based on qualitative findings, a structured questionnaire was developed for the quantitative phase. The content validity of the instrument was confirmed by academic specialists, and its reliability was verified using Cronbach's alpha and composite reliability indices. The survey sample consisted of employees from various public service organizations engaged in electronic service delivery initiatives.

Results.

The findings indicate that causal conditions—including cost efficiency, perceived ease of use, and functional quality—have a significant positive effect on e-service enhancement strategies. Contextual conditions, such as accessibility, social infrastructure, and organizational culture, also play an influential role. Intervening conditions, including stakeholder attitudes and risk-taking tendencies,

were found to moderate these relationships. Moreover, strategies emphasizing stakeholder orientation, innovation, and promotional activities led directly to organizational modernization, improved employee performance, and increased stakeholder satisfaction.

Discussion.

The integration of technological tools with indigenous management philosophies provides a holistic and sustainable approach to improving e-service quality. The study underscores that technology alone cannot ensure service excellence; rather, the inclusion of Jihadi management—which emphasizes dedication, accountability, and collective responsibility—enhances institutional trust and responsiveness. The principles of Islamic governance complement this approach by promoting transparency, ethical leadership, and citizen-centered service delivery.

Conclusion.

This research presents an integrative model demonstrating that combining technological innovation with indigenous managerial values significantly strengthens public trust, accountability, and organizational effectiveness. The findings suggest that public organizations can achieve higher levels of service quality and legitimacy by institutionalizing Jihadi management and Islamic governance principles within e-service frameworks. These results provide valuable insights for policymakers and practitioners seeking to modernize public sector operations in culturally grounded and sustainable ways.



ارائه الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی

افشین لشگری^۱، محمدرضا مردانی^۲، بهزاد شهرابی^۳، الهه معصومی^۴ و سامره شجاعی^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

چکیده:

امروزه یکی از موضوعات مهمی که سازمان‌ها با آن مواجه هستند عبارت است از چگونگی برخورد عادلانه سرپرستان با کارکنان سازمان؛ در واقع این امر موجب گردیده تا افراد نسبت به سازمان تعهد داشته و آن را در جهت تحقق اهداف سازمانی کمک کنند. عدالت سازمانی درجه‌ای است که کارکنان احساس می‌کنند قوانین، رویه‌ها و سیاست‌های سازمانی مربوط به کار آن‌ها، منصفانه است. با توجه به اینکه ما یک کشو اسلامی می‌باشیم بهره‌گیری از آموزه‌های دین اسلام در زمینه برقراری عدالت بسیار مهم و حیاتی است. لذا ارائه الگوی عدالت سازمانی بر اساس موازین اسلامی و حکمرانی اسلامی از ضروریات مهم در سازمان‌های دولتی است. در این راستا تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی (مورد مطالعه: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) بررسی و انجام شده است. روش تحقیق کیفی مبتنی بر گراند تئوری و استفاده از مصاحبه عمیق است. جامعه آماری خبرگان می‌باشند که تعداد ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان خبره در این تحقیق مشارکت داشته‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری با نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد ۱۰۲ شاخص یا مقوله فرعی به‌عنوان شاخص‌های الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی شناسایی شدند که این مقوله‌ها در ۱۷ مقوله اصلی دسته‌بندی گردیده‌اند. همچنین در مرحله سوم کدگذاری ۱۷ مقوله اصلی در قالب سه بعد اصلی و نهایی الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی شامل عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت تعاملی دسته‌بندی شدند. درنهایت مدل پیشنهادی تحقیق ارائه و راهبردهایی برای بهبود عدالت در سازمان ارائه شده است.

کلمات کلیدی:

عدالت سازمانی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی، حکمرانی اسلامی

۱- گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. Afshin.lashgari@iaui.ac.ir

۲- گروه مدیریت منابع انسانی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mardanimr@yahoo.com

۳- گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. b.shahrabi@iaui.ac.ir

۴- گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. elahemasoumi@iaui.ac.ir

۵- گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. Shojaee@iaui.ac.ir

اصطلاح عدالت سازمانی به عنوان ادراک کارکنان از آنچه منصفانه و ناعادلانه در محل کارشان است تلقی می‌شود. چندین دیدگاه در ادبیات، عدالت سازمانی را بر اساس تئوری برابری آدم درک می‌کنند که فرض می‌کند اگر نسبت بین نتیجه فرد و ورودی‌هایی که برای یک شغل ارائه می‌کنند در مقایسه با دیگران نابرابر تلقی شود، احساسات رفتار ناعادلانه رخ می‌دهد. چندین دیدگاه در ادبیات، عدالت سازمانی را بر اساس نظریه برابری آدم درک می‌کنند که فرض می‌کند احساسات رفتار ناعادلانه در صورتی رخ می‌دهد که نسبت بین نتیجه فرد و ورودی‌هایی که برای یک شغل ارائه می‌کنند در مقایسه با دیگران نابرابر تلقی شود. ماهیت این نظریه عدالت این است که اگر کارکنان باور کنند که پاداش‌هایشان ناکافی است، یکی از این دو اتفاق می‌افتد: فرد تلاش می‌کند پاداش بزرگ‌تری کسب کند یا از شدت تلاش تولیدشده بکاهد. بر اساس این دیدگاه، رضایت شغلی یک فرد با درک انصاف یا بی‌عدالتی در یک سناریو مشخص می‌شود (ژو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). در بیشتر زندگی کارمندان، تصمیماتی در مورد میزان حقوق دریافتی افراد گرفته می‌شود، برخی با کاری که انجام می‌دهند و برخی دیگر با توجه به زمینه‌های اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند. مردم به تصمیماتی که می‌گیرند با دیدی بسیار انتقادی می‌نگرند، زیرا این انتخاب‌ها پیامدهای اقتصادی و اجتماعی-عاطفی دارند؛ بنابراین، پس از تصمیم‌گیری، یکی از اولین سؤالات آن‌ها این است که «آیا این عادلانه بود؟». در نتیجه، مفهوم انصاف یا عدالت شامل یک ارزیابی شخصی از معیارهای اخلاقی و اخلاقی سازمان از رفتار مدیریتی به عنوان منصفانه و عادلانه در محیط کار است. این دیدگاه در طول زمان به یک ساختار قابل مشاهده در محل کار تبدیل شده است (سان و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

عدالت سازمانی به میزانی اشاره دارد که کارکنان رویه‌ها، تعاملات و نتایج را در محیط کار منصفانه می‌دانند. نظریه مبادله اجتماعی (هومنز^۳، ۱۹۵۸) ادعا می‌کند که رفتار انسان را می‌توان نوعی مبادله اجتماعی دانست و کیفیت و تداوم مبادله بین دو طرف تحت تأثیر غرامتی است که از طریق مبادله از طرف مقابل به دست می‌آید. هنگامی که کارکنان درک می‌کنند که پاداش به دست آمده از مبادله بین آن‌ها و سازمان نابرابر است، کارکنان تمایل دارند رویکرد متفاوتی را اتخاذ کنند، از جمله یافتن روابط مبادله هم‌تا به هم‌تا یا استعفا (کنگ و سوک^۴، ۲۰۱۹). یک مطالعه همچنین این نظریه را از نظر نتیجه‌گیری آزمایش کرد و نشان داد که ادراکات عدالت سازمانی مراقبین می‌تواند به طور قابل توجهی قصد جابجایی را پیش‌بینی کند (منگستی^۵، ۲۰۲۰). علاوه بر این، مطالعات مرتبط قبلی نشان داده‌اند که کارکنانی که عدالت سازمانی پایینی را درک می‌کنند تمایل به جابجایی بالاتری دارند؛

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

بنابراین، برای پرورش حضور پایدار و بلندمدت کارکنان، بررسی مکانیسم تأثیر زیربنای رابطه بین عدالت سازمانی و قصد ترک خدمت بسیار معنادار است (چوی و شین^۶، ۲۰۲۲، کنگ و سوک، ۲۰۱۹، ژو و همکاران، ۲۰۲۲).

مقوله حکومت و عدالت بارها در کلام نورانی امیرالمؤمنین علی (ع) تجلی یافته است؛ حضرت دریکی از نامه‌های خویش مرقوم فرمودند: «کسانی که در حکومت من به سر می‌برند و سپس به امویان پیوستند، عدل را دیدند و شنیدند و در جان خود قرار دادند ولی آن را نپذیرفتند». از این بیان فهمیده می‌شود که امام علی (ع) در دوران حکومت خویش به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که مردم بتوانند عدل را بفهمند؛ یعنی یک حکومت دادگر می‌تواند با نشان دادن مصداق‌های عدالت به مردم، آن را به ایشان بشناساند. اهمیت عدالت در اداره امور نزد علی (ع) تا بدان جاست که از حضرتش روایت شده است که فرمود: «ملاک السياسة العدل»: معیار سیاست عدالت است (شرح غرالحکم و درر الکلم: ۱۱۶/۶). پیوند دولت و مردم و همدلی و همراهی آن دو جز در سایه عدالتی فراگیر در مدیریت حاصل نمی‌شود. علی (ع) فرموده است: «عدالت نظام بخش حکومت است» (همان: ۱/۲۸). عدل نگه‌دارنده ملت است (همان: ۱/۲۶).

امیر مؤمنان، علی (ع)، فرموده است: همانا بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد خدا بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است... خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن‌که هوای نفس را از دل بیرون رانده است، حق را می‌شناساند و به آن عمل می‌کند (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: خطبه ۸۶). در بحث عدالت و اهمیت آن می‌توان به بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد که فرمودند: «یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور است... این همه مسکن‌سازی در روستاها، این همه جاده‌سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه‌های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، این‌ها در سرتاسر کشور توزیع شده است» (بیانات در اجتماع اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

این مطالعات اهمیت عدالت سازمانی در سازمان به‌ویژه در روابط درونی سازمان و همچنین در روابط بیرون سازمان را نشان می‌دهد؛ بنابراین پرداختن به عدالت سازمانی در تحقیقات علمی بسیار مهم و ضروری است؛ اما مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود رویکرد کلی به مفهوم عدالت سازمانی است. در واقع عدالت سازمانی صرفاً از طریق مدیران سازمان تأمین نمی‌شود و نیاز به رویکرد کلی‌تری در ساختار حکمرانی دارد. با توجه به اینکه ساختار حکمرانی در کشور اسلامی است لذا سؤالی که پیش

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

می‌آید این است که رویکرد حکمرانی اسلامی به عدالت سازمانی بر چه اساسی است و الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی به چه صورت خواهد بود؟

واژه حکمرانی خوب ابتدا در بعد اقتصادی در دستور کار مجامع بین‌المللی قرار گرفت و به‌عنوان پیش‌شرط کمک‌های توسعه از جانب مؤسسات بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه و فقیر مطرح و بعدها بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد. تعاریف دهه‌های اخیر حکمرانی خوب شامل دموکراتیزه کردن سیاست (شامل انتخابات، پاسخگویی و حقوق بشر) و آزادسازی اقتصادی بوده است. اکنون رویکردها و نگاه تازه مجامع جهانی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، رویکردی انسانی و نرم‌افزاری است. هدف برنامه توسعه ملل متحد از تعریف و تعیین ویژگی‌های حکمرانی این است که مردم در جامعه‌ای با حکومت خوب زندگی کنند. در مورد حکمرانی خوب، تعاریف مختلفی ارائه شده است. با دقت در آن‌ها می‌توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آن‌ها چندان تفاوتی نمی‌کند، اگرچه به‌رحال این تعاریف کم‌وبیش با یکدیگر اختلافاتی دارند. برخی از سازمان‌های جهانی و پژوهش‌های علمی با هدف توسعه اقتصادی به حکمرانی نگریسته‌اند (سید باقری، ۱۳۹۵).

حکمرانی اسلامی به دنبال تحقق عدالت است و در این مسیر سازوکارهای خاص خودش را دارد. به همین دلیل بزرگان و دانشمندان دینی به موضوع حکمرانی اسلامی تأکید زیادی دارند. آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی تأکیدات متعددی بر این مؤلفه‌ها داشته‌اند و به‌طور مکرر مسئولان، سیاست‌گذاران نظام اسلامی را به رعایت این اصول و موازین فرامی‌خوانند. هرچند علاوه بر اصول یادشده، مؤلفه‌های دیگری نیز در بیانات ایشان پیرامون الگوی حکمرانی شایسته قابل‌استخراج است که ریشه در نگرش فقهی اسلامی ایشان دارد. از دیدگاه ایشان، مسئله اصلی در مطلوبیت یک حکومت، ماهیت و محتوای آن است که گاه از آن به نوع حکومت تعبیر می‌گردد، ولی شکل حکومت تابع مقتضیات زمان و مکان است و لذا، حکمرانی مطلوب، نوعی سیاست‌گذاری برای اداره جامعه بوده که البته در میان مکاتب سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف دارای تفاوت‌های قابل‌توجهی است (نوده فراهانی، ۱۳۹۸).

تأکید حکمرانی اسلامی بر اجرای دقیق آموزه‌های الهی در تمامی ابعاد جامعه بوده که در آن حاکمان اسلامی در راستای حاکمیت خدا و رسول خدا (ص) گام برمی‌دارند. مطابق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (حج: ۳۰)، حکمرانی اسلامی چیزی جز عمل به شیوه آموزه‌های الهی، یعنی آنچه خدا، رسول گرامی خدا، ائمه و جانشینان وی بیان می‌کنند، نیست. حکومت از نگاه امام (علیه‌السلام) تنها شایسته کسانی است که دارای سه شرط: توانمندی، علم

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

و عدالت باشند؛ به عبارت دیگر ملاک و شأنت برای تصدی حکومت شایستگی است نه انتخاب گروه خاص و یا شخص خاص و یا به صورت موروثی. سخن بلند امام (علیه السلام) در این زمینه چنین است: «ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم عليه و أعلمهم بامر الله فيه؛ ای مردم سزاوارترین مردم به امر خلافت توانمندترین مردم به آن و آگاه‌ترین فرد به امر الهی در این زمینه است».

بر اساس مطالعات انجام شده در چند دهه گذشته و تجارب کشورهای به اصطلاح در حال توسعه که با هزینه نابودی آرمان‌های چندین نسل به دست آمده است، مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت و اولین و پایه‌ای‌ترین نیاز هر کشور، برخورداری از نظام حکمرانی سالم و پویا است. لذا پس از تجربه مدل‌های توسعه اقتصادمحور، به توسعه سیاسی رسیده و در نهایت ترکیبی از توسعه سیاسی، اقتصادی و اداری را در قالب مدل پیشنهاد داده‌اند؛ اما این مدل نیز از ضعف‌های فراوانی رنج می‌برد و علاوه بر ضعف‌های درونی «حکمرانی خوب» با اهداف و موازین اسلامی نیز از منظر مبانی، روش‌ها و راهبردها سازگاری ندارد؛ از اینجا است که تبیین مدل حکمرانی اسلامی ضرورت می‌یابد.

مسئله‌ای که وجود دارد دوری سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی از عدالت سازمانی و گرایش به مدل‌هایی از سازمان مبتنی بر رانت و فساد بر اساس منافع شخصی و حزبی است. بیشتر سازمان‌های دولتی با توجه به برخورداری از منابع و دسترسی به اطلاعات مهم و همچنین با توجه به وجود بودجه دولتی در سازمان، منبعی برای بروز فساد در سیستم و نظام اداری شده است و در سال‌های اخیر مشاهده شده است که اختلاس‌ها و فسادهای بزرگ و گسترده‌ای در برخی از ارگان‌های دولتی و شرکت‌های تابعه روی داده است که دغدغه و نگرانی زیادی در بین مردم و مسئولان نظام ایجاد کرده است. این مسئله باعث کاهش سرمایه عمومی و مردمی می‌شود و به اعتماد عمومی لطمه می‌زند؛ بنابراین مسئله عدالت سازمانی یک مسئله مهم در سازمان‌های دولتی است و باید به عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر این مؤلفه پرداخت و آن‌ها را شناسایی کرد تا بتوان راهکارهایی برای ارتقاء عدالت سازمانی ارائه کرد.

از سویی دیگر کشور ما یک کشور مسلمان است که توانمندی استفاده از ارزش‌های اسلامی برای گسترش عدالت سازمانی را دارد. در واقع با توجه به وجود حکومت اسلامی می‌توان از رهیافت‌های حکمرانی اسلامی برای ارتقاء عدالت سازمانی در ارگان‌های دولتی و شرکت‌های تابعه آن‌ها استفاده کرد و مدلی برای به کارگیری در همه سازمان‌های داخلی ارائه کرد.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یکی از بنیادی‌ترین نهادهای دولت در توسعه و پیشرفت کشور به شمار می‌رود، به طوری که هرگونه فعالیت و رویکردی در آن می‌تواند تأثیر بسزایی در ساخت‌های یک

جامعه بگذارد. نگاهی به اهم وظایف و مأموریت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نشان می‌دهد که این سازمان عریض و طویل در کشور عهده‌دار مسئولیت‌های بزرگی در کشور از قبیل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های آموزش عالی، پژوهش و فناوری، صدور مجوز و نظارت بر تأسیس و فعالیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی و فناورانه در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، برگزاری آزمون‌های سراسری و کارشناسی ارشد، تخصیص بودجه و اعتبارات به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی بین‌المللی و ترویج فرهنگ علم و پژوهش در جامعه است که نقش مهمی در توسعه آموزش، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی کشور ایفا می‌کند. این سازمان نقش تربیت نسل آینده کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، صنعتی و کشاورزی کشور را بر عهده دارد و این قشر می‌تواند آینده کشور را با افق‌های روش و یا تاریک مواجه کنند. اهمیت و حساسیت وظایف و مسئولیت‌های محوله به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باعث توجه بیشتر به رفتار کارکنان و عملکرد آن‌ها می‌شود؛ بنابراین در صورتی که کارکنان در سازمان احساس عدالت سازمانی نداشته باشند قطعاً عملکرد آن‌ها با چالش‌های مهمی مواجه خواهد شد و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز مسائل بیشتر در وزارتخانه موردنظر باشد. در همین راستا بررسی عدالت سازمانی و ارائه الگوی متناسب با محیط فرهنگی و کاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که مبتنی بر رهیافت‌های حکمرانی اسلامی است بیش‌ازپیش اهمیت دارد و نیاز به بررسی علمی و آکادمیک است.

جستجو این موضوع در میان پژوهش‌هایی که تاکنون انجام‌شده، نشان می‌دهد که پژوهش حاضر از دو جهت متمایز دیگر کارهاست: (۱) تاکنون این موضوع به‌صورت علمی و ارائه مدل انجام نپذیرفته است و (۲) در مقایسه با تلاش‌های دیگر که در زمینه حکمرانی شایسته انجام‌شده که بیشتر به دنبال بیان ادبیات دینی بوده‌اند در این پژوهش به جنبه‌های علمی و کاربردی این مقوله در توسعه مفهوم عدالت سازمانی توجه شده است و این تحقیق می‌تواند رویکرد جدید به مفهوم عدالت سازمانی برای مدیران و مسئولان ادارات و ارگان‌های دولتی و خصوصی ارائه نماید تا ضمن بهره جستن از این رهیافت، در جهت بهبود و ارتقاء عدالت سازمانی اهتمام ورزند.

بنابراین در این تحقیق به دنبال ارائه الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی است. در واقع تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که رهیافت‌های حکمرانی اسلامی به عدالت سازمانی چگونه است و الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی به چه صورت است؟

عدالت سازمانی

تئوری عدالت سازمانی دستور کارهای مختلفی را ارائه می‌دهد که در آن افراد اطراف یک فرد خاص نقاط مرجع در نظر گرفته می‌شوند. این نظریه در زمینه‌های بازاریابی، مانند روابط بین مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها، روابط خریدار و فروشنده در B2B (ژانگ و همکاران^۷، ۲۰۲۱) و افراد/سازمان‌های شرکت‌کننده در یک شبکه (رابرسون) استفاده می‌شود. در عمل، عدالت سازمانی یک پایه محکم برای فعالیت‌های شرکتی با تأکید بر مدیریت روابط فراهم می‌کند. عدالت سازمانی مقدمه‌ای برای افزایش کیفیت روابط و تبدیل موقعیت‌های منفی عملکرد یک شرکت به موقعیت‌های مثبت است (تینگ^۸، ۲۰۱۱). مطالعات موجود نشان می‌دهد که اثر تعدیل‌کننده عدالت سازمانی می‌تواند وضعیت منفی مورد انتظار مربوط به توسعه روابط را کاهش دهد. در مطالعات بین سازمانی موجود، سطوح بالای تعارض و فرصت‌طلبی برای کاهش رضایت اجتماعی، اعتماد خیرخواهانه و تعهد عاطفی بر اساس کیفیت رابطه نشان داده شده است (سرینیواسان و همکاران^۹، ۲۰۱۸؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱).
باین‌حال، این موقعیت‌های منفی را می‌توان با سطح بالایی از عدالت سازمانی کاهش داد.

علاوه بر این، از بررسی آثار بخشی، کومار و رانی^{۱۰} (۲۰۰۹) و کروپانزانو، بوون و گیلیند^{۱۱} (۲۰۰۷)، می‌توان فهمید که ساختار عدالت سازمانی به سه بعد به‌عنوان عدالت توزیعی (عدالت در توزیع) تقسیم شده است. پاداش‌هایی مانند دستمزد و ترفیعات، عدالت رویه‌ای (عادلانه در فرآیندها و رویه‌های مورد استفاده برای تصمیم‌گیری) و عدالت تعاملی (عادلانه در نحوه برخورد و اطلاع‌رسانی با کارکنان توسط سرپرستان و همکارانشان). باین‌حال، دیگران با ارائه تقسیم‌بندی عدالت تعاملی به‌عنوان رابطه متقابل و عدالت اطلاعاتی موافقت کردند که باعث می‌شود عدالت سازمانی دارای چهار بعد باشد.

امام (علیه‌السلام) در این گفتار ضمن تأکید بر اصل شایسته‌سالاری در حوزه زمامداری، دو اصل قدرت و علم را از شرایط لازم زمامدار می‌شناسد. البته امام (علیه‌السلام) صرفاً قدرت و علم را کافی نمی‌داند، بلکه برتری در این دو ویژگی در مقایسه با همگان را لازم دانسته است و این همان اصلی است که متکلمان شیعه بر آن پای فشرده و وجود صفاتی برتر از مردم در ائمه (علیهم‌السلام) را شرط امامت دانسته‌اند. نکته دیگر که مطلق قدرت و علم مدنظر امام (علیه‌السلام) نیست، بلکه قدرت بر زمامداری و علم به شریعت در حوزه زمامداری را قصد کرده است. از اینجا می‌توان دریافت که مقصود امام (علیه‌السلام) از علما در عبارت «و ما أخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظّه ظالم و لا سغب مظلوم...». مطلق عالم نیست، بلکه عالم دینی مقصود امام (علیه‌السلام) است. این امر کاملاً منطقی است زیرا هدف حکومت از نگاه امام (علیه‌السلام) در کنار اجرای عدالت، حاکم ساختن دین و

ارزش‌های دینی در اجتماع است و بدیهی است این کار تنها از عهده کسی ساخته است که از دین و زوایای آن اطلاع کامل داشته باشد. مقصود از عالم دینی نیز چنین کارگزاری است. شرط سوم در زمامدار که از لایه‌لای سخنان دیگر امام (علیه‌السلام) قابل استفاده است «عدالت» است. عدالت موردنظر امام (علیه‌السلام) مفهومی فراتر از عدالت مصطلح در فقه دارد، زیرا در فقه عموماً عدالت چنین تفسیر شده است: «ملکه نفسانی که شخص را به ترک محرمات و انجام واجبات و ترک منافیات مروت و عدم اصرار بر صغایر وا دارد» (اخترشهر، ۱۴۰۱).

حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی از جهت مبانی و حتی شاکله حتماً با سایر حکمرانی‌ها متفاوت است هرچند که اشتراکاتی هم دارد. هر نوع حکمرانی خاستگاه تئوریک دارد. البته از قرن نوزدهم و با غلبه رویکردهای پراگماتیستی، مبنای در سیاست و به تبع آن در حکمرانی به شدت کمرنگ شد. از منظر پراگماتیسم، هیچ چیزی مهم‌تر از سودمندی عملی یک نظریه یا دیدگاه برای زندگی نیست به طوری که حتی باید معیار حقیقت را هم در سودمندی، فایده و نتیجه جستجو کرد نه انطباق با واقعیت عینی. حتماً دقت دارید که وقتی انطباق یک دیدگاه با واقعیت عینی یعنی سنت پوزیتیویسم بی‌ارزش تلقی می‌شود، به طریق اولی انطباق با حقایق فلسفی یا دینی هم بی‌ارزش قلمداد می‌شود (امام‌قلی‌پور و آسمانه، ۱۳۹۵). این موضوع در رویکردهای پست‌مدرن پررنگ‌تر است. به بیان دیگر، با ظهور نظریه‌های زبان‌شناختی و تشدید نسبی‌گرایی، مبنای در سیاست و به تبع آن، حکمرانی به ظاهر کنار گذاشته می‌شود. البته روشن است که ما هم نسبت به پراگماتیسم و هم رویکردهای پست‌مدرن نقدهای جدی داریم. این نقدها هم جنبه نظری دارد و هم عملی و اتفاقاً من معتقدم نقد کارنامه رویکردهای پست‌مدرن به سیاست، بیش از نقد تئوریک می‌تواند ضعف و ناتوانایی این رویکردها را نشان دهد (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱). حتی در کشورهای اسکاندیناوی با همه امتیازاتی که به سایر کشورهای اروپایی دارند، اشکالات به نحو دیگری ظهور پیدا کرده است که باید در فرصت مناسب درباره آن صحبت کرد. از جنبه تئوریک، با حذف مبنا و به اوج رساندن نسبیت، تفکر با فروپاشی روبرو می‌شود لذا حتی مبنا ستیزترین نظریه‌ها هم وقتی به عرصه عمل نزدیک می‌شوند، بالأخره چیزی را به عنوان تکیه‌گاه قبول می‌کنند (حجازی‌فر، ۱۴۰۲).

از یک سو، ضروری دانستن مبنا و از سوی دیگر تفاوت مبانی، حکمرانی اسلامی را از حکمرانی مثلاً سکولار متمایز می‌کند اما حرف من فراتر از این است. حرف من این است که وقتی می‌توان نظریه جامعی در باب سیاست اسلامی و همچنین حکومت دینی داشت و زمانی که می‌توان علوم انسانی

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

اسلامی داشت، به‌طریق‌اولی می‌توان حکمرانی اسلامی هم داشت. حکمرانی اسلامی از آن‌جهت که یک حکمرانی عقلانی است حتماً با حکمرانی‌های بشری یا عرفی اشتراکاتی دارد اما اصولاً حکمرانی اسلامی در یک اتمسفر خاص و منحصربه‌فرد متولد می‌شود که برخی از اصول حکمرانی عرفی مانند همین حکمرانی خوب در آن غریبه‌اند یا اگر از الفاظ مشترک هم استفاده می‌کنند در معنا متفاوت‌اند (یاوری، ۱۴۰۲).

برخی از اصول حکمرانی اسلامی عبارت‌اند از حق باوری، آخرت‌گرایی، اخلاق‌مداری، عدالت محوری، جامعه‌گرایی، تک‌انگیزی و اصولی از این قبیل که با اصول برآمده از غرب مدرن مغایرت جدی دارند. فقط یک مورد منشعب از این اصول را به‌عنوان مثال توضیح می‌دهم و آن حذف قانون ربا در حکمرانی اسلامی است که بسیاری از مناسبات حکمرانی را تغییر می‌دهد و شرایط نویی را در حکمرانی اقتصادی به وجود می‌آورد.

حکمرانی اسلامی خاستگاه تئوریک متمایزی دارد و همین خاستگاه تئوریک متمایزی حکمرانی را در خیلی از ابعاد دگرگون می‌کند. ثانیاً، حکمرانی اسلامی علاوه بر مبانی و اصول تئوریک، در روبنا و شاکله حکمرانی هم حرف‌های خاصی دارد. به‌بیان‌دیگر، اسلام در عرصه عمل ساکت نیست و سیاست‌ها، روش‌ها، ابزارها، مکانیزم‌ها و نهادهای منحصربه‌فرد ارائه می‌کند که در حکمرانی اسلامی حضور دارد (شفقت‌رودسری و سعیدتبرزد، ۱۴۰۰). البته روشن است که استفاده از عقل ابزاری در حکمرانی به‌صورت وسیعی رواج دارد و دستاوردهایی که از این طریق در حوزه حکمرانی حاصل می‌شود اسلامی است. به بیان دقیق‌تر، عقل ابزاری در حکمرانی اسلامی دو کارکرد دارد: یا از طریق محاسبه، ساماندهی، برنامه‌ریزی اجرایی و غیره، امکان تحقق عملی ایده‌های خالص دینی در حکمرانی را فراهم می‌کند و یا خودش در مواردی که دین سکوت کرده، رأساً هم ایده پردازی می‌کند و هم فرصت تحقق ایده‌ها را ایجاد می‌کند (محمودی‌کیا، ۱۴۰۱).

در خصوص ارتباط حکمرانی خوب و حکمران اسلامی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، یکی از مباحث نو و مهم قلمداد می‌شود که تقریباً از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد در غرب و در ادبیات توسعه مطرح‌شده و طراحان و دنبال‌کننده‌های آن بیشتر مجامع وابسته به سازمان ملل به‌ویژه برنامه توسعه سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و غیره بوده‌اند. در واقع، حکمرانی خوب شامل طیف وسیعی از مفاهیمی مانند کاهش فقر، توسعه روستایی و شهری، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست، رشد و توسعه‌ی زنان و غیره با تأکید بر رویکرد مشارکتی و شفافیت می‌شود (حمیدی و رمضان‌شمس، ۱۳۹۸). مثلاً برنامه توسعه سازمان ملل

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

(UNDP) حکمرانی را همان اعمال قدرت سیاسی اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح می‌داند. یا بانک جهانی، حکمرانی خوب را به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام غذایی قابل‌اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف می‌کند. باید توجه داشت که در حکمرانی خوب، سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ایفای نقش می‌کنند. در واقع، در این نوع از حکمرانی، حکمرانی تا حدی از انحصار دولت خارج شده و به جامعه مدنی سپرده شده است. البته امروز مدل‌های حکمرانی تنها به حکمرانی خوب محدود نمی‌شود. حکمرانی عمومی، حکمرانی خصوصی، حکمرانی جهانی، حکمرانی شرکتی، حکمرانی غیرانتفاعی، حکمرانی چند سطحی، حکمرانی تنظیمی، حکمرانی مشترک، فرا حکمرانی، حکمرانی شبکه‌ای و غیره، مدل‌های دیگری هستند که امروز درباره آن‌ها صحبت می‌شود. باید توجه داشت، آنچه موجب شده ما به حکمرانی خوب بیشتر توجه کنیم، جنبه ایدئولوژیک آن است که در ادامه عرایضم، کمی در این زمینه صحبت خواهم کرد. خب، برای حکمرانی خوب شاخص‌هایی معین شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون و پیروی از قانون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌گرایی، کارایی و اثربخشی، انسان و عدالت و دولت تسهیل‌گر که البته همه این‌ها قابل‌بحث است. من در اینجا قصد ندارم از حکمرانی خوب یک تصویر صدر در صد منفی ارائه کنم چراکه معتقدم نقاط قوتی هم در آن هست اما واقعیت‌ها را هم نباید نادیده گرفت. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، حکمرانی خوب، ایدئولوژی غرب معاصر و حکمرانی عصر جهانی‌شدن بود و ظهور آن را باید در جهت اهداف غرب برای یکدست کردن جهان بر اساس فرهنگ و سبک زندگی غربی دانست (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱). البته مفاهیمی که به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب مطرح می‌شود اغلب مفاهیم جذابی است اما باید توجه داشت که اولاً، روح این مفاهیم سکولار است و با دین و ارزش‌های دینی سازگار نیست و ثانیاً، این مفاهیم از همدیگر قابل‌تفکیک نیستند؛ یعنی نمی‌توان گفت که ما هر کدام از این مفاهیم را خواستیم می‌پذیریم و هر کدام را نخواستیم نمی‌پذیریم. خیر، حکمرانی خوب یک مفهوم سکولار با اجزایی غیرقابل‌تفکیک است و مقصد آن، بسط سلطه غرب بر جهان و رفع موانعی است که غرب و نظام سرمایه‌داری با آن‌ها روبروست (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷).

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس ماهیت و روش (چگونگی به دست آوردن داده‌های موردنیاز)، در زمره تحقیقات کیفی قرار دارد. هدف این پژوهش ارائه الگوی عدالت‌سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی است. این کار با انجام پژوهش کیفی از نوع نظریه داده بنیاد (گرانددتئوری) که شیوه آن

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرایی، معصومی و شجاعی

اکتشافی است، انجام می‌شود. در این تحقیق از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه اکتشافی نسبت به شناسایی مؤلفه‌ها و مقوله‌های الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی از روش برخاسته از داده‌ها و به شیوه تحلیل محتوا (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. به صورت خلاصه می‌توان گفت، تحقیق حاضر از نظر نحوه و روش پژوهش، کیفی؛ از نظر رویکرد پژوهش، استقرایی؛ از نظر پارادایم حاکم بر پژوهش، عملگرایی؛ از نظر استراتژی پژوهش، تئوری داده بنیاد و از نظر منبع گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری تحقیق حاضر خبرگان هستند که تعداد ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تحقیق مشارکت داشتند. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع، تعداد ۱۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پژوهشگر بعد از مصاحبه دوازدهم با اشباع داده‌ها مواجه شد ولی در جهت اطمینان از کفایت داده‌ها فرایند مصاحبه تا نفر پانزدهم ادامه یافت.

یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری با نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول (۱): نتایج سه مرحله کدگذاری مدل عدالت سازمانی

مضامین فراگیر (کدگذاری انتخابی)	مضامین اصلی (کدگذاری محوری)	مضامین فرعی (کدگذاری باز)
عدالت توزیعی	توزیع عادلانه ساختاری-اقتصادی	بودجه‌بندی عادلانه بین واحدها
		رونق کسب و کار
		ارتقاء سطح اشتغال
		گسترش تولید
		بهبود سواد عمومی
	عدالت در انتصاب‌ها	تقسیم مسئولیت‌ها مبتنی بر توانمندی افراد
		تقسیم وظایف مبتنی بر تخصص افراد
		انتصاب افراد بر اساس تعهد و مسئولیت‌پذیری
		انتصاب افراد بر اساس سطح تجربه
		انتصاب افراد بر اساس مهارت کارکنان
		انتصاب افراد بر اساس دانش افراد

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

		انتصاب افراد بر اساس شایستگی
	عدالت در برابری فرصت‌های پیشرفت	ایجاد فرصت برابر برای بروز توانایی‌ها و شایستگی‌ها
		توزیع عادلانه منابع
		فرصت‌های برابر برای پیشرفت
		عدالت در برخورداری از مزایا و پاداش‌ها
		عدالت در پرداخت حقوق و دستمزد
		عدالت در تقسیم فرصت‌های پژوهشی
	تأمین مالی کارکنان	حمایت ویژه از اقشار محروم
		کاهش فاصله طبقاتی در جامعه
		توجه ویژه به اقشار محروم و آسیب‌پذیر
		کاهش فاصله طبقاتی
		کاهش فقر از طریق توزیع درآمد عادلانه
		بهبود کیفیت زندگی
		تأمین حداقل‌ها و نیازهای معیشتی کارکنان
		تأمین اقتصادی کارکنان
	امنیت شغلی کارکنان	تعهد به امنیت شغلی کارکنان
		کاهش نرخ ترک خدمت
		ثبات شغلی
		حمایت از امنیت شغلی کارکنان
	عدالت و برابری در ترفیع و پرداخت‌ها	ارتقاء رضایت شغلی کارکنان
		توجه به اعمال در کنار نیت جهت تشویق و تنبیه
		پرداخت منظم حقوق و مزایا
		عدم تبعیض جنسیتی در سازمان
		عدم تبعیض بین کارکنان
		تناسب و سنخیت بازده‌های دریافتی و عمل انجام‌شده
	عدالت در شایسته‌سالاری	نخبه‌گرایی در سازمان
		به‌کارگیری افراد نخبه
		رعایت اصل تخصص‌گرایی
		رعایت شایسته‌سالاری
		به‌کارگیری افراد با توجه به توانمندی آن‌ها
		دیده شدن توانایی افراد
		استفاده از تجربه موفق سازمان‌های مشابه

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

		استفاده از خرد جمعی در تصمیم‌گیری‌ها
عدالت رویه‌ای (روشی)	مبارزه با فساد اداری	پیشگیری و برخورد جدی با هر نوع تبعیض، فساد و سوءاستفاده
		فرهنگ‌سازی ضد فساد
		تدوین سیاست‌های مقابله با فساد
		جلوگیری از فساد اداری نظام‌مند
		مبارزه با فساد و بی‌عدالتی در کل سازمان
		پیشگیری از رابطه بازی و رانت
	شفافیت فرآیندها	توضیح و تشریح رویه‌ها و اتفاقات برای افراد
		فرآیندهای شفاف استخدام و ارتقاء
		شفافیت در تصمیم‌گیری
		شفافیت در فرآیندهای سازمان
		نظارت‌های مستمر و مستقل
	مشارکت در تصمیم‌گیری	مشارکت اجتماعی گسترده
		مشورت با اهل فن و خبرگان
		مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری
		ایجاد کانال‌های مشارکت کارکنان
		اخذ تصمیمات بر اساس مبانی دینی
	ثبات در اجرای قوانین	حاکمیت قانون در برخورد با کارکنان و ارباب رجوع
		ایجاد محیطی منصفانه برای کارکنان
		ایجاد محیطی امن برای همه ذینفعان
		رواج قانون‌گرایی و التزام به قانون
		رعایت قوانین کار و حمایت‌های اجتماعی
	فرهنگ پاسخگویی در فرایندها	پاسخگویی هر فرد در ازای مسئولیت پذیرفته‌شده
		پاسخگویی در مقابل قانون
		پاسخگویی در مقابل نهادهای حاکمیتی و نظارتی
		پاسخگویی در مقابل افکار عمومی
		پاسخگویی در مقابل مردم
		پاسخگویی به ارباب رجوع در همه امور
		پاسخگویی به کارکنان در همه امور
	قابلیت بازبینی و	پاسخگویی مدیران در همه سطوح
		وجود سیستم‌های ارزیابی عملکرد عادلانه

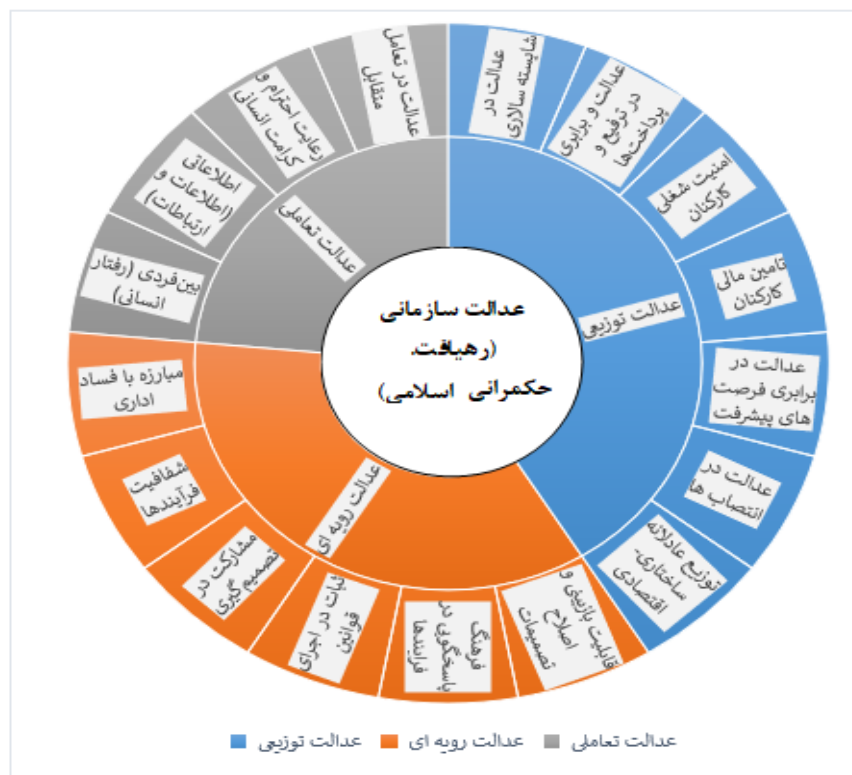
فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

	اصلاح تصمیمات	سیستم‌های ارزیابی عملکرد به صورت عادلانه
		سیستم‌های نظارتی مبتنی بر عدالت
		ارزیابی عملکرد عادلانه و مستمر
		برقراری جلسات منظم هم‌اندیشی
		فراهم کردن فرصت اظهار نظر و نقد تصمیمات
		استفاده از نظرسنجی و بازخورد
عدالت تعاملی (مراوده‌ای)	عدالت در تعامل متقابل	ارائه رویکرد مبتنی بر انصاف و عدالت
		ارائه رویکرد مبتنی بر اخلاق‌مداری
		پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی
		رعایت احترام و کرامت انسانی
	رعایت احترام و کرامت انسانی	رعایت و احترام به حقوق کارکنان
		عدالت در برخورد با کارکنان
		رعایت و احترام به حقوق مشتریان و ارباب رجوع
		احترام و رعایت حقوق همه ذی‌نفعان
		احترام به شأن و منزلت اجتماعی
		ایجاد فضای مناسب روحی و روانی
		احترام به آزادی عقیده و اندیشه
		احترام به آزادی بیان
		حفظ ارزش‌های فردی
		ایجاد نظام روشن برای اطلاع‌رسانی و پاسخگویی مدیران به کارکنان
	اطلاعاتی (اطلاعات و ارتباطات)	سامانه شکایات و نظرات
		دسترسی آزاد به اطلاعات تصمیم‌گیری
		اعتماد متقابل کارکنان و مدیران
	بین فردی (رفتار انسانی)	برخورد با همه بر اساس انصاف
		رعایت عدالت گفتاری با کارکنان و ارباب رجوع
		رعایت عدالت رفتاری با کارکنان و ارباب رجوع
		حفظ کرامت انسانی کارکنان و ارباب رجوع
		تنظیم تعاملات متناسب با نیازهای افراد

نتایج کدگذاری نشان می‌دهد که مدل تحقیق که عبارت از الگوی عدالت سازمانی بر اساس رهیافت‌های حکمرانی اسلامی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است دارای ۱۰۲ مضمون یا شاخص فرعی

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

است. این مضامین در قالب دسته‌بندی بزرگ‌تری کدگذاری شدند که نتایج نشان می‌دهد مضامین فرعی در قالب ۱۷ کد یا مضمون اصلی دسته‌بندی شده‌اند. درنهایت ۱۷ مضمون اصلی در قالب سه مضمون فراگیر شامل عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای (روش) و عدالت تعاملی (مراوده‌ای) دسته‌بندی شدند. شاخص‌های اصلی بعد عدالت توزیعی عبارت‌اند از توزیع عادلانه ساختاری-اقتصادی، عدالت در انتصاب‌ها، عدالت در برابری فرصت‌های پیشرفت، تأمین مالی کارکنان، امنیت شغلی کارکنان، عدالت و برابری در ترفیع و پرداخت‌ها و عدالت در شایسته‌سالاری. عدالت رویه‌ای (روشی) نیز دارای شش شاخص اصلی شامل: مبارزه با فساد اداری، شفافیت فرآیندها، مشارکت در تصمیم‌گیری، ثبات در اجرای قوانین، فرهنگ پاسخگویی در فرایندها و قابلیت بازبینی و اصلاح تصمیمات است. درنهایت عدالت تعاملی (مراوده‌ای) نیز دارای چهار شاخص اصلی شامل عدالت در تعامل متقابل، رعایت احترام و کرامت انسانی، اطلاعاتی (اطلاعات و ارتباطات) و روابط بین فردی (رفتار انسانی) است. مدل نهایی و پیشنهادی تحقیق در شکل (۱) ارائه شده است.



شکل (۱): مدل عدالت سازمانی مبتنی بر رهیافت حکمرانی اسلامی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

حکمرانی اسلامی شیوه تدبیر، تنظیم و اعمال قدرت مشروع بر اساس قوانین الهی شناخته شده است که مبتنی بر عقلانیت مهذب و آموزه‌های اسلامی، اخلاق و ایمان، عدالت و روش‌های زیست مؤمنانه، در ساحت‌های حیات جمعی عمل می‌نماید حکمرانی اسلامی فراتر از فرد حاکم و حتی دولت است، ارکان در تعامل سازنده با یکدیگر حکمرانی مطلوب را تحقق می‌بخشند. نتایج و پیامدهای حکمرانی اسلامی برای جامعه، حرکت به سمت حداکثر سازی تحقق اهداف الهی، پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، کاهش فقر و فساد، همگرایی، انسجام و وحدت جامعه، اعتماد ارکان به یکدیگر است و اعمال قدرت و کسب اقتدار در حکمرانی اسلامی از طریق اقناع و مشارکت‌جویی همگانی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری معقول و صحیح، تجهیز و تخصیص عادلانه منابع، به‌کارگیری قدرت نرم و سخت و کنترل نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و مانند آن است با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ۱) حجازی‌فر، سعید (۱۴۰۲)، «چیستی و نقش‌آفرینان حکمرانی اسلامی بر اساس فرمایشات امام علی علیه‌السلام»، مدیریت اسلامی سال ۳۱ تابستان ۱۴۰۲ شماره ۲، صص ۸۷-۱۲۷.
- ۲) امام‌قلی‌پور، سارا؛ آسمانه؛ زهرا (۱۳۹۶)، «شاخص حکمرانی در اسلام و تأثیر آن بر بروندهای سلامت در ایران»، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۵، پیاپی ۱۵، صص ۹۳-۱۰۸.
- ۳) شفقت رودسری، آریا و سعید تبرز، محمد (۱۴۰۰)، ارائه الگوی حکمرانی متعالی اسلامی - ایرانی بر اساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) «حکمرانی متعالی، شماره پنجم، بهار ۱۴۰۰، صص ۱-۲۴.
- ۴) فرید، دانیال و حکم‌آبادی، سید حامد (۱۴۰۰)، «عدالت، محور حکمرانی اسلامی در گام دوم انقلاب: واکاوی بایدها و واقعیتهای در دولت اسلامی»، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دامغان، <https://civilica.com/doc/1245065>
- ۵) سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۵)، «کارکردهای عدالت در حکمرانی اخلاقی از منظر اندیشه سیاسی اسلام»، علوم سیاسی، دوره ۱۹، (شماره ۷۶ - زمستان ۹۵)، ۱۵۱-۱۷۰.
- ۶) متفکر، حسین و بهاروندی، سهیلا، ۱۴۰۱، «ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب»، حکمرانی متعالی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۱.
- ۷) محمودی کیا، محمد، (۱۴۰۱)، «نظریه‌ای برای فهم چیستی و چگونگی تحقق الگوی اسلامی ایرانی از حکمرانی مطلوب»، مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شماره ۱۰، صص ۲۸۶-۱۶۵.
- ۸) یاورى، وحید (۱۴۰۲)، حکمرانی یک واژه و هزار معنا، سایت www.ismang.ir
- 9) A.-F. Ionescu, D. Iliescu, LMX, organizational justice and performance: curvilinear relationships, J. Manag. Psychol. 36 (2) (2021) 197–211.
- 10) Aggarwal, J. Goyal, K. Nobi, Examining the impact of leader-member exchange on perceptions of organizational justice: the mediating role of perceptions of organizational politics, Theor. Econ. Lett. 8 (11) (2018) 2308.
- 11) Bakhshi, K. Kumar, E. Rani, Organizational justice perceptions as predictor of job satisfaction and organization commitment, Int. J. Bus. Manag. 4 (9) (2009) 145–154.
- 12) Hassan, I.H.A.A. Jubari, Organisational justice and employee work engagement: LMX as mediator, J. Int. Bus. Enterpren. Dev. 5 (2) (2010) 167–178.

- 13) Jin Yong Park, Changju Kim, 2023, The role of organizational justice and social interaction in mitigating the negative effects of high-performance member retailers on strategic integration, *Journal of Retailing and Consumer Services*, Volume 72, May 2023, 103238.
- 14) H. Hardianto, V.P. Sari, Leader-member exchange in educational institutions, *AL-ISHLAH: Jurnal Pendidikan* 13 (2) (2021) 1088–1096.
- 15) H. Zhu, et al., Employee voice: a mechanism to harness employees' potential for sustainable success, *Int. J. Environ. Res. Publ. Health* 19 (2) (2022) 921.
- 16) J. Saragih, et al., Can organizational justice dimensions mediate between leader mindfulness and leader-member exchange quality: an empirical study in Indonesia pharmaceutical firms, *Sys. Rev. Pharm.* 11 (2) (2020) 545–554.
- 17) M. Mori, et al., How to give voice for employee satisfaction. The mediation effect of LMX and distributive justice, in: *The Business of Now: the Future Starts Here*, European Academy of Management (EURAM), 2020, 0-0.
- 18) M.E. Tarkang, R.Y. Nange, A. Ozturen, Inspiring employee voice through leader–member exchange, *J. Publ. Aff.* 22 (1) (2022) e2317.
- 19) N.A. Ishak, S.S. Alam, The effects of leader-member exchange on organizational justice and organizational citizenship behavior: empirical study, *Eur. J. Soc. Sci.* 8 (2) (2009) 324–334.
- 20) S. Chan, D. Yeung, The impact of leader-member exchange (LMX) and empowerment on employee voice behavior, *Nang Yan Business Journal* 4 (1) (2016) 44–55.
- 21) R.C. Liden, J.M. Maslyn, Multidimensionality of leader-member exchange: an empirical assessment through scale development, *J. Manag.* 24 (1) (1998) 43–72.
- 22) T. Na'imah, H.K. Tjahjono, A. Madjid, Validity and reliability testing of organizational justice scale in educational organizations, *Journal of Positive School Psychology* (2022) 33–41.
- 23) Y. Sun, et al., Voice endorsement and employee safety voice behavior in construction projects: the mediating role of leader-member exchange, *Int. J. Environ. Res. Publ. Health* 19 (6) (2022) 3374.
- 24) Y. Akyel, Analysis of relationships between coaches' organizational justice and leader-member exchange by structural equation modeling, *Int. J. High. Educ.* 7 (3) (2018) 197–208.

ارائه الگوی عدالت سازمانی براساس.../الشگری، مردانی، شهرابی، معصومی و شجاعی

یادداشت‌ها:

-
- 1 Zhu, et al
 - 2 Sun, et al
 - 3 Homans
 - 4 Kong & Souck
 - 5 Mengstie
 - 6 Choi & Shi
 - 7 Zhang et al
 - 8 Ting
 - 9 Srinivasan et al
 - 10 Bakhshi, K. Kumar, E. Rani
 - 11 Cropanzano, D.E. Bowen, S.W. Gilliland

Presenting an organizational justice model based on Islamic governance approaches

Afshin Lashgari¹

Mohammad Reza Mardani²

Behzad Shahrabi³

Elahe Masoumi⁴

Samere Shojaei⁵

Receipt: 03/06/2025 Acceptance: 29/07/2025

Abstract:

Today, one of the important issues that organizations face is how supervisors treat employees fairly; in fact, this has caused individuals to be committed to the organization and help it achieve organizational goals. Organizational justice is the degree to which employees feel that the organizational rules, procedures, and policies related to their work are fair. Given that we are in an Islamic country, utilizing the teachings of Islam in the field of establishing justice is very important and vital. Therefore, presenting an organizational justice model based on Islamic standards and Islamic governance is an important necessity in government organizations. In this regard, the present study was conducted with the aim of presenting an organizational justice model based on Islamic governance approaches (case study: Ministry of Science, Research, and Technology). The qualitative research method is based on grand theory and the use of in-depth interviews. The statistical population is experts, and 15 university professors and senior managers of the Ministry of Science, Research, and Technology participated in this study as experts. Three coding stages with MaxQuda software were used to analyze the data. The results of data analysis and analysis show that 102 indicators or subcategories were identified as indicators of the organizational justice model based on Islamic governance approaches, which were categorized into 17 main categories. Also, in the third stage of coding, the 17 main categories were categorized into three main and final dimensions of the organizational justice model based on Islamic governance approaches, including distributive justice, procedural justice, and interactional justice. Finally, the proposed research model is presented and strategies for improving justice in the organization are presented.

Keywords:

Organizational justice, distributive justice, procedural justice, interactional justice, Islamic governance.

1-Department of Management, Aliabad Katol Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katol, Iran. Afshin.lashgari@iau.ac.ir

2-Department of Human Resources Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) mardanimr@yahoo.com

3-Department of Management, Aliabad Katol Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katol, Iran. b.shahrabi@iau.ac.ir

4-Department of Management, Aliabad Katol Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katol, Iran. elahemasoumi@iau.ac.ir

5-Department of Management, Aliabad Katol Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katol, Iran. Shojaee@iau.ac.ir



تأثیر تورم بر شاخص‌های حکمرانی در ایران با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد NARDL)

مژگان کریم‌زاده‌خویی^۱

منیره دیزجی^۲

محمد رضا ناهیدی‌امیرخیز^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

چکیده

تورم به‌عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی، همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به‌طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد. انقلاب اسلامی که به ایجاد حکومتی اسلامی در ایران منجر شد، در عرصه‌های خارجی نیز مانند سایر عرصه‌ها، تحولی ریشه‌ای به همراه آورد. موضوع پیشرفت کشور از اهدافی است که همه دولت‌ها به دنبال دستیابی و تحقق آن هستند؛ بنابراین، رسیدن به این پیشرفت و رشد در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است که لازمه آن داشتن الگوی مناسب است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقشه جامعی برای حرکت در مسیر تعالی است و از این‌رو الگوی پیشرفت باید کاملاً منطبق بر محیط آینده باشد تا بتواند از ناهموازی‌های آینده عبور کند و اثرگذار باشد. یکی از عواملی که می‌تواند به‌طور ویژه، کنترل‌کننده و کاهش‌دهنده تورم باشد، متغیر شاخص نهادی حکمرانی است که از طریق راه‌هایی مانند ایجاد ثبات در اجرای قوانین، ایجاد اطمینان خاطر در میان فعالان اقتصادی، کاهش فساد باعث کاهش تورم می‌شود؛ بنابراین استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با لحاظ شاخص‌های حکمرانی برای برقراری یک جامعه اسلامی ضروری می‌باشد. در این پژوهش به‌منظور آزمون و بررسی تأثیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر تورم با لحاظ شاخص‌های حکمرانی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۵ به‌صورت فصلی از مدل الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی NARDL استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده آن است که شوک‌های مثبت و منفی نرخ ارز تأثیر مثبت بر تورم دارد و شوک‌های مثبت و منفی تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر تورم و شوک مثبت شاخص حکمرانی تأثیر مثبت و شوک منفی تأثیر منفی بر تورم دارد.

کلمات کلیدی:

الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، تورم، شاخص حکمرانی، رویکرد NARDL

طبقه‌بندی JEL: A13, C29, E31, I25, O39

۱- دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. mojgan.karimzadeh@iaui.ac.ir

۲- دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) dizaji@iaui.ac.ir

۳- استادیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. nahidi@iaui.ac.ir

موضوع پیشرفت کشور از اهدافی است که همه دولت‌ها به دنبال دستیابی و تحقق آن هستند؛ بنابراین، رسیدن به این پیشرفت و رشد در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است که لازمه آن داشتن الگوی مناسب است. در سال ۱۳۸۵، رهبر انقلاب طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به‌عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح نمودند. ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و نیاز کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت از دلایل طرح این موضوع می‌باشد. در مورد ویژگی این الگو باید بیان کرد که الگوی پیشرفت ظرفی دارد و آن اسلامی و ایرانی بودن آن است. این ظرف اسلامی و ایرانی از هم جدا نیست. اسلام به ایرانی هویت بخشید و ایرانی نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم نمود. این الگو از سوی متفکران ایرانی مسلمان شکل گرفت و الگویی کاملاً بومی است (اسمعیلی گیوی و همکاران، ۱۳۹۷). در این میان پیشرفت اسلامی مستلزم استفاده بهینه از منابع و نهادهای تولید جهت حداکثرسازی بهره‌وری اقتصاد و افزایش تولید است. بدین‌سان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منطبق بر مضمون عملیات عدالت اقتصادی در موقعیت مکانی کشور ایران خواهد بود و درنهایت، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان مترادف با طراحی وضعیت رویکرد اقتصادی عادلانه ایران اسلامی دانست. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با ارائه چارچوب نظری جدید برای شناسایی و حل مشکلات کشور به‌طور عام و مشکلات اقتصادی به‌طور خاص، چشم‌انداز نوین را در برابر تحقیقات علمی گشوده است. اگرچه جدید بودن این چشم‌انداز زمینه گمانه‌زنی و نظریه‌پردازی درباره ماهیت و محتوای این الگو را فراهم می‌کند، تلاش‌های متعددی توسط اندیشمندان مختلف با زمینه‌های علمی متفاوت انجام گرفته است (زرپیاف و همکاران، ۱۳۹۷). نیاز جامعه انسانی به نظم اجتماعی و ساختار حکومت و قدرت سیاسی از عناصر بدیهی نزد محققین است و جوامع بشری هیچ‌گاه از نهاد حکومت و مدیریت سیاسی و اجتماعی خالی نبوده‌اند. برای این امر، شیوه‌ها و مدل‌های مختلفی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها ارائه شده است. حکمرانی معمولاً واژگانی چون اداره مدیریت، برنامه‌ریزی و توسعه، سبک‌های گوناگونی از شیوه‌های راهبردی منابع ملی را مدنظر قرار می‌دهد؛ از این‌رو می‌توان گفت، حکمرانی ابزار اصلی در توسعه به شمار می‌رود (پور عزت، ۱۴۰۰). طبق مطالعات قبلی صورت گرفته تأثیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفته رویکرد اقتصادی به‌صورت کامل و شفاف تبیین نشده است. این پژوهش با انطباق شاخص‌های حکمرانی بر معیارهای اصلی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به‌صورت کمی و کیفی و رابطه دقیق آن بر اثربخشی رویکرد اقتصادی متمرکز شده است که در نوبه خود جنبه نوآورانه و جدیدی می‌باشد. از نظر کاربردی، خروجی

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریم زاده، دیزجی و ناهیدی

این مطالعه و تحقیق می تواند به شکل کاربردی و عملی مورد استفاده سازمان های تصمیم گیری کلان کشوری و لشکری در راستای تحقیق اهداف بلندمدت نظام و تحقیق تمدن اسلامی با تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با محوریت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد.

تورم به عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی در دنیای کنونی، همواره باعث نگرانی دولت مردان و صاحب نظران اقتصادی بوده است. تورم در نتیجه عوامل متعدد و متنوع دولتی و غیردولتی، ساختاری و غیرساختاری بروز می نماید و در پی بروز آن، اقتصاد درگیر مشکلات فراوانی می گردد. لذا شناخت عوامل مؤثر در بروز تورم و راهکارهای مقابله با آن نه تنها منجر به گسترش و بسط عدالت اجتماعی در جامعه می گردد، بلکه گامی مهم در جهت ثبات اقتصادی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد اقتصادی مستمر محسوب می شود. تورم پدیده ای است که به شدت تحت تأثیر فضای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور قرار دارد. لذا بهبود شرایط کلی جامعه جهت کنترل تورم امری ضروری است. حکمرانی به معنای هدایت کردن یا اداره کردن است.

از جمله شاخص های نهادی که عموماً شرایط کلی حاکم بر جامعه را مشخص می نماید، شاخص نهادی حکمرانی است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد nardl) است. در همین راستا از شاخص های حکمرانی که توسط محققان بانک جهانی ارائه می گردد، استفاده می شود. این شاخص ها عبارتند از: حق اظهار نظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، بار مالی مقررات، کنترل فساد (شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۶).

این تحقیق می تواند چشم انداز پیشرفت جمهوری اسلامی ایران را روشن کند که با نگاهی به مجموعه مطالعات انجام شده در ایران و کشورهای اسلامی و جهان غرب بر مبنای الگوهای تعیین شده و بررسی نقطه نظرها و دیدگاه های اسلام در مورد آن الگوها در رسیدن ایران به یک تمدن اسلامی که غایت نهایی آن رسیدن به جامعه ای پیشرفته و متعالی می باشد رهگشا خواهد بود. پس از تبیین اهمیت کاهش تورم و لزوم توجه به شاخص حکمرانی این سؤال مطرح می شود که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه با لحاظ شاخص های حکمرانی می تواند بر تورم تأثیر بگذارد؟ در همین راستا می توان فرضیه ای مبنی بر اینکه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ بهبود شاخص حکمرانی، تورم را کاهش می دهد، مطرح کرد.

این مقاله به شرح ذیل سازمان دهی شده است. در بخش نخست مبانی نظری و پیشینه تحقیق مرتبط با موضوع تحقیق ارائه خواهد شد و به پشتوانه این محقق استنتاجات خود را به اجمال بیان

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

خواهد کرد. پس از آنکه در بخش دوم مروری بر مطالعات تجربی انجام گرفت، در بخش سوم به توضیح روش کار خواهیم پرداخت. تجزیه و تحلیل نتایج مدل و نتیجه‌گیری و پیشنهادها به ترتیب در بخش چهارم و پنجم ارائه خواهد گردید.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

توجه به اهمیت فرهنگ اقتصادی و رفتارسازی مطلوب در حوزه اقتصاد، مقوله‌ای است که در طول سالیان گذشته همواره مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته بر اساس دیدگاه آن‌ها از الگوی مطلوب و مادی زندگی فردی و اجتماعی قرار داشته و برای اجرایی نمودن آن سیاست‌گذاری هدفمند را در عرصه نظام آموزش و فرهنگی تدارک دیده‌اند (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۱). به عقیده خامنه‌ای؛ امروزه از دید بسیاری از نخبگان و کارگزاران کشور، مدل پیشرفت صرفاً برگرفته از مدل‌های غربی بوده و اگر توسعه و پیشرفت از روی این مدل‌ها دنبال و تعقیب گردند، عواقب خطرناکی خواهد داشت. (خامنه‌ای، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶).

در یک تعریف جامع و مبسوط، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان یک نقشه راه کامل و جامع دانست که توسط متفکران ایرانی، تحت تأثیر شرایط تاریخی، فرهنگی، اقلیمی و بومی برای حرکت به سوی کمال و مادی تدوین می‌شود (قربی، ۱۳۹۲). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رشد مستمر سیاسی اقتصادی و فرهنگی ایران همراه با تحکیم پایه‌های معنوی و مادی است (غفاری و همکاران، ۱۴۰۰). طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری موجب توجه به ابعاد خارجی و کاربرد آن در جهان اسلام نیز شده است. اعتقاد بر این است که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با دیدی متفاوت از الگوهای رایج توسعه و مبنای اصول و ارزش‌های جامعه و متناسب با شرایط و امکانات و نیازهای آن، همچنین با به‌کارگیری ابتکار و تفکر اسلامی و ایرانی در کنار بهره‌گیری از محتوا و منابع غنی اسلامی و الهی، می‌تواند فرایند توسعه را در عرصه‌های گوناگون از جمله فکر، علم، زندگی و معنویت به صورت راهبردی در بستر نظام جمهوری اسلامی ایران، پیاده‌سازی کرد.

حکمرانی به معنی حکم‌فرمایی یا کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت است. به عبارت بهتر حکم در اینجا به معنای فرمان، قاعده، نظام، تنظیم و... است و راندن به معنی اجرا، اعمال قدرت، راهبری، هدایت و... است. حکمرانی با این تعبیر، موضوعی میان‌رشته‌ای و مرکب از شاخه‌های مختلف محسوب می‌شود (عبداللهی و قناعتی، ۱۴۰۴). با توجه به گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی (۱۹۹۵)، حکمرانی الگوی مناسبی برای اصلاحات ساختاری به‌منظور توسعه کشورهای کمک گیرنده می‌باشد، بنابراین در این تحقیق به‌منظور کمی کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریم زاده، دیزجی و ناهیدی

شاخص های حکمرانی استفاده می شود. شاخص حکمرانی از دید بانک جهانی رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه گیری می کند. این شاخص نشان می دهد چگونه نوع حکومت یک کشور، به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندانش تأثیر می گذارد (فدایی و همکاران، ۱۳۹۶). حاکمیت در این زمینه می تواند برای همکاری، حکمرانی بین المللی، ملی یا محلی و نیز تعاملات بین دیگر بخش های جامعه اعمال شود. لذا مفهوم حکمرانی به عنوان الگویی برای مقایسه اقتصادهای ناکارآمد یا نهادهای سیاسی با اقتصادها و نهادهای سیاسی مناسب مطرح می شود. به طور کلی می توان گفت حکمرانی، تمرین مدیریت منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می باشد. در پژوهش های ایرانی که با رویکردی بومی در بازتعریف این مفهوم داشته اند، بر این باورند که بنیان های مفهومی حکمرانی مقتبس از الگوی حکمرانی کشورهای غربی با الگوی حکومتی لیبرال دموکراسی است و این کشورها با استفاده از قدرت نهادی خود درصدد جهانی سازی این اصول هستند؛ لذا ایده طرح ریزی یک الگوی جامع از حکمرانی در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تدوین «سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» منجر شد. درواقع، از دیدگاه طرفداران این الگو، اسلام با برخورداری از ظرفیت نظام سازی این امکان را می دهد تا با تکیه بر منابع معرفتی خود در کنار بهره گیری از تجربیات بشری، الگویی متناسب با ویژگی های بومی کشور طراحی و اجرا گردد (محمودی کیا، ۱۴۰۱). بانک جهانی شاخص حاکمیت جهانی که یک مجموعه داده حقیقی است و از خلاصه ای از نظرات در مورد کیفیت حکمرانی ارائه شده توسط تعداد زیادی از پاسخ دهندگان نظرسنجی بر اساس شش شاخص تعریف شده شامل: حق اظهارنظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد تعریف می نماید. این داده ها از تعدادی از مؤسسات نظرسنجی، اندیشکده ها، سازمان های غیردولتی سازمان های بین المللی و شرکت های بخش خصوصی جمع آوری می گردد (وقفی، ۱۳۹۹).

حق اظهارنظر و پاسخ گویی^۱ بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه بر مردم تأثیر می گذارد مورد سؤال و بازخواست قرار دهد. این شاخص بیانگر مفهوم هایی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه های اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است.

شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت^۲ به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می پردازد.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

کارایی و اثربخشی دولت^۳ بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل تحولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد.

شاخص بار مالی مقررات^۴ بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد؛ سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش‌از اندازه تجارت خارجی.

حاکمیت قانون^۵ میزان احترام علمی که دولت‌مردان شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

کنترل فساد^۶ استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه‌گیری می‌کند (صمیمی، ۱۳۸۴).

تورم به لحاظ مفهومی، از نظر اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت دارد. تورم به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود. تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است (بانک مرکزی، ۱۴۰۰). تورم همیشه یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران بوده است؛ زیرا تورم یکی از عوامل اثرگذار بر توزیع نابرابر درآمد و ثروت به نفع ثروتمندان و باعث بی‌ثباتی و ایجاد عدم اطمینان در اقتصاد کلان می‌شود و با کاهش افق سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین، با ایجاد نا اطمینانی نسبت به آینده و پیش‌بینی‌ناپذیری ارزش مقادیر آتی، اخذ تصمیم‌های بلندمدت مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، کار را با مشکل مواجه می‌کند و با افزایش احتمال اشتباه در برآورد نرخ تورم آتی موجب ضرر و زیان خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی می‌شود (Romer, 2012)؛ بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر تورم و راه‌کارهای کاهش آن می‌تواند منجر به گسترش عدالت اجتماعی و ثبات در اقتصاد در سطح کلان شود. بر اساس نظریه‌های اقتصادی عوامل اثرگذار بر تورم را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: تورم ناشی از فشار تقاضا که در نتیجه به‌کارگیری سیاست‌های پولی و مالی انبساطی است. تورم ناشی از فشار هزینه در نتیجه شوک‌های طرف عرضه، افزایش هزینه دستمزد و سایر نهاده‌های تولید، کاهش بهره‌وری و سیاست‌های مالیاتی ناکارآمد در بخش تولید، افزایش نرخ ارز و تورم وارداتی است. تورم ساختاری ناشی از رشد نامتوازن بخش‌های اقتصادی، بازارهای غیررقابتی، وابستگی درآمدهای دولت به درآمدهای نفتی،

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریم زاده، دیزجی و ناهیدی

محدودیت های موجود در عرضه نهاده های تولیدی و محدودیت ها در تجارت خارجی است (ایزدخواستی و همکاران، ۱۴۰۱). در ادبیات نظری دلایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در تشریح بروز تورم بیان شده است. بر اساس نظریه های اقتصادی عوامل اثرگذار بر تورم را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) تورم ناشی از فشار تقاضا: که ناشی از به کارگیری سیاست های پولی و مالی انبساطی است. در نظریه های پولی استدلال می شود که رشد عرضه پول بیش از رشد تقاضای پول واقعی علت اصلی تورم است. از آنجایی که عرضه پول ارتباط نزدیکی با سیاست پولی دارد، تورم پایدار منعکس کننده انتخاب به کارگیری سیاست رشد بیش از حد پول است. همچنین، اعمال سیاست های انبساطی مالی در زمان افزایش درآمدهای ارزی و تأمین کسری بودجه ایجاد شده ناشی از کمبود منابع ارزی توسط بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی و در نهایت تورم خواهد شد. در رویکرد کینزین ها در اقتصاد کلان همواره بر تأثیر افزایش تقاضای کل بر تورم تأکید کرده اند. در این رویکرد اعتقاد بر این است که در شرایط اشتغال کامل، اجرای سیاست های انبساطی موجب پیشی گرفتن تقاضای کل بر عرضه کل و باعث افزایش تورم در اقتصاد می شود (Shakeri and et al., 2019)؛ بنابراین، وقتی تقاضای کل بالفعل در جامعه نسبت به عرضه کل در حالت اشتغال کامل، فزونی می یابد، می توان گفت که اقتصاد دچار تورم ناشی از فشار تقاضا شده است. سیاست های مالی انبساطی همچون، افزایش مخارج دولت، کاهش نرخ مالیات بر درآمد، کسری بودجه دولت و افزایش عرضه پول را می توان از عوامل مؤثر بر این نوع تورم دانست.

ب) تورم ناشی از فشار هزینه: که در نتیجه شوک های طرف عرضه، افزایش هزینه دستمزد و سایر نهاده های تولید، افزایش قیمت حامل های انرژی و کاهش بهره وری و سیاست های مالیاتی ناکارآمد در بخش تولید، افزایش نرخ ارز و تورم وارداتی است. در این نظریه برخلاف مکتب کینزین ها و مکتب پولیون که فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل در شرایط اشتغال کامل را منشأ تورم می دانند، افزایش مداوم هزینه های تولید و کاهش عرضه کل، علت اصلی افزایش قیمت ها عنوان می شود.

پ) تورم ساختاری: که ناشی از رشد متوازن بخش های مختلف اقتصادی، بازارهای غیررقابتی، وابستگی درآمدهای تولیدی و محدودیت ها در تجارت خارجی است. فرآیند صنعتی شدن و توسعه، تقاضا برای کالاهای تجاری را افزایش می دهد؛ اما به دلیل تنگناهای موجود در این بخش، امکان افزایش متناسب تولید وجود نداشته و باعث افزایش قیمت نسبی محصولات مربوطه می شود. همچنین، ساختار نامناسب اداری و بروکراسی شدید و نا اطمینانی های سیاسی و اقتصادی نیز در نتیجه

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

به‌کارگیری سیاست‌های ناکارآمد در اقتصاد منجر به افزایش نرخ تورم خواهد شد (Sadeghi and et al., 2019).

در حوزه آسیب‌های اجتماعی، بخش مهمی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها برای حل آسیب‌های اجتماعی از جانب مردم و بخش خصوصی تأمین می‌شود. دولت نیز در این میان دارای سهم و نقش است و نظام حکومتی به تنظیم روابط بین بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش غیرانتفاعی منجر خواهد شد. در عرصه‌های مختلف اجتماعی نیازمند الگویی برای هدایت و سازمان‌دهی هستیم (مسعودی پور، ۱۴۰۴)؛ بنابراین رابطه بین شاخص حکمرانی و تورم با تأثیرپذیری از الگوی اسلامی ایران پیشرفت می‌تواند به شکل کاربردی و عملی مورد استفاده سازمان‌های تصمیم‌گیری کلان‌کشوری و لشکری در راستای تحقیق اهداف بلندمدت نظام و تحقیق تمدن اسلامی با تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی قرار گیرد.

در اینجا به خلاصه‌ای از مطالعات داخلی و خارجی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق اشاره می‌شود:

مرشدی‌زاده (۱۳۹۶)، در پژوهشی با استفاده از روش توصیفی به بررسی حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که در نگاه نخست مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی خوب، تضاد و تعارض با ارزش‌های جمهوری اسلامی ندارد و می‌توان از آن برای ایجاد نظامی کارآمدتر و سالم‌تر بهره گرفت.

منتظری و همکاران (۱۳۹۷)، با رویکردی کیفی با استراتژی مفهوم‌سازی داده بنیاد به بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) پرداختند و با مقایسه حکمرانی کریمه و الگوهای رایج حکمرانی خوب به این نتیجه می‌رسد که رفتار فاضله به‌عنوان الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه است.

احمدی شادمهری و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای رابطه بلندمدت بین حکمرانی و رکود تورمی را با استفاده از فرآیند خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده ARDL مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد که وجود رابطه همجمعی معنی‌داری بین متغیرهای مدل برقرار است و در کوتاه‌مدت و بلندمدت، متغیر فساد در دولت رابطه مستقیم و حاکمیت قانون نظم و قانون رابطه معکوس با رکود تورمی در اقتصاد دارد.

یزدان‌بخش و محمدی (۱۳۹۸)، به بررسی شاخص‌های اقتصادی پیشرفت شهری با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پرداختند. آن‌ها داده‌ها را از بین مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی توسعه شهرهای جهانی

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

و متون و مقالات مربوط به شهرهای اسلامی استخراج کرده و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا مهم ترین شاخص های اقتصادی با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی رامعرفی کرده اند. شاخص های به دست آمده از روش AHP به ترتیب اولویت عبارت اند از: عدالت اقتصادی، سلامت اقتصادی، فرهنگ کار و اشتغال، تولید، رفاه عمومی، الگوی مصرف، گسترش آبادانی، وضعیت مالی شهر، مالکیت و وضعیت مسکن.

اجاقی و فیروزآبادی (۱۳۹۹)، در مقاله ای به طراحی الگوی پیشرفت و توسعه متناسب با جامعه اسلامی ایران به شناسایی مؤلفه های تأثیرگذار همچون شاخص سیاسی، شاخص اقتصادی، شاخص اجتماعی و فرهنگی، توسعه انسانی، زیست محیطی و علم و فناوری پرداختند. آن ها از روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از روش کتابخانه ای در چارچوب رویکرد تحلیلی-توصیفی به جمع آوری اطلاعات پرداخته و با توجه به بیانات مقام معظم رهبری شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ۶ حوزه به صورت شاخص های سیاسی، اقتصادی، علم و فناوری، زیست محیطی، توسعه انسانی و شاخص های اجتماعی و فرهنگی طبقه بندی گردیده است.

قجری و همکاران (۱۴۰۰)، تفاوت میان دو الگوی شناخته شده حکمرانی در جهان امروز؛ یعنی مدل حکمرانی اسلامی و مدل حکمرانی خوب را مورد بررسی قرار داده اند. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده، مدل حکمرانی اسلامی رو به سوی پیشرفت و تعالی مادی و معنوی انسان در قلمروی حاکمیت خداوند دارد، اما حکمرانی خوب هدف گذاری خود را مبنی بر شاخص های توسعه اقتصادی-اجتماعی در ادبیات نظری مدرن قرار داده است.

خانی هولاری و همکاران^۷ (۲۰۱۴)، به بررسی تعیین کننده های پول و غیر پولی تورم در ایران طی بازه ۱۹۵۹ تا ۲۰۱۰ پرداخته اند. از جمله تعیین کننده های غیر پولی مورد بررسی در این مطالعه می توان به بی ثباتی سیاسی و شاخص های حکمرانی اشاره نمود. نتایج مطالعه حاکی از ارتباط مثبت متغیرهای بی ثباتی سیاسی و حکمرانی با نرخ تورم در ایران است.

شاه آبادی و همکاران^۸ (۲۰۱۷)، در مقاله پژوهشی با بررسی تأثیر شاخص حکمرانی بر تورم در کشورهای منتخب G77 با استفاده از مدل ترکیبی استخراج شده از روش های اقتصادسنجی اثبات کرده اند که شاخص نهادی حکمرانی در کشورهای منتخب عضو جنبش عدم تعهد بر نرخ تورم تأثیر منفی و معنی دار دارد. همچنین تأثیر متغیرهای تورم انتظاری، تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

اقتصادی و متغیر ثروت‌های طبیعی بر نرخ تورم مثبت و معنی‌دار است. تأثیر اثرات متقابل متغیرهای شاخص نهادی حکمرانی و ثروت‌های طبیعی نیز بر نرخ تورم مثبت و معنی‌دار است.

میرخلیلی و همکاران^۹ (۲۰۲۰)، به مطالعه تبیین الگوی توسعه سیاسی با تأکید بر شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پرداختند. بر اساس یافته‌های تحقیق مؤلفه‌های اقتدار درونی، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، چشم‌انداز اداری و سازمانی، ابتنا و عدالت و معنویت و ابعاد فردی به‌عنوان مؤلفه‌های تبیین‌کننده الگوی اسلامی سیاسی پیشرفت، بیش از سایر مؤلفه‌ها مورد تأکید قرار گرفت.

تشیزی و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۲)، با بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر میزان تورم (مطالعه بین‌کشوری) با استفاده از داده‌های مربوطه و استخراج آن‌ها از منابع معتبر علمی نظیر بانک جهانی و با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی اثبات کرده‌اند که شاخص‌های حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و کنترل فساد دارای تأثیر منفی و معنی‌دار و شاخص کیفیت قوانین و مقررات دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم می‌باشد.

با توجه به مطالعات انجام‌گرفته می‌توان اشاره نمود که در این تحقیقات به‌صورت نظری و تجربی به ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی و تورم و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌طور جداگانه پرداخته‌شده است. با عنایت به اینکه موضوع پژوهش حاضر در سال‌های اخیر بیشتر موردتوجه قرارگرفته و یک موضوع جدید و بکری می‌باشد لذا پژوهشگر با توجه به کمبود داده‌ها به‌صورت کلی نتایج مطالعات مذکور را مقایسه می‌کند لذا لازم به ذکر است که منظور از کمبود داده‌ها که بیان‌شده است در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد که هیچ‌گونه داده‌ای در اختیار نیست و به‌صورت توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته می‌شود و به دلیل اینکه شاخص‌های حکمرانی برگرفته از بانک جهانی در بازه زمانی بیان‌شده در دسترس بوده است. نتایج مطالعات فوق‌الذکر نشان‌دهنده ارتباط مثبت بی‌ثباتی سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات و ارتباط منفی کنترل فساد و حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی بر تورم می‌باشد، بنابراین بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای حکمرانی در فرآیند رشد و کاهش تورم کشورها تأثیرگذار خواهد بود.

روش پژوهش

هدف از این مطالعه تأثیر تورم بر شاخص‌های حکمرانی در ایران با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد NARDL) می‌باشد. در ابتدا با استفاده از آزمون مانایی دیکی فولر تعمیم‌یافته به بررسی مباحث اقتصادسنجی پرداخته، سپس تکنیک اقتصادسنجی غیرخطی الگوی خود

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

توضیح برداری با وقفه های گسترده (NARDL) مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. در ادامه مدل مورد بررسی معرفی شده و نتایج تخمین، مورد بررسی و تفسیر قرار می گیرند. متداول ترین روش برای بررسی مانایی داده ها استفاده از آزمون دیکی فولر است. فرم کلی معادله خود رگرسیونی دیکی فولر تعمیم یافته به صورت زیر است:

$$\Delta Y_t = \beta_1 + \beta_2^t + \delta \sum_{i=0}^m \Delta Y_{t-i} + \varepsilon_t \quad (1)$$

t متغیر زمان و روند و ε_t اجزای اخلال تصادفی بوده است که فرض می شود که دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس δ^2 می باشد. مقادیر متغیر وابسته در سمت راست معادله به منظور رفع خود همبستگی احتمالی بین جملات خطا است. در ادامه برای بررسی اثرات کوتاه مدت و بلندمدت از الگوی خود رگرسیون با وقفه های توزیعی غیرخطی NARDL استفاده شده است که یکی از روش های هم انباشتگی نامتقارن تلقی می شود. در سال های اخیر روش هم انباشتگی نامتقارن در مدل خود رگرسیونی با وقفه توزیعی به گونه ای گسترش یافته که در آن مجموع مؤلفه های مثبت و منفی متغیرها کمک می کند تا تأثیرات نامتقارن متغیرهای توزیعی در کوتاه مدت و بلندمدت شناسایی شوند و تأثیر شوک های مثبت و منفی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تفکیک کوتاه مدت و بلندمدت قابل بررسی است. درواقع خصوصیات مدل ARDL غیرخطی تحلیل مشترکی از مسائل مربوط به مانایی و غیرخطی بودن در مدل تصحیح خطای نامقید را می دهد. با توجه به این که رهیافت NARDL توسعه یافته رهیافت ARDL است، به همین علت دارای مزیت های روش ARDL نیز می باشد. از جمله اینکه در این روش می توان بدون توجه به اینکه تمام متغیرها از درجه یک I(1) یا ترکیبی از درجه یک و صفر I(1) و I(0) باشند، مدل را برآورد نمود. همچنین در روش ARDL علاوه بر اینکه امکان ورود وقفه های متغیر مستقل و وابسته در مدل وجود دارد این امکان وجود دارد که در نمونه های کوچک نیز قابل استفاده باشد. پیش از توسعه مدل NARDL با فرض متغیر وابسته y و مستقل x رابطه بلندمدت زیر تعریف می شود:

$$Y_t = \beta^+ X_t^+ + \beta^- X_t^- + U_t \quad (2)$$

که در آن Y_t نشان دهنده متغیر وابسته است. X_t مجموعه ای از متغیرهای انباشته از مرتبه یک هستند. در این مدل اگر β معنادار شود دلالت بر اثر شاخص حکمرانی بر رویکرد اقتصادی است.

$$X_t = X_0 + X_t^+ + X_t^- \quad (3)$$

در رابطه بالا ارزش متغیر X_t است. همچنین X_t^+ و X_t^- نشان دهنده تغییرات مثبت و منفی جزئی در متغیر X_t می باشد که توسط اسپرودرت^{۱۱} توسعه یافته و به صورت روابط زیر درآمده است:

$$X_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta X_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_j, 0) \quad (۴)$$

$$X_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta X_j^- = \sum_{j=1}^t \min(\Delta x_j, 0)$$

گرنجر و یون^{۱۲} (۲۰۰۲) مفهوم همبستگی پنهان را معرفی می‌کنند که در آن روابط همزیستی بر اساس مؤلفه‌های مثبت و منفی متغیرها ساخته می‌شود و اسچوردت (۲۰۰۳) این مفهوم را اصلاح می‌کند. آن‌ها همچنین نشان دادند که هم‌انباشتگی خطی استاندارد (متقارن) حالت خاصی از هم‌انباشتگی پنهان است و هم‌انباشتگی پنهان مورد خاصیت از هم‌انباشتگی نامتقارن است. رابطه هم‌انباشتگی خطی مؤلفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی به صورت زیر خواهد بود:

$$Z_t = \beta_0^+ Y_t^+ + \beta_0^- Y_t^- + \beta_1^+ X_t^+ + \beta_1^- X_t^- \quad (۵)$$

با توجه به معادله ۵ استقرار Z_t وجود یک همبستگی نامتقارن بین Y_t و X_t را بیان می‌کند. به طوری که اگر Z_t ایستا باشد در این صورت Y_t و X_t دارای همجمعی نامتقارن می‌باشد (قاسمی، ۱۳۹۸).

همان‌طور که قبلاً نیز خاطرنشان گردید شاخص حکمرانی خوب از شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت، شاخص حاکمیت قانون، شاخص کنترل فساد، شاخص کارایی و اثربخشی دولت و شاخص کیفیت قوانین و مقررات تشکیل شده است که جنبه‌های مختلف حکمرانی خوب را در نظر گرفته شده است. الگوی اسلامی ایرانی پس از مطرح شدن توسط رهبر انقلاب، نظر و توجه جوامع و محافل علمی را به سمت خود جلب کرد و ثابت شد که با توجه به معارف الهی و اسلامی می‌توان با در نظر گرفتن کلیات نظام جمهوری اسلامی و با رضایت به شرایط بومی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به نیازهای جامعه ایرانی پاسخگو بود. یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف حکومت‌ها توجه داشتن به شاخص‌های حکمرانی آن کشور است؛ به طوری که بعد از انقلاب نیز پیشرفت چشم‌گیری در اجرایی شدن و تحقق شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی در ایران اسلامی صورت گرفته و به نظر می‌رسد که عملیاتی شدن این شاخص‌ها تأثیر مستقیم در بحث رویکرد اقتصادی ایران دارد. به طوری که طبق مطالعات اسنادی گذشته اثرگذاری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر شاخص‌های اصلی رویکرد اقتصادی از جمله تورم به صورت کاملاً محسوس و قابل قبولی اثبات شده است. در پژوهش حاضر، تأثیر تورم بر شاخص‌های حکمرانی در ایران با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد nardl) مورد مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش از نرم‌افزار EViews استفاده شده است. دوره مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰ به صورت فصلی در کشور ایران در نظر گرفته شده و اطلاعات آماری متغیرها از سایت بانک مرکزی و بانک جهانی استخراج شده است. مدل

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

اقتصادی به کار برده شده مدل غیرخطی الگوی خود توضیح برداری با وقفه های گسترده (NARDL) بدون عرض از مبدأ می باشد. از روش NARDL استفاده می شود به دلیل اینکه بسیاری از روابط اقتصادی واقعی نامتقارن هستند، یعنی اثرات افزایش و کاهش یک متغیر بر متغیر دیگر یکسان نیست. مدل NARDL به محققان این امکان را می دهد تا این عدم تقارن را در مدل های خود در نظر بگیرند و نتایج دقیق تری به دست آورند.

مدل مورد بررسی با الهام از مطالعه شاه آبادی و همکاران (۲۰۱۷) به صورت زیر بوده؛

$$IN = IN(-1) + GDP_POS + GDP_NEG + GDP_NEG(-1) + PRS_POS + PRS_NEG + XR_POS + XR_NEG$$

متغیرهای پژوهش عبارت اند از:

IN: تورم، به لحاظ مفهومی، از نظر اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت دارد. در این مطالعه از شاخص قیمت مصرف کننده برای محاسبه نرخ تورم استفاده شده است.

GDP: تولید ناخالص داخلی؛ محاسبه تولید ناخالص داخلی یک کشور شامل همه مصارف خصوصی و عمومی، مخارج دولتی، سرمایه گذاری ها، افزایش موجودی کالا، هزینه های ساخت و ساز و تراز تجاری می شود.

PRS: میانگین شش شاخص حکمرانی؛ شاخص حکمرانی از دید بانک جهانی، رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه گیری می کند. این شاخص نشان می دهد چگونه نوع حکومت یک کشور، به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندانش تأثیر می گذارد.

XR: نرخ ارز، عبارت است از مقداری از واحد پولی ملی که برای به دست آوردن واحد پول کشور دیگر باید پرداخت شود. به پول های خارجی ارز گفته می شود، به گفته دیگر به واحدهای پولی که در کشورهای دیگر جز کشور اصلی دادوستد شود به صورت کلی ارز گفته می شود.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

تأثیر متغیر تورم بر شاخص های حکمرانی با بهره گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه است؟

سؤالات فرعی:

(۱) استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر شاخص حکمرانی چگونه است؟

(۲) استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر تورم چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

متغیر تورم بر شاخص‌های حکمرانی با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی:

(۲) استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر شاخص حکمرانی تأثیر دارد.

(۳) استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر تورم تأثیر دارد.

یافته‌های پژوهش

یک اصل مهم در برآورد مدل رگرسیونی بررسی مانایی متغیرهاست. با توجه به این‌که اکثر متغیرهای سری زمانی کلان اقتصادی نامانا هستند، بنابراین طبق نظریه هم‌جمعی در اقتصادسنجی لازم است برای بررسی رگرسیون کاذب، نسبت به مانایی متغیرها اطمینان حاصل کرد. در این مطالعه متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی‌فولر تعمیم‌یافته (ADF) مورد آزمون قرار گرفته است. جدول ۱ نتایج آزمون ریشه واحد را نشان می‌دهد:

جدول ۱- بررسی مانایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی‌فولر

متغیر	p-value	آماره آزمون	نتیجه
IN	۰/۰۰	-۳/۴۹	مانا
GDP	۰/۰۱	-۳/۴۹	مانا
PRS	۰/۰۰۱	-۳/۵۰	مانا
XR	۰/۰۰۱	-۳/۵۰	مانا

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر بر اساس خروجی نرم‌افزار ایویوز

نتایج نشان می‌دهد متغیرهای تحقیق مانا بوده است زیرا قدرمطلق آماره محاسبه‌شده ADF از مقادیر بحرانی بیشتر است. در ادامه جدول ۲ نتایج رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت حاصل از تخمین مدل را نشان می‌دهد:

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

جدول ۲- نتایج آزمون F (باند) غیرخطی برای وجود رابطه بلندمدت و کوتاهمدت

کوتاهمدت		بلندمدت		آزمون ها
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	متغیر
-۱/۴۲	-۲/۹۱	-۲/۴۶	-۰/۲۵	شوک مثبت GDP
-۱/۰۳	-۲/۰۴	-۱/۸۵	-۰/۱۸	شوک منفی GDP
۰/۰۰۰	۲/۰۱	۱/۹۰	۱/۹۶	شوک مثبت XR
۰/۰۱	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۰۰۲	شوک منفی XR
۹/۶۳	۱/۲۵	۱/۲۹	۱/۷۱	شوک مثبت PRS
-۱/۹۷	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۸۱	شوک منفی PRS

مأخذ: یافته های پژوهشگر بر اساس خروجی نرم افزار ایویوز

شوک های مثبت و منفی تولید ناخالص داخلی در کوتاهمدت و بلندمدت تأثیر منفی و معنادار بر تورم دارد، یعنی اگر شوک مثبت یا منفی به تولید ناخالص داخلی وارد شود، باعث کاهش تورم می شود؛ یعنی اگر ۱ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد تورم در بلندمدت به میزان ۰/۲۵ و ۰/۱۸ و در کوتاهمدت به میزان ۱/۴۲ و ۱/۰۳ کاهش می یابد. مدل NARDL یک مدل اقتصادسنجی است که برای بررسی اثرات نامتقارن بین متغیرها استفاده می شود. در این روش، متغیر مستقل به دو جزء مثبت و منفی تفکیک می شود. جزء مثبت نشان دهنده افزایش متغیر مستقل (شوک مثبت) و جزء منفی نشان دهنده کاهش متغیر مستقل (شوک منفی) است. به عنوان مثال، در بررسی رابطه بین تورم و مصرف، ممکن است یک شوک مثبت تورمی (افزایش تورم) اثر متفاوتی بر مصرف نسبت به یک شوک منفی تورمی (کاهش تورم) داشته باشد. شوک های مثبت و منفی نرخ ارز در کوتاهمدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معنادار بر تورم دارد؛ این نتیجه به این معنی است که با افزایش ۱ درصد نرخ ارز تورم نیز در بلندمدت و کوتاهمدت به ترتیب به میزان ۱/۹۶ و ۰/۰۰۲ و ۰/۰۰ و ۰/۰۱ افزایش می یابد و برعکس. شوک مثبت شاخص حکمرانی و شوک منفی شاخص حکمرانی به ترتیب تأثیر مثبت و منفی معنادار بر تورم دارند؛ به این ترتیب که افزایش ۱ درصد متغیرهای حق اظهارنظر و پاسخ گویی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی تورم در بلندمدت و کوتاهمدت به ترتیب به میزان ۱/۷۱ و ۹/۶۳ کاهش می یابد و افزایش ۱ درصد متغیرهای بار مالی مقررات، کنترل فساد و ثبات سیاسی و عدم خشونت باعث افزایش تورم در بلندمدت و کوتاهمدت به ترتیب به میزان ۰/۸۱ و ۱/۹۷ می شود. این موضوع نشان می دهد که

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

در مورد متغیرهای حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی شوک‌های مثبت و در متغیرهای بار مالی مقررات، کنترل فساد و ثبات سیاسی و عدم خشونت شوک منفی به تورم وارد می‌کنند.

آز آنجایی آماره F از باند پایینی و از باند بالایی کمتر است ($۳.۲۴ > ۲.۲۱$ و $۲.۲۱ > ۲.۰۴$) در نتیجه رابطه بلندمدت بین متغیرها برقرار است. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای ذکر شده، می‌توان از الگوهای تصحیح خطا (ECM) استفاده نمود. این الگوها بین نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها و مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. با استفاده از این الگوها نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. ضریب جمله ECM نشان می‌دهد که در هر دوره، چند درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت، برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر این ضریب نشان می‌دهد که چند دوره طول می‌کشد تا تورم به روند بلندمدت خویش برگردد. جدول ۳ نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا را نشان می‌دهد:

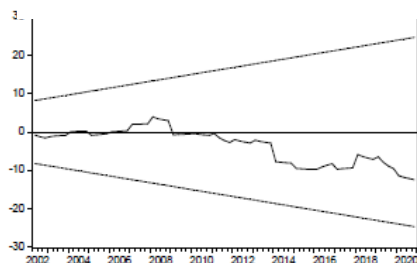
جدول ۳- نتایج معادله تصحیح خطا

متغیر	ضریب	آماره t
D(GDP POS)	-۰/۳۲	-۲/۵۱
D(GDP POS(-1))	-۰/۹۸	-۲/۸۹
D(GDP NEG)	۰/۷۲	۲/۶۶
D(XR POS)	۳/۹۲	۲/۷۹
D(XR NEG)	-۰/۰۰	-۰/۰۹
D(PRS POS)	۲/۶۶	۱/۷۹
D(PRS NEG)	۲/۱۲	۰/۹۱
CointEq(-1)	-۰/۱۷	-۴/۰۶

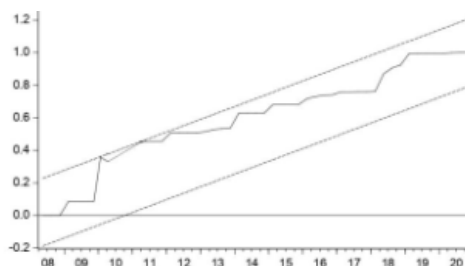
مأخذ: یافته‌های پژوهشگر بر اساس خروجی نرم‌افزار ایویوز

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد اگر شوکی وارد شود، حدود ۱ دوره طول می‌کشد که تا به روند بلندمدت خود برگردد. آزمون ثبات برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین وجود یا عدم وجود شکست ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای تشخیص این امر، از آزمون‌های مجذور تجمعی و مجموع مجذور تجمعی باقیمانده‌ها (CUSUM و CUSUM Q) استفاده می‌شود. نتایج آزمون حاکی از پایداری ضرایب برآوردی است. نتایج آزمون در ادامه ارائه شده است:

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی



CUSUM OF Squares



CUSUM

نمودار ۱- پایداری ضرایب (یافته های پژوهشگر)

حال برای ارزیابی مدل برآورده شده به انجام آزمون های عدم وجود همبستگی سریالی میان جملات خطا، آزمون عدم وجود ناهمسانی واریانس، آزمون نرمالیت پراکنش شده است. جهت اطمینان از صحت وجود یا عدم وجود خودهمبستگی از آزمون گادفری استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم خودهمبستگی می باشد و فرضیه مقابل نیز وجود خودهمبستگی را بیان می کند. لذا در مدل مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. جهت بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس و فرضیه مقابل نیز مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس است. با توجه به نتایج جدول ۴، مشکل ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. جهت نرمال بودن پسماندهای مدل از آزمون جاگ برا استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن باقیمانده ها است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم نرمال بودن پسماندها است که با توجه به نتایج جدول زیر، نشان دهنده نرمال بودن پسماندها است.

جدول ۴- نتایج آزمون خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی، نرمالیتی

آماره	احتمال	نوع آزمون
۰/۹۶	۰/۰۳	آزمون خودهمبستگی
۱/۹۷	۰/۰۵	آزمون واریانس ناهمسانی
۲۴۸/۹۷	۰/۰۰۰۰	آزمون نرمالیتی پسماندها

مأخذ: یافته های پژوهشگر بر اساس خروجی نرم افزار ایویوز

جمع بندی و نتیجه گیری

کشور ایران سال هاست به معضل تورم دچار شده است بنابراین ایجاد سیاست های اقتصادی و برنامه ریزی مناسب که سازگار با یکدیگر عمل کنند بسیار ضروری و الزامی می باشد. برنامه ریزی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

بلندمدت که سبب بهبود اوضاع اقتصادی کشور شود بسیار سخت و دشوار است و نیاز به مطالعه و دقت فراوان دارد. یکی از این برنامه‌ریزی‌ها استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که با استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص‌های حکمرانی موجب بهبود تورم در کشور می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ناظر بر تورم با لحاظ شاخص‌های حکمرانی در ایران می‌باشد که در این پژوهش از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی NARDL در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۵ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که شوک‌های مثبت و منفی تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی و معنادار بر تورم دارد، یعنی اگر تولید اقتصادی در حال کاهش باشد یا صرفاً ثابت بماند، اکثر بنگاه‌ها نمی‌توانند سود خود را افزایش دهند؛ بنابراین این امر باعث افزایش تورم می‌شود. شوک‌های مثبت و منفی نرخ ارز در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معنادار بر تورم دارد؛ این نتیجه همبستگی نرخ ارز با تورم را نشان می‌دهد که در یک جامعه هم‌سو باهم حرکت می‌کنند. شوک مثبت شاخص حکمرانی و شوک منفی شاخص حکمرانی به ترتیب تأثیر مثبت و منفی معنادار بر تورم دارند؛ از ویژگی‌های شاخص حکمرانی داشتن اهداف روشن و باثبات اقتصادی است و دولتی همراه با اتخاذ برنامه‌های اقتصادی با مشکلاتی نظیر تضعیف عملکرد دولت در افت شاخص حکمرانی مواجه نمی‌شود بنابراین مشکلات ریشه‌ای در اقتصاد نظیر تورم دائمی و مخرب به وجود نمی‌آید. این پژوهش همچنین با مطالعات تجربی تحقیق نظیر مطالعات تشنیزی و همکاران (۲۰۲۲) و شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۷) و یزدان‌بخش و همکاران (۱۳۹۸) و شادمهری و همکاران (۱۳۹۷) و مرشدی‌زاده (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. بر این اساس، لزوم توجه دولت‌مردان به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سیاست‌های اقتصادی درست در جهت رشد جامعه امری ضروری می‌باشد؛ بنابراین هر چه قدر ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در جامعه تقویت شود تورم در جامعه با بهره‌گیری از الگوی اسلامی کاهش خواهد یافت. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سبب می‌شود دولت و سیاستمداران اقتصادی از کانال تدوین قوانین و مقررات اثربخش، پایبندی به قوانین و ایجاد سیستم قضایی مستقل، حمایت از حقوق مالکیت و ممانعت از تضعیف حق و حقوق افراد جامعه، امنیت اقتصادی را گسترش دهند. همچنین با تصویب قوانین کارا و بهینه با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت زیربنایی اصولی و پایدار جهت تداوم فعالیت‌های اقتصادی به وجود می‌آورند. لذا در صورت بهبود شرایط اقتصادی جامعه از بروز نوسانات تورم در امان می‌ماند.

تاثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

منابع

- ۱) اجاقی، صبا، آقایی فیروزآبادی، سید محمود. (۱۳۹۹). "طرح مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)"، فصلنامه راهبرد، سال ۲۹، شماره ۹۴، ص ۶۷-۹۶.
- ۲) احمدی شادمهری، محمدطاهر، ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۷). "بررسی نقش حکمرانی بر رکود تورمی در اقتصاد ایران"، کنفرانس بین المللی تحقیقات نوین در اقتصاد، مدیریت و توسعه.
- ۳) اسمعیلی گیوی، حمیدرضا، موسوی خطیر، سیدجلال، منصوری، علی نظر، فضائی، احمد. (۱۳۹۷). "شناسایی راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت"، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۶، شماره ص ۵۱-۷۸.
- ۴) ایزدخواستی، حجت، نگین تاجی، زریر، نجفی، محمدمهدی. (۱۴۰۱). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر تورم با تأکید بر اقتصاد دانش بنیان در کشورهای صادرکننده نفت"، انجمن علمی رفاه اجتماعی ایران، اقتصاد باثبات، دوره ۳، شماره ۳.
- ۵) بانک اطلاعاتی سری های زمانی بانک مرکزی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (سال های مختلف)، <https://www.cbi.ir/page/4275.aspx>.
- ۶) بیانات رهبر انقلاب (۱۳۸۶). «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، اردیبهشت، مندرج در: Khamenei.ir
- ۷) پورعزت، علی اصغر، ۱۴۰۰. "حکمرانی و توسعه"، حکمرانی و توسعه ۱(۱)، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). تصنیف غررالحکم و درر الکلم (محقق: سیدمهدی رجایی). قم: دارالکتب الاسلامی.
- ۸) جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۸۴). "تحلیلی بر برنامه های تثبیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه"، مجله برنامه و توسعه، شماره ۱۰.
- ۹) شاه آبادی، ابوالفضل، امیری، بهزاد، گنجی، مهسا. (۱۳۹۶). "تاثیر شاخص حکمرانی بر تورم در کشورهای منتخب G77"، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)، دوره ۱۴، شماره ۳، ص ۱۸۵-۱۶۱.
- ۱۰) طغیانی، مهدی، زاهدی وفا، محمدهادی. (۱۳۹۱). "امکان بهره گیری از تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی فرهنگ اقتصادی"، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۳، شماره ۲، ص ۷۶-۵۵.
- ۱۱) غفاری، علی پاشا، حسینی، سیدرضا. (۱۴۰۰). "ظرفیت های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در مقابله با همه گیری کرونا"، سیاست کاربردی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصلنامه علمی، سال ۳، شماره ۱، ص ۱۴۳-۱۵۹.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۴

۱۲) فدایی، مهدی، قلی پور نقد، فرید، غفاری، سعید. (۱۳۹۶). "بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران"، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۳۲، ص ۶۵-۸۸.

۱۳) قاسمی، نجمه (۱۳۹۸). "بررسی رابطه ساختار مالی بر رشد اقتصادی برای کشورهای منتخب با استفاده از الگوی NARDL"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱۴) قجری، علی، نوربخش، یونس. (۱۴۰۰). "مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب"، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره ۱، ص ۳۹-۶۷.

۱۵) قربی، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۲). "بایسته‌های فرهنگی پیشرفت: بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت"، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، ج ۲، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱۶) محمودی کیا، محمد. ۱۴۰۱. "نظریه‌ای برای فهم چیرستی و چگونگی تحقق الگوی اسلامی ایرانی از حکمرانی خوب"، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال دهم، شماره دو (پیاپی ۲۲).

۱۷) مرشدی‌زاد، علی. (۱۳۹۶). "حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی"، دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال ۲، شماره ۳، ص ۱۴۱-۱۲۵.

۱۸) مسعودی‌پور، سعید. ۱۴۰۴. "درآمدی بر حکمرانی مدیریت آسیب اجتماعی تکیه‌گری بر اساس آموزه‌های دینی"، دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات حکمرانی اسلامی، سال ۱، شماره پیاپی ۱.

۱۹) منتظری، محمد، بهمنی، اکبر، فتحی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۷). "الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت"، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. سال ۶، شماره ۱۱، ص ۱۵۲-۱۳۴.

۲۰) وقفی، محمدرضا. (۱۳۹۹). "بررسی روند شاخص‌های عملکرد اقتصادی و نهادی در ایران"، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شماره ۹. <https://dolat.ir>

۲۱) یزدان‌بخش، بنت‌الهدی، محمدی، جمال. (۱۳۹۸). "شاخص‌های اقتصادی پیشرفت و تعالی شهری با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی"، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، مقاله علمی پژوهشی، سال ۱۹، شماره ۷۶. ص ۱۵۱-۱۸۰.

22) Karami, S. and Enayati, T. (2021). "Presenting a Model of the Role of the Education System in Sustainable Development with the Approach of the Iranian Islamic Model of Progress: Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development". Vol. 10, No. 3.

تأثیر تورم بر شاخص های حکمرانی در ایران با بهره گیری.../کریمزاده، دیزجی و ناهیدی

- 23) Khani Hoolari, S. M., A.A. Abounoori & T. Mohammadi. (2014). "The effect of governance and political instability determinants on inflation in Iran, MPRA", Working Paper No. 55827.
- 24) Mir khalili, H. Abolfazli, H. and Salehi farsani, A. (2020)." Explaining the model of political development in Iran by emphasizing the indicators of the Islamic model Iranian progress: Pazuheshname-ye Enghelabe Eslami". A Quarterly Scientific Journal on Islamic Revolution. Vol 10, No 36.
- 25) Romer, D. (2012). "Advanced Macroeconomics. New York: McGraw Hill Education".
- 26) SadeghiT A.R., and Tayebi, S. K. (2019). "The effect of international sanctions and other factors affecting inflation in Iran (1360-1393)", Iran Economic Research Quarterly, 23(74), 22-57. (In Persian)
- 27) Sakri, R., Rasouli Bairami, Z., Salehi Kemerodi, M., and Pakrouh, P. (2019). "The effect of expectations. Liquidity surplus and demand side on the dynamics of inflation in Iran: the Philips curve hybrid neo Keynesian approach". Scientific Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking, 147-171. (In Persian)
- 28) Mirzaei Tashnizi, Hojjatollah, Zahedi, Mehdi. (2022). "Investigating the impact of good governance indicators on inflation rate (cross-country study)". 17th International Conference on Management, Economics and Development.
- 29) Shahabadi, Abolfazl, Amiri, Behzad, Ganji, Mahsa. (2017). "The Impact of Governance Index on Inflation in Selected G77 Countries, Quarterly Journal of Quantitative Economics (Former Economic Surveys)", Volume 14, Issue 3, pp. 185-161.

یادداشت ها

-
- 1 Voice and accountability
 - 2 Political stability and absence of violence
 - 3 Government Effectiveness
 - 4 Regulatory quality
 - 5 Rule of law
 - 6 Control of corruption
 - 7)Khani Hoolari and et al
 - 8 Shahabadi and et al
 - 9)Mir khalili and et al
 - 10 Tashnizi and et al
 - 11 Schorderet
 - 12 Granger & Yoon(2002)

The impact of inflation on governance indicators in Iran using the Iranian Islamic model of progress (NARDL approach)

MojganKarimzadehkhoei¹

Receipt: 30/06/2025

Acceptance: 16/08/2025

MonirehDizaji²

MohammadrezaNahidiAmirkhiz³

Abstract

Inflation, as one of the macroeconomic variables, is always given special attention in economic planning. The Islamic Revolution, which led to the establishment of an Islamic government in Iran, brought about a radical change in foreign affairs as well as in other areas. The issue of the country's progress is one of the goals that all governments seek to achieve and realize. Therefore, achieving this progress and growth in various economic, social, scientific and political fields requires long-term planning, which requires having an appropriate model. The Iranian Islamic model of progress is a comprehensive map for moving on the path of excellence, and therefore the model of progress must be completely consistent with the future environment in order to be able to overcome future irregularities and be effective. One of the factors that can specifically control and reduce inflation is the variable of the governance institutional index, which reduces inflation through ways such as creating stability in the implementation of laws, creating confidence among economic actors, and reducing corruption. Therefore, using the Iranian Islamic model of progress with regard to governance indicators is essential for establishing an Islamic society. In this study, in order to test and investigate the effect of the Iranian Islamic model of progress on inflation with regard to governance indicators in the period 1375-1400, the NARDL nonlinear distribution lag autoregression model model has been used seasonally. The results show that positive and negative exchange rate shocks have a positive effect on inflation, and positive and negative GDP shocks have a negative effect on inflation, and a positive shock to the governance index has a positive effect, and a negative shock has a negative effect on inflation.

Keywords:

Iranian Islamic model, Progress, Inflation, Governance index, NARDL Approach JEL classification: A13, C29, E31, I25, O39

1-PhD student, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. mojgan.karimzadeh@iaut.ac.ir

2-Associate Professor, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) dizaji@iaut.ac.ir

3-Assistant Professor, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. nahidi@iaut.ac.ir

contents

1	Jihadi Performance Model Based on Organizational Intention Based on the Statements of Imam Khamenei	
	Zahra Ehtesham, Javad Pourkarimi, Fatemeh Narenji Thani And Meysam Latifi.....	1
2	Identifying indicators, dimensions, and components of network governance in strengthening interaction between university and industry: An exploratory study	
	Seyed Jafar Irani Kolur, Maherkh Lotf Elahi, Mojtaba Heydari And Reza Rostamzadeh....	25
3	A Comparative Analysis of Negotiation Management Principles in the Qur'anic Story of Moses and Pharaoh: Practical Insights for Developing Contemporary Negotiation Strategies	
	Fatemeh Haghnejad, Rasoul Asgarpour, Ahmadreza Shekarchi Zadeh And Reza Ebrahimzadeh Dastjardi.....	48
4	Transformationalism in Governance of the School of Shahid Raisi	
	Hoda Zeynali.....	62
5	Investigating factors affecting the quality of electronic services in public service organizations from a quantitative and qualitative perspective with a jihadi management approach (case study: Social Security Organization)	
	Seyyed Ahmed Mousavi, Nasser Mirsepasi, Haidar Torani And Mojtaba Kiaei.....	77
6	Presenting an organizational justice model based on Islamic governance approaches	
	Afshin Lashgari, Mohammad Reza Mardani, Behzad Shahrabi, Elahe Masoumi And Samere Shojaei.....	101
7	The impact of inflation on governance indicators in Iran using the Iranian Islamic model of progress (NARDL approach)	
	Mojgan Karimzadehkhoei, Monireh Dizaji And Mohammdreza NahidiAmirkhiz.....	121